

50

۶

پروترهای جهان متحد شوید!

مائل

بین‌المللی

مجله تئوریک و اطلاعاتی

۱۳۵۶

فهرست مقالات این شماره :

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>	<u>نویسندگان مقاله ها</u>
۱۵ - ۳	فصل تاریخی نوین در راه مابسوی کمونیسم	لئونید برژنف
۲۶ - ۱۶	دوران تازه تاریخ جهانی	میخائیل سوسلف
۳۲ - ۲۷	علیه ایدئولوژی تابع ساختن طبقه کارگر به سیستم سرمایه داری	ایرج اسکندری - جیمس اووست ژیلبرتووی ییرا - پدروماتیا
۳۵ - ۳۳	چرا صاپا کمونیست ها هستیم	-
۴۰ - ۳۶	تنها شق ممکن در قبال فاشیسم	خوزه سوارش
۴۳ - ۴۱	مردم علیه دیکتاتوری	ریکاردو و گارسیا
۵۰ - ۴۴	آئینه کژنمای واقعیت	کارن خاچاتورف
۵۶ - ۵۱	ورشکستگی رفورمیسم بورژوازی و راهی که کمونیست ها پیشنهاد میکنند	ریگو برتسو پادیلیا
۵۶	پاسخ به نامه يك دوست	-
۶۲ - ۵۷	مسابقه تسلیحاتی بچه قیتی تا همیشه	-

فصل تاریخی نوین در راه‌ها بسوی کمونیسم

لئونید برژنف

دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست
اتحاد شوروی
صدر هیئت رئیسه شورای عالی
اتحاد شوروی

بیستمین سال انقلاب سوسیالیستی اکبر در تاریخ اتحاد شوروی مقام ویژه ای احراز خواهد کرد *
زیرا این سال ۵ سال ترویج و قانون اساسی تازه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی است، ۵ قانون
اساسی که در آن نتایج کلی تمام فعالیت انقلابی و گرسازنده حزب مردم پس از پیروزی اکبر بازتاب
یافته و چشم انداز روشن ساختمان کمونیسم در آینده معلوم و مشخص شده است *

قانون اساسی تازه اتحاد جماهیر شوروی شرف آفرینندگی انبوهترین توده های زحمتکش است، *
این قانون اساسی تجربه و معلومات واراده آنان و لایحه شان را برای شکوفایی مبین سوسیالیست
و بلا رفتن ارج و اعتبار جهانی آن منعکس میکند *

لنین بزرگ، ضمن تعیین اصول اساسی ساختمان کشور سوسیالیستی میگفت: قانون اساسی آن
آنچه را که جریان زندگی تاکنون داده در خود متمرکز میسازد، و با انطباق عملی آن در زندگی تضمین و
تکمیل خواهد شد " (۱) * آنچه که زندگی طی چهل و چند سالی که از ترویج قانون اساسی پیشین
اتحاد شوروی میگذرد بطور عمده بپردازد، مادامه است، ۵ ساختمان جامعه سوسیالیستی پیشرفته و ایجاد
نخستین کشور تمام خلقی در جهان است *

۱

جامعه سوسیالیستی پیشرفته مرحله قانونمند رشد و تکامل اجتماعی - اقتصاد نظام جدید
در چهارچوب مرحله (فاز) اول و مرتبه بندی (فورماسیون) کمونیستی است * این جامعه بنا به گفته
لنین، همان سوسیالیسم کامل است که در دسترس است، که گذارتدریجی به کمونیسم از آن آغاز میگردد * کشور
مادرست به چنین مرحله ای از پیشرفت سوسیالیسم دست یافته است *

کلاسهای عمارت کمونیسم - لنینیسم هنگام پس زدن پرده زمان و ترسیم خطوط کلی سوسیالیسم و
کمونیسم فوق العاده احتیاط میکردند * در کارشان نه یک ذره خیال واهی و شغف و رات بی پایه وجود
داشت * فقط آنچه را که با استدلالات علمی میتوان با اثبات رساند، یعنی گرایشهای عمده و اساسی
پیشرفت و تعاریف و خصائص اصلی و اصولی * از لحاظ تئوریک، روشن بود که گذار از سرمایه داری به کمونیسم

دران تاریخ طویلی را در بر میگیرد و جامعه نو از یک مرحله رشد و تکامل به مرحله دیگری اعتلاء مییابد. اما از پیش دانستن اینکه این مراحل بطور مشخص چگونه خواهند بود، امکان نداشت. فردریش انگلس نوشت که مسئله مراحل گذار به جامعه کمونیستی " دشوارترین مسئله از تمام مسائلی است که وجود دارد " (۱). برای نخستین بار لنین و کمونیست های روسیه میباید به این سؤال جواب بدهند. معلوم است که پیش از هر چیز توجه لنین به وظائف بلاواسطه اندرون و به ایجاد پایه های نظام اجتماعی نوین معطوف بود. اما افکار نوایغ همیشه جلوتر از عصر آنهاست. در همان آستانه پیدایش حکومت شوروی و لنین درباره سوسیالیسم " حاضر و آماده " و " کامل " و " پیشرفته " بمنزله یک چشم انداز هفت ساختار نسبی سیالیستی که آغاز شده بود سخن میگفت. همین اندیشه های لنین هم اساس نظریات مربوط به جامعه سوسیالیستی پیشرفته است که با مساعی مشترک حزب کمونیست اتحاد شوروی و سایر احزاب برادر رهنمون و تدوین شده است.

تجربه اتحاد شوروی و سایر کشورهای جامعه سوسیالیستی گواه بر این است که ایجاد پایه های سوسیالیسم یعنی از بین بردن طبقات استثمارگر و برقراری الکتی اجتماعی در تمام رشته های اقتصاد کشور هنوز امکان آغاز نگذاشته است. در همین زمینه کمونیسم را نمیدهد. قبلاً باید مراحل معینی از پیشرفت سوسیالیسم برپا میخورد پس شود. در ضمن تجربه نشان داد که رشد و پیشرفت و تکمیل سوسیالیسم وظیفه ایست که کمتر از وجود آوردن پایه های آن بفرنج و ویرسولیت نیست.

این نکته بدیهی است که جامعه کمالات پیشرفته و تکامل یافته سوسیالیستی باید بر نیروهای تولیدی فوق العاده معتمد و پیشرفته، بر صنایع نیرومند مدرن و پرکشاورزی تا حد اعلی مکانیزه و همگام با بزرگ کسب اصول جمعی (کلیتو) پی ریزی شد متکی باشد. اقتصاد شوروی که خواستار لحاظ دقیقاً بر خواستار لحاظ تا مین شدن با تکنیک لازم با آنچه ما چهل سال پیش از این (هنگامیکه نسبتاً تولید سوسیالیستی در شهرود پیروز شده بود) داشتیم از بنی و متفاوت است اینک چنین اقتصاد نیست.

پس این مدت حجم محصول سرانه کشور ۱۸ بار تا مین انرژی روزافزون لازم برای صنایع تقریباً هشت بار و برابری مکانیزه بیش از ۱۵ بار افزایش یافته است. اقتصاد امروز کشور ما بدون انرژی اتمی، الکترونیک، تولید ماشینهای خاصه، مواد نیمه هادی و بسیاری دیگر از رشته های صنایع که در سال ۱۹۳۶ فاقد آنها بودیم، نمیتواند در نظر مجسم کرد. در حجم کلی تولیدات صنعتی، سهم رشته های که تعیین کنند ترقی تکنیکی و مبرخشی اقتصاد کشور است و پیش از سه بار افزایش نشان میدهد.

در مراحل اولیه ساختمان سوسیالیستی مردم شوروی میبایست منابع نیروی خود را روی مسائل درجه اول اهمیت یعنی روی مسائلی که اصولاً موجودیت کشور را بندها بستگی داشت و متمرکز سازند و ولی امروزه در شرایط سوسیالیسم پیشرفته و برپایه رشد مستمر تمام اقتصاد کشور و تلفیق انقلاب علمی و فنی بسیار برتریهای سازماندهی سوسیالیستی جامعه و چرخش چشمگیر اقتصاد در جهت ارضای هر چه که ملتر نیازمندی های گوناگون مادی و فرهنگی مردم امکان پذیر گردد. به عبارت دیگر هدف فاعلی تولید سوسیالیستی اینک بطور مستقیم و بلاواسطه در مرکز سیاست پراتیک حزب قرار میگیرد. بدین ترتیب برتریهای تاریخی سوسیالیسم بمنزله شیوه تولید و سلوب زندگی و ماهیت واقعا بشود و ستانمان هر چه که ملترود رخشان تر نمودن او میگردد.

سطح زندگی مادی و معنوی مردم شوروی تغییر کرد و برآور غیر قابل مقایسه ای بالا رفته است. در مقایسه با سال ۱۹۳۶ درآمد واقعی مردم پیش از این بار افزایش یافته است. سطح دانش و فرهنگ انسان های شوروی بمیزان زیادی بالا رفته است و بهبود نیست که مردم شوروی را " کتابخوان ترین مردم جهان " مینامند. درآمد ارس عالی و متوسطه تخصصی کشور اینک در حدود ۱۰ میلیون نفر یعنی بیش از هفت بار بیشتر از چهل سال پیش تحصیل میکنند و گذار به مرحله تحصیلات متوسطه همگانی بطور عمد به پایان رسیده

است و فعالیت کارکنان صنایع و کشاورزی و تمام مردم شوروی خلاق تر و پرمیضمون تر شده است و تا حال چند نسل زحمتکشان کشور ما در شرایط سوسیالیسم پیروزند و فارغ از محیط جامعه استثمارگر که روح انسان را در رنج و غدا ب خسته و فرسوده میکند و بوجود آمده و رشد کرده و بارون جمع گزائی (کلتوریسم) و همگاری رفیقانه پرورش یافته است . جهان بینی علمی - مادی بطور استوار در ذهن و ناگاه افراد جامعه جایگزین شده است بطوریکه تجربه با نشان میدهد در مرحله سوسیالیسم پیشرفته و سطح جمعی و اشتراکی شدن اقتصاد به میزان زیادی بالا میروند و اشکال مالکیت سوسیالیستی و ولتی (تمام خلق) و کلخوزی - تعاونی هرچه بیشتر و بطور مسترینیکه یگزیند یاب میشود . خط مشی حزب در جهت تعقیب تخصصی کردن و تمرکز تولید کشاورزی بر پایه ایجاد تعاونی های جزیرگتری که رشته های مختلف را در بر میگیرد و بر اساس هم پیوندی کشاورزی - صنعتی - یعنی خط مشی ای که اندیشه های برنامه تعاونی لنین را در انطباق با شرایط معاصر بسط و تکامل می بخشد و باین امر در سالهای اخیر بطور فعال یاری می رساند . در حال حاضر در کشور ما بیش از ۷ هزار سازمان و واحد تعاونی بزرگ که رشته های گوناگون اقتصاد را در بر میگیرد و بکوشش مشترک موسسات دولتی و کلخوزها ایجاد شده و فعالیت میکنند . این یک پدید نمود ریاتیکی اجتماعی - اقتصادی است .

در ساختار اجتماعی جامعه شوروی هم تغییرات عمیقی روی داده است . طبقه کارگر شوروی که نیروی رهبری کند و جامعه است امروز ۷۰ میلیون نفر را در بر میگیرد و رسوم افراد مشغول بکار را تشکیل میدهد (در حالیکه در سال ۱۹۳۶ فقط یک سوم بود) . فعالیت اجتماعی و رشد سیاسی کارگران و اشتراک آنان در اداره امور کشور بطور عمده اوم رو با افزایش است . تعداد کارگران میان نمایندگان شوراهای رهبرتاب طی چهل سال اخیر سه برابر شده و اینک ۴۶ درصد تعداد کل نمایندگان است . آمادگی تخصصی و درجه تحصیلات عمومی کارگران نیز تکامل مییابد . اینک ۷۳ درصد کارگران دارای تحصیلات عالی و متوسطه (کامل و ناتمام) میباشند و در صورتیکه چهل سال پیش این رقم کمتر از ۸ درصد بود . در شرایط سوسیالیسم پیشرفته و تحت تاثیر انقلاب علمی - فنی تولید کنندگان طراز نو پیدا آمدند و پرورش مییابند که در فعالیت شان کار جسمی (فیزیکی) و فکری هرچه هماهنگ تر تلفیق پیدا میکنند .

در روستاها یک کلخوزی ماه پنهان بیبرات اساسی پیدا آمده است . از لحاظ وضع اجتماعی آنها هرچه بیشتر به پایه کارگزیند یاب میشوند و سطح معلومات و شیوه زندگی شان حالا دیگر فرق چندانی با شهریها ندارد . روحیه جمع گزائی و وابستگی فراوان به ایدئولوژی و وفاداری جدید است . به امر سوسیالیسم و کمونیسم از صفات مشخصه روستائیان کمونی است که در کلخوزها پیدا آمدند و پرورش یافته اند . سوسیالیسم در انسانهای شوروی احساس صاحبان واقعی کشور را بوجود آورد و در آنها علاقه به فراگرفتن دانش و مهارت، لنینی رهبری تمام رشته های زندگی اجتماعی بر مبنای سوسیالیستی را پرورش داد و توده های انبوه زحمتکشان منبع زوال ناپذیر پیشگام کار راهی سوسیالیسم اند . اینها کسانی هستند که جزئیات و خبرگری و صلاحیت کامل و درایت سیاسی عمیق و هم قوی برای احساس آنچه نواست و توانائی بر آورد انتقاد و فعالیت خویش و بدقت بعد از خود مهاگوش فراوان را بطور ارگانیک در خود جمع دارند . در جریان ساختمان سوسیالیسم پیشرفته پایه اجتماعی نظام سوسیالیستی در کشور ما گسترش یافت . اتحاد طبقه کارگر و دهقانان کلخوزی هم در وحدت ایدئولوژیک و سیاسی این طبقات بسط و روشنفکران توده ای که اینک تمام و کمال در مواضع سوسیالیسم قرار دارند و بسط و تکامل یافت و اتحاد خردل ناپذیر کارگران و دهقانان روشنفکران و تمام کسانی که بکار جسمی و فکری اشتغال دارند و یعنی اتحاد تمام زحمتکشان که در اتحاد شوروی بوجود آمده است از بهترین منابع و ضامن موفقیت های هرچه بیشتر در ساختمان کمونیسم است .

تشکیل واحد اجتماعی و انترناسیونالیستی، که از لحاظ تاریخی پدید آمده است و یعنی پیدایش خلق شوروی از نشانه های مهم سوسیالیسم پیشرفته، شاخص همگونی فزاینده جامعه شوروی و پیروزی سیاست ملی حزب کمونیست اتحاد شوروی است. این بدان معنی است که در کشور ما بتدریج خطوط مشترک رفتار و اخلاق و جهان بینی مردم شوروی اهمیت تعیین کننده پیدا میکند و نه آنچه گویا بسته به تفاوت های اجتماعی و ملی است.

در نتیجه نزدیکی اشکال گوناگون مالکیت سوسیالیستی و برطرف شدن تدریجی اختلاف های جدی میان شهروروستا و کارجمعی و فکری و پیوستن تمام زحمتکشان به مواضع ایدئولوژیک و سیاسی طبقه کارگر منافع واقعی و هدف های تمام قشرهای اهالی و آرمانی های اجتماعی و روحیات آنها در کشور ما پیش از هر زمان دیگری بهم نزدیک شده است. ماهیت این تغییرات در فراروی دولت دیکتاتوری پرولتاریا به دولت تمام خلقی سوسیالیستی است.

اینها هستند پروسه های عینی که حزب ما را بدین نتیجه رساندند که در اتحاد جماهیر شوروی اینک سوسیالیسم پیشرفته ساخته شده است و یعنی به چنان مرحله و درجه ای از پیشرفت و تکامل جامعه نودست یافته ایم که بازسازی مجموع تمام مناسبات اجتماعی بر پایه مبانی جمع گرایانه که در نفس امر ویژه سوسیالیسم است، پایان میرسد.

فضای کاملاً باز برای بحریان افتادن قوانین سوسیالیسم و بروز برتریهای آن در تمام رشته های زندگی اجتماعی و یکپارچگی ارگانیک و قدرت تحریک سیستم سوسیالیستی و ثبات سیاسی آن و وحدت خلیفان پدید رونیش و اینها هستند مهمترین علائم مشخصه جامعه سوسیالیستی پیشرفته. معلوم است که در این مرحله از پیشرفت جامعه نهم (در ضمن برای زمان درازی) اصل توزیع و تقسیم بر اساس کار باعتبار خود باقی میماند.

ما بر این عقیده ایم که شناخت و استفاده از تمام امکانات سوسیالیسم پیشرفته در عین حال گذار به ساختمان کمونیسم نیز میباشد. عبارت دیگر دیکتاتوری سوسیالیستی است که به نسبت تکامل جامعه رشد یافته سوسیالیستی فراروی تدریجی آن به جامعه کمونیستی هم تحقق می پذیرد. جدا ساختن این دو پروسه و کشیدن خط فاصل میان آنها غیر ممکن است.

ما عقیده بدین نکته معتقدیم که شرایط خاص ویژه کشورهای سوسیالیسم میسازند هرچه باشد مرحله تکامل آن بر پایه خود و مرحله سوسیالیسم کامل و پیشرفته حلقه ضروری دگرگونیهای بنیادی اجتماعی و دوران نسبتاً طولیل است و تکامل از سرمایه داری به کمونیسم است. معلوم است که این ضرورت و این قانونندی در شرایط کشورهای گوناگون سوسیالیستی با اشکال ویژه و مخصوص بخود تحقق می پذیرد.

بدین ترتیب در اتحاد شوروی مسئله ایجاد زمینه مادی و فنی سوسیالیسم پیشرفته را ناگزیر پس از آنکه پایه های نظام جدید ساخته شد میبایست حل میکردیم. اینطور بنظر می آید که این راه مشترکی برای تمام کشورهای خواهد بود که با داشتن سطح نازل و با متوسط پیشرفت اقتصادی شروع به انجام دگرگونیهای بنیادی سوسیالیستی کرده اند. البته در کشورهایی که در لحظه پیروزی انقلاب سوسیالیستی نیروهای تولیدی بسیار پیشرفته ای در اختیار داشته باشند وضع از جهات زیادی طور دیگری خواهد بود. اما آنچه هم بدین ترتیب باید مسائل بخشنجی را حل کرد که ساختمان و تکمیل سوسیالیسم پیشرفته فراگرفتن دانش دشوار سازماندهی تمام زندگی اجتماعی بر مبنای سوسیالیستی (از جمله دانش پرناما ریژی و رهبری اقتصاد کشور) و نزدیک ساختن تمام طبقات و گروه های اجتماعی جامعه بر پایه منافع سوسیالیستی و آرمانی های کمونیستی طبقه کارگر و پرورش آگاهی سوسیالیستی اهالی.

تکمیل و پیشرفت سازمان دولتی و دموکراسی از جمله آنهاست .

۲

یکی از دست آورد های تاریخ پراهمیت اکثر کبیر عبارت از دموکراسی سوسیالیستی است . مفهوم دموکراسی برای نخستین بار بمعنی واقعی این کلمه ، بمعنی حکومت مردم ، آشکار گردید . برای نخستین بار زحمتکشان یعنی کسانی که خیری از حقوق کامل مدنی و سیاسی در هیچیک از نظام های استعمارگرند اغشته بطور واقعی از این حقوق برخوردار شدند . اصول دموکراسی برای نخستین بار در تمام رسته های زندگی جامعه و از جمله در زیربنای آن یعنی در مناسبات تولیدی تحقق یافت . دموکراسی که در شرایط سوسیالیسم قانونمندانه و ضروری است از لحاظ اشکال ، تکالیف و مظاهرش چیز جامد و تغییرناپذیری نیست . دموکراسی هم به نسبت پیشرفت جامعه بسط و تکامل مییابد . البته فقط در صورتی میتوان در باره سطح پیشرفت دموکراسی سوسیالیستی قضاوت کرد که معیاره یقینی برای این کار در دست باشد . مارکسیست ها - لنینیست ها چنین معیاری در اختیار دارند . بطوریکه لنین خاطر نشان ساخت در سوسیالیسم " برای نخستین بار در تاریخ جوامع تمدن ، توده های مردم تا سطح اشتراک مستقل ، نه فقط در رای گیری و انتخابات ، بلکه در اداره امور روزمره ارتقاء مییابند " (۱) . همین برای ما معیار اصلی بوده و هست ، و ما هنگام ارزیابی موفقیت های دموکراسی خود و تعیین راههای بسط و تکامل آن در آینده ، این معیار را در نظر میگیریم .

با توجه به این معیار باید لامل کافی میتوانیم بگوئیم که جامعه ما که جامعه سوسیالیسم پیشرفته است در همین حال به جامعه دموکراسی سوسیالیستی پیشرفته هم مبدل شده است . در مرحله سوسیالیسم رشد یافته و در شرایط حکومت تمام خلقی ، اشتراک هر چه گسترده تر و فعال تر توده های زحمتکش در اداره امور زندگی کشور بمنزله جهت اصلی پیشرفت سیاسی جامعه ضروری بطور استوار تثبیت شده است .

شوراهای که عالیترین ارگانهای حاکمیت دولتی ما است اینک بطرز شریختری فعالیت میکنند . اصول دموکراتیک ، شکل و فعالیت آنها هم بسط و تکامل بیشتری یافته اند . به اعتبار و اختیارات نمایندگان هم افزوده شده و ارتباط آنان با توده های مستحکم تر شده است .

در حال حاضر ما بیش از دو میلیون و دو بیست هزار نماینده مردم داریم . اگر آنها را هم که پیش از این بعنوان نماینده شوراهای انتخاب شده اند در نظر بگیریم دیده میشود که در کشور ما میلیونها انفرادی وجود دارند که مکتب عالی رهبری امروزی و سیاسی را گذرانده اند . تعداد مسائلی که اینک در شوراهای مطرح گردیده ، بررسی و حل و فصل میشود نسبت به ده سال پیش در پارلیامنتراست ، اکثر این مسائل قبلاً وسیله کمیسیونهای دائمی که تعدادشان در حال حاضر به ۳۳۰ هزار میرسد بطور مشروح مورد بررسی قرار میگیرد . در کار این کمیسیونها علاوه بر یک میلیون و هشتاد هزار نماینده ، دو میلیون و شصت و هزار نفر از افراد فعال جامعه هم اشتراک میورزند .

ترقیات و خواستههای زحمتکشان از کسانی که بعنوان نماینده خود انتخاب میکنند جدی تر شده است . میدانیم که حق انتخاب کنندگان در واپس خواندن نمایندگان از عضو مردم دموکراسی ما است . طی ده سال اخیر شوراهای در مراتب مختلف ، و از جمله از شوراهای محالی نزدیک به چهار هزار نماینده ای که به این پدیده جهت اعتماد انتخاب کنندگان را از دست داده بودند واپس خوانده شدند . بدین معنی که این حق دموکراتیک در کشور ما نه فقط اعلام گردیده ، بلکه در عمل هم تحقق مییابد و وسیله

خوبی برای افزایش مسئولیت نمایندگان در قبایل فعالیت آنهاست .
 حالاً نمایندگان بطور منظم در برابر انتخاب کنندگان گزارش میدهند . در قانون اساسی تازه بنا
 به پیشنهاد نمایندگان شورای عالی ماده ای گنجانده شده است که شوراها و ارگانهای راکه بوجود
 میآورند موظف میکنند که بطور منظم مردم را از کار خود و قرارهایی که بتصویب میرسد آگاه سازند . این امر
 به تحقق پیگیر تراصل آشکار بودن (جریان امور - مترجم) که از مهم ترین اصول فعالیت شوراهاست
 یاری میرساند . یاد آور میشویم که نئین درباره شوراها گفت : این " حاکمیتی است که بر همگان
 آشکاراست همه کارها را در مقابل چشم مردم انجام میدهد ، مردم بدان دسترسی دارند و
 بلاواسطه از میان مردم برخاسته است و ارگان مستقیم و بلاواسطه توده های مردم و اراده آنهاست " (۱) .

شوراها که پایه سیستم سیاسی اتحاد جماهیر شوروی را تشکیل میدهند مهم ترین وسیله تحقق
 حاکمیت واقعی خلقی اند . امام موکراسی سوسیالیستی اشکال بسیار دیگری از اشتراک زحمتکشان در
 اداره امور کشور و فعالیت های اجتماعی را هم در اختیار دارد که بطور مستقیم تشکیل میشوند . برخی از
 این اشکال حاکمیت خلق قبلاً در قانون اساسی تجسم نیافته و تثبیت نشده بود . اما آنها پدید
 آمدند و در جریان زندگی بسط و تکامل یافتند . درباره همین اشکال اخیر میخوانیم کمی شرح تشریح
 صحبت کم .

بحث و مذاکره تمام خلقی جای خود را در ریپاتیک زندگی در موکراتیک ما بطور استوار گشود . است
 هیچیک از برنامه های دولتی پیشرفت اقتصاد کشور و هیچیک از اقدامات سترگ قانونگذاری ما و مثلاً
 درباره ازدواج و خانواده ، درباره بازفستگی ، درباره مسائل مربوط به حفظ طبیعت در سال
 های اخیر بدون بحث و مذاکره تمام خلقی درباره طرح آن به تصویب نرسیده است .

روشن است که فقط در چنین مجمع تمام خلقی مسئله قانون اساسی تازه و اینکه این قانون
 اساسی چگونه باید باشد و میتوانست مطرح گردد . کمیسیون قانون اساسی که از طرف شورای عالی
 اتحاد جماهیر شوروی تشکیل شد ، با آنکه به کمک تعداد کثیری از دانشمندان و کارشناسان رشته
 حقوق و کارمندان مجرب دستگاه دولتی و سازمانهای اجتماعی طرح قانون اساسی را تهیه کرد .
 درباره این طرح بعداً ۱۴۰ میلیون نفر ، یعنی بیش از چهارینجم افراد بزرگسال کشور هم اظهار نظر
 کردند . این افراد در جلسات خود در محیط کار و در جلسات حزبی و اتحادیه ها و سازمانها محکوم و
 در نشست های شوراها و در راه بیوتلوژیون این نظریات را ابراز کردند . آنها در همین حال نظریات
 خود را وسیله نامه روزنامه ها و کمیسیون قانون اساسی نوشتند . صد و هشتاد هزار نامه زحمتکشان
 خود اسناد زنده و واقعی دموکراسی ما است .

کسانی که آنروزها از نزدیک جریان زندگی را در کشور ما دنبال میکردند ، میدانند که آنها هنگام دوران
 سرریز شدن عظیم نیروی خلاقه و زمان بحث های گرم و مذاکرات جالب بود . مردم شوروی برای تصحیح
 و اصلاح مسائل مشخص در طرح قانون اساسی در حدود ۴۰۰ هزار پیشنهاد دادند . بسیاری از این
 پیشنهادها به مهم ترین مسائل زندگی ما و نظیر نقش کار در سوسیالیسم ، تعیین پایه و اساس اجتماعی
 حکومت شوروی ، در نظر گرفتن توصیه های انتخاب کنندگان در جریان کار شوراها و وظائف اتباع کشور
 در حفظ مالکیت سوسیالیستی ، حق استفاده از کشت و کار شخصی و نظایر اینها مربوط میشد .
 کمیسیون قانون اساسی برای بررسی و طبقه بندی پیشنهادات رسیده ناگزیر به انجام کاری جدی
 بود تا پس از آن بتواند نظریات و توصیه های خود را برای تصویب با اطلاع شورای عالی برساند . شورا عالی

هم یاد نظر گرفتن افکار و عقایدی که ضمن بحث و مذاکره همگانی ایراز شده بود در ۱۸ ماده (از ۱۷۳ ماده) تصحیحاتی بعمل آورد و یک ماده تازه هم بآنها افزود .

بدین ترتیب وقت ما میگوئیم آفریننده واقعی قانون اساسی تمام مردم شوروی اندکند؛ مبالغه است و نه عبارت پردازی . این یک واقعیت است . این واقعیت گواه بر آن است که در کشور ما حاکمیت سیاسی برای زحمتکشان خودی است و بیگانه نیست و عدم اعتماد توده ها نسبت به تمام آنچه دولتی است (یعنی پدیده ای که از ویژگیهای جوامع استثماراری است) بکلی برطرف گردیده است .

مردم شوروی در جریان بحث و مذاکره طرح قانون اساسی نسبت بشما امور جادیه چسبون صاحب خانه سخت گیر و مشکل پسندی برخورد کردند . به موسسات و ادارات سازمانها گفتار تون و روسای آنها تذکرات زیاد و جدی داده شد . ما بمنظریات انتقادی مردم با توجه کامل برخورد میکنیم و میکوشیم تا نواقصی را که آنها متذکر شده اند برطرف سازیم . حزب ما انتقاد آزاد را وسیله ای موثر برای پیشرفت جامعه دموکراتیک و شرط لازم برای فعالیت عادی تمام ادارات و سازمانها و موسسات آن بشمار میآورد .

اشتراک در بحث و مذاکرات همگانی به مردم شوروی کمک میکند تا ارتباط نزدیک کارهای روزانه خود را با چشم اندازهای بسیار وسیع پیشرفت اجتماع هر چه روشن تر درک کنند . این ارتباط منافع خصوصی و تمایلات زحمتکشان با وظائف عمده ساختمان کمونیستی در فعالیت های اجتماعی - سیاسی تمام مردم نیز پیوسته درخشانی نمودار میگردد .

مسائل مربوط به نقش گروههای زحمتکشان در جامعه ما توجه فراوان شرکت کنندگان در بحث و مذاکره طرح قانون اساسی را بخود جلب کرد . درک این مطلب دشوار نیست . علت این است که اکتکارها و اقدامات شریخی که در زندگی سراسر کشور موشرواقع میگردد از همین نخستین کانون های ارگانیک اجتماع ما سرچشمه گرفته و بسط و تکامل مینمایند .

همینقدر کافی است یاد آور شویم که تهیه و تنظیم برنامه دولتی از محیط کار و موسسات آغاز میگردد . پس طبیعی است که انجام برنامه و یا تحقق مواد آن بیش از میزان پیش بینی شده بدرجه قاطعی وابسته به نظم و دقت در کار و ابتکار گروههایی است که انجام کار معینی را بعهده گرفته اند . برای نمونه کارخانه شماره ۱ سازنده و مسائل و لوازم برقی برای تراکتور و اتومبیل مسکورا در نظر بگیریم . کارگران و کارکنان این کارخانه هنگام بحث و مذاکره برنامه پنجساله دهم بیش از ۲۰۰ پیشنهاد دادند و به تحقق اکثر این پیشنهادات نائل آمدند . در نتیجه کارخانه بمیزان ۲ میلیون روبل محصول اضافه تحویل داد .

در محیط کار بسیاری از مسائلی هم که خارج از مرز منافع و مصالح محدود تولیدی است حل و فصل میشود . سازمان دادن مسابقه سوسیالیستی و تقسیم توزیع بودجه ویژه کمک و یادداشت مادی و افزایش مهارت عر فه ای و استقرار کار درها و رسیدگی به وضع استراحت و مسکن زحمتکشان و برآوردن خواستههای معنوی آنان از جمله مسائلی هستند که یاد آور شدیم . بهبود بخشیدن به کیفیت خدمات بهداشتی و تدقیق اصول استفاده از واحدهای مسکونی تازه و افزایش پاینده و تشدید مبارزه با بوروکراتیسم و توجه بیشتر بمسئله پرورش و تربیت و اخلاق جوانان همه بخش از مسائلی است که دارای اهمیت اجتماعی فراوان اند و بنسبیت بحث و مذاکره طرح قانون اساسی در محیط کار مطرح شده و بصورت پیشنهاد ارائه گردید .

بر اساس پیشنهاد های بسیار زیاد زحمتکشان در قانون اساسی تازه یک کارگران و کارمندان هر واحد تولیدی و ادارت و موسسات حقوق گسترده ای در امر بحث و مذاکره و یا حل و فصل امور دولتی و اجتماعی و در اداره موسسات و ادارات و واگذار گردیده و مواد مربوط به نقش گروه زحمتکشان هر موسسه و اداره هم

به فصل ویژه سیستم سیاسی اتحاد جماهیر شوروی انتقال داده شده است.
 تحقیق دموکراسی سوسیالیستی به یکی از نیروهای محرکه ترقی اقتصادی کشور مبدل گردید و
 است. افزایش منابع تولیدی و ثروت ها عملی جامعه شوروی هم بنسبه خود به عامل مهم استحکام و
 پیشرفت مبانی دموکراتیک تبدیل شده است.

در شرایط سوسیالیسم پیشرفته و تکامل رسیده پایه اقتصاد دموکراسی سوسیالیستی گسترش
 یافت و حقوق اتباع شوروی مضمون مادی اساسی تری یافت و امکانات تضمین این حقوق اعتبار بیشتری
 پیدا کرد. هرکس قانون اساسی تازه شوروی را با قانون اساسی پیشین مقایسه کند یقین حاصل
 خواهد کرد که این قانون اساسی تغییرات کیفی را که در مجموعه حقوق و آزادیهای انسان شوروی پدید
 آمد منحصراً میسازد.

معلوم است که قانون اساسی جدید آزادیهای بیان، مطبوعات، اجتماعات، میتینگها
 و تظاهرات را که در قانون اساسی پیشین نیز وجود داشت کاملاً تأیید کرد. در ضمن به سایر حقوقهای
 سیاسی هم گنبدت است در زندگی اجتماعی از آنها استفاده میشود. در مواد قانون اساسی تازه
 جای لازم داده شده است. ماده تازه ای که بموجب آن به اتباع اتحاد شوروی حق شرکت در
 اداره امور دولتی و اجتماعی داد میشود دارای اهمیت اصولی است. قانون اساسی جدید در مقایسه
 با قانون اساسی پیشین بهر دم شوروی حقوق زیادی برای دفاع از منافع شخصی شان میدهد. تضمین
 های لازم برای حقوق سیاسی اتباع هم افزایش یافته است. بطور مثال، بدیهی است که حق انتقاد
 زمانی پررنگ تر میشود که همانطور که در کشور ما معمول است، تعقیب افراد بعلمت انتقاد وسیله
 قانون اساسی ممنوع اعلام میگردد و باید در قانون اساسی قید میشود که کسانی که این قانون را نقض کنند
 مسئول شناخته شده و بازخواست میگردد.

اینک درباره حقوق اجتماعی - اقتصادی که به پایه و اساس زندگی افراد مربوط است صحبت
 میکنیم. من فقط بذكر چند نمونه که وسیله آنها میتوان درباره تغییراتی که در این رشته پدید آمده
 قضاوت کرد اکتفا میکنم. حق کار که میدانیم دهها سال است در کشور ما جزء موازین عادی و معمولی
 زندگی است، یکی از آنها است. این حق امروزه حق انتخاب شغل، نوع کار و فعالیت طبق ذوق
 و استعداد و آمادگی و تخصص و نظایر اینها را هم شامل میشود. ما این حق را امروز برای اتباع خود از
 آنرو میتوانیم تضمین کنیم که اقتصاد وجود آورده ایم که نه فقط بطور ثابت و مستمر نیازمند به نیروی
 کار روزافزون بلکه به نیروی کار همه جانبه و متخصص و کارشناس است. ما بدلیل دیگری هم میتوانیم این حق
 را تضمین کنیم و آن اینکه سیستم پیشرفته عالی تحصیلات عمومی و تخصصی، آموزش حرفه ای و تکمیلی
 تخصص را بوجود آورده ایم.

قانون اساسی تازه حق مسکن را هم که از مسائل مهم حیاتی است تأیید و تثبیت میکند. در قانون
 اساسی پیشین در این باره صحبت نمیشد. ولی اکنون برای تحقق آن پایه مطمئن مادی بوجود
 آورده شده است. حق تأمین زندگی مادی در دوران پیری در قانون اساسی قبلی هم وجود داشت.
 ولی حالا در مقایسه با سال ۱۹۳۶ تعداد افراد سالخورده ای که از این حق استفاده میکنند دهها بار
 افزایش یافته است. باید یاد آور شد که میزان متوسط حقوق بازنشستگی هم تقریباً سه برابر گردید. ما
 یکی از فرقه های اصولی دموکراسی سوسیالیستی با دموکراسی بورژوازی این است که دموکراسی
 سوسیالیستی نه فقط حقوق سیاسی، بلکه حقوق اجتماعی - اقتصاد را نیز اعلام میکند و نه فقط
 این حقوق را اعلام میکند، بلکه آنها را بطرز اطمینان بخشی تضمین مینماید. در جامعه سوسیالیسم
 رشد یافته که از قدرت اقتصادی یحداطلا پیشرفته تری برخوردار است، این وجه مشخصه دموکراسی

سوسیالیستی بطرز بی‌پرده برجسته ای نمایان میگردد .

دموکراسی مابا ایجاد محیط لازم برای فعالیت سیاسی ، اقتصادی و معنوی اتباع شوری و نمایندگان و سازمانهای آنان این فعالیت را روی هدفهای متمرکز میسازد که تمام مردم و تمام جامعه در رسیدن بد آنها دخیل میشوند . در ضمن این دموکراسی باید امکانات لازم برای بروز ضایع مشخص و گوناگون گروههای مختلف اهالی راتمامین کند و آنها را با ضایع جامعه بطور کلی ارتباط داده و هماهنگ سازد . در این عرصه سازمانهای اجتماعی نقش بزرگی بعهده دارند .

از جمله ، حفظ منافع و مصالح کار بطور اعم از وظایف ثابت و خد شه ناپذیر اتحادیه های کارگری است . این اتحادیه ها هستند که اگر دموکراسی برخی از مدبران موسسات موازین و قوانین کار را فراموش میکنند و یا نسبت بضا زمندهای اجتماعی زحمتکشان بی توجهی نشان میدهند ، ثابت قدم و با قاطعیت وارد عمل میشوند . سال گذشته بنابه تقاضای کمیته های اتحادیه هانزدیک به ده هزار نفر از این قبیل کارکنان و کارمندان از سمت خود معزول شدند . اما در کشور ما میان کار و سرمایه و کارگر و کارفرما تضاد کی که در جامعه پروروثی ریشه ای و بنیادی است وجود ندارد . دموکراسی که یاد آور شدیم اتحادیه هابهتر از هر کسی دیگری بیانگر منافع زحمتکشان شده ، راه حل را در این میباید که اشتراکی زحمتکشان را در اداره تولید و در اداره امور تمام جامعه سازمان دهد . نتیجه چنین اقدامات استی بطور مثال عبارت از فعالیت جلسا مشاوره تولیدی است که کار آنها تعطیل بردار نیست . اینک در سراسر کشور ماتعمد اد این قبیل مراکز مشاوره تولیدی ۱۳ هزار است که ۶۴ درصد شرکت کنندگان در آنها را کارگران تشکیل میدهند . از این جلسات مشاوره هر ساله یک میلیون ونیم پیشنهاد یعنی بسرلرزم افزایش بیشتر شرحی تولید میرسد . بدیهی است که این امر برای اقتصاد کشور فواید بسیار دارد . ولی در عین حال امکانات مادی رضای بیشتر نیازمندیهای اجتماعی و حیاتی زحمتکشان هم افزایش میباید .

یا بطور مثال ، کومسومول یعنی سازمان جوانان کشور را در نظر بگیریم . علاقه و تمایل براه رمانتیسیم از خصوصیات جوانی است . پس هنگامیکه کومسومول صد ها هزار دختر و پسر را مثلا به ساختمان بزرگ راه باینال و آمور جلب میکند ، در عین حال منافع و تمایلات ویژه جوانان را با مصالح عالی و همگانی مردم یعنی ایجاد شیرین تازه حمل و نقل در سبیره در هم آمیازد .

بطور خلاصه دموکراسی سوسیالیستی موجب میشود که در قبال منافع اجتماعی گوناگون و فزاینده و واکنشی هشیارانه بعمل آید و خصوصیمی برای ابتکارها و فعالیت های اجتماعی و سیاسی که خود توده ها ببتکرانند فراهمیآورد .

پیشرفت سازمان دولتی سوسیالیستی و دموکراسی سوسیالیستی پروژه ایست که نقش اساسی را در آن حزب کمونیست ها ایفاء مینماید . حزب کمونیست اتحاد شوروی را پیروزی انقلاب اکتبر و سراسر تاریخ شصت ساله کشور شوروا به مقام رهبری جامعه ما و نیروی هدایت کننده آن رسانده است . این نقش حزب در قانون اساسی کشور شوروی بروشنی منعکس گردیده است .

حزب کمونیست اتحاد شوروی در جریان رهبری فعالیت شوراهای جای شوراها را نمیگیرد و خدود وظایف ارگانهای حزبی و دولتی را کاملا معلوم میکند و خط مشی خود را در رجه اول از طریق کمونیست هاش که در آنها بکار اشتغال دارند برحاصل در میآورد . ماهیت این اصل لنینی در قانون اساسی کشور بطور دقیق مشخص گردیده و در آن گفته شده است که تمام سازمانهای حزبی در چهارچوب قانون اساسی اتحاد جماهیر شوروی فعالیت میکنند . کمونیست های شوروی هم مانند تمام مردم شوروی بخوسی درک میکنند که از گجا نندن و تثبیت نقش رهبری حزب کمونیست اتحاد شوروی در دولت و اجتماع در قانون اساسی بهیچوجه امتیازی برای حزب حاصل نمیگردد . بکنس این امر مسئولیت بیشتری را به

عهد آن میگذارد و زیرا حزب کمونیست اتحاد شوروی نقش هدایت کننده خویش را نه با استفاده از قدرت حاکمیت بلکه در برپوش شخصیت و اعتبار سیاسی فراوان و تاثیرات عدولونیک در توده های مردم عمل میکند و مساعی دانی حزب ما بنظر طور تحکیم قانونیت سوسیالیستی و مراعات حقوق افراد در جهت مصالح گسترش دموکراتیسم است که در سرشت نظام اجتماعی ما نهاده شده است.

بنظر میگذرد که یکی از شیوه های معمولی تبلیغات آنتی کمونیستی معاصر که در تلاش بدنام کردن سیستم شوروی است عبارت از استناد به تضییق و فشارهای غیرقانونی و نقض اصول دموکراسی و قانونیت سوسیالیستی است که در سالهای برقراری پرستش شخصیت وجود داشته است. در ضمن معلوم است که ترجیح میدهند در باره این واقعیت سکوت اختیار کنند که این حزب کمونیست اتحاد شوروی بود که آشکارا و بدون گدشت این رویه را که برخلاف مواد قانون اساسی بود محکوم کرد و در راه برقراری موازین لنینیستی زندگی حزبی و دولتی کارهای فراوانی انجام داد و تضمین های استواری علیه سوءاستفاده از مقام و قدرت و نقض حقوق اتباع کشور موجود آورد.

کمونیست ها جامع حاصل پوشاندن به حقوق دموکراتیک و آزادی و اصلاح و مترجمتگشان در مبارزه در راه سوسیالیسم و کمونیسم بشمار می آورند. آشنائی بحقوق خویش و توانائی استفاده از آنها بسود ساختمان جامعه نوسمترین جنبه راه پرورش فعال انسان شوروی در زندگی و سطح عالی فرهنگ سیاسی آنست که تشکل و پیشرفت آن در مرکز توجه حزب ما بوده و هست. معلوم است که فهم و درک مسئولیت خود در برابر جامعه از طرف اتباع شوروی و درک وظیفه و الای میهن پرستانه خویش و لزوم انجام کار و فعالیت از روی صداقت و وجود آن بسود مردم و آسودگی مستمر برای دفاع از دستاوردهای میهن اکبر همه عناصر جدائی ناپذیر این فرهنگ سیاسی است. این نظر که انجام وظایف فردی در برابر جامعه بهمان اندازه لازم و ضروری است که تحقیق حقوق و آزادیها و از طرف بسیاری از افراد شرکت کنند در بحث و مذاکره طرح قانون اساسی هم ابراز گردید. این اندیشه پرورشی در مواد مربوطه در قانون اساسی ما بیان شده است.

ما بطور استوار طرفدار این نظریه ایم که دموکراسی سوسیالیسم نه بانظم و نسق پرورکراتیک و سرمایه خانه ای و نه با خود کامگی آثار شیمیستی (هرج و مرج طلبانه) نسبت به اصول سوسیالیستی و موازین و قوانین آن در یکجانبی گنجد. میدانیم که روی پرچم انترناسیونال اول که وسیله مارکس و انگلس بوجود آورد شده این کلمات نقش بسته بود: "حق بدون وظیفه وجود ندارد و وظیفه بدون حق وجود ندارد". امروز این شعار جمعیت وفاق بین المللی کارگران بیکی از اصول مهم زندگی و فعالیت زحمتکشان شوروی مبدل شده است. استقرار و بسط و تکامل دموکراسی سوسیالیستی کارخیز است. ما خوب میدانیم که در این زمینه ما مسائل حل نشده و مشکلات داریم. تکمیل کار بزرگ ترتیب و تنظیم تمام موازین قانونگذاری ما طبق قانون اساسی جدید در برابر ما قرار دارد. ما میدانیم که در راه بهبود کارتها و واحدهای دستگاه اداری که باید با دقت بیشتر به ابتکارهای خلاق و مشکلات دنیا زنده بپسای زحمتکشان برخورد نمایند. نیروی زیادی بصرف رسیده است. ولی ما از ارگانهای کنترل خلق که قانون اساسی ما برپه اهمیت و اعتبارشان افزوده و سخت گیری و قدرت عمل بیشتری را انتظار داریم.

ما برای تکامل دموکراسی شوروی و برای بسط و تکامل سازمان دولتی کشور در جهت رسیدن به دوران که اداره امور کشور را خود مردم و بلاواسطه بدست گیرند از صرف نیرو و وسیله در نیخ نخواهیم کرد. بانصوب قانون اساسی جدید اتحاد شوروی گام بلند دیگری در راه این هدف بزرگ کمونیست های تمام کشورها برداشته شده است.

تجربه پیدایش و پیشرفت نخستین کشور سوسیالیستی جهان در خارج از مرزهای کشورمان نیز همواره توجه فراوان جهانیان را بخود جلب کرده و نه طرفداران سوسیالیسم و نه دشمنان طیفاتی آن نسبت بدان بی‌اعتنا نبوده اند. به همین سبب کاملاً قانونمندانه است که در گرونی‌های عظیم در بصره و تکامل سیستم سیاسی جامعه شوروی که در قانون اساسی جدید اتحاد جماهیر شوروی منعکس گردیده و به پروسه بحث و مذاکره آن و تصویبش هم در مرکز توجه تمام مردم سواره مافراد داشت. جهات عمده‌ای را که اهمیت بین‌المللی این رویداد بزرگ در زندگی مردم شوروی در آنها بازتاب یافته می‌توان مشخص کرد.

قانون اساسی جدید کشور ما قدم بر هر چیز سبب تازه‌ای در تئوری و پراتیک بین‌المللی ساختن سوسیالیسم است و آنها را با تجربه سازماندهی نخستین کشور تمام خلق سوسیالیستی در جهان غنی‌تر می‌سازد.

لنین با آشکار ساختن اهمیت اصولی بین‌المللی کردن تجربه انقلابی و فرا گرفتن خاستگاه تمام آنچه مبارزه زحمتکشان در سراسر جهان بدست می‌دهد خاطر نشان می‌ساخت که هر کوشش جداگانه ساختن جامعه نو می‌تواند بشکل معینی یکجانبه باشد و این بیان نقش راداشته باشد و که "سوسیالیسم کامل و یکپارچه" با همکاری انقلابی پرولتاریای تمام کشورهای ساخته می‌شود (۱).
میدانیم کشورهای برادری که در برترازما در راه سوسیالیسم گام نهادند هنگام تهیه و تدوین قوانین اساسی خود دستاوردهای قانونگذاری شوروی را که در آن موقع یگانگی تجزیه عملی ساختن دولتی سوسیالیستی بود در نظر می‌گرفتند. اینک در بسیاری از این کشورهای مسئله ایجاد جامعه پیشرفته سوسیالیستی مطرح گردیده و ساماندهی حل و فصل می‌شود. بطوریکه رهبران و مطبوعات این کشورها قید می‌کنند قانون اساسی شوروی منصفانه‌ای برای تعیین چشم انداز پیشرفت کشورهای آنها است.

مانند نمونه خود هنگام تهیه و تدوین قانون اساسی جدید اتحاد شوروی نه فقط به تجربه تاریخ کشور شوروی درباره قانون اساسی متکی بودیم بلکه به پراتیک و تجربه سایر کشورهای سوسیالیستی هم توجه فراوان می‌نمودیم. این امر از جمله به امکان داد مضمون برخی از مواد قانون اساسی را که به حقوق و وظائف اتباع کشور مربوط می‌شد غنی‌تر سازیم و ساختار کلی قانون اساسی را بهتر کنیم. همه اینها را بر مبنای تجربه چیز دیگری غیر از گردآوری تجربه جمعی در ساختن دولتی سوسیالیستی نیست. هر قدر این تجربه بیشتر باشد قانونمندی‌های عام شکل و پیشرفت سیستم سیاسی سوسیالیسم روشن‌تر آشکار می‌گردد و اهمیت بین‌المللی آنها کاملاً متزعم می‌شود. البته ماهیت امر این نیست که قالب‌های معینی پیدا می‌آید که فقط آنها را باید تقلید کرد. ماهیت امر این است که رهنمودهای علمی مستدل و در عمل آزمایش شده‌ای تهیه و تدوین می‌گردد که به کمک آنها در شرایط مشخص کشورهای گوناگون می‌توان راحل در دست‌مضامین بفرنج استقرار و پیشرفت سازمان دولتی سوسیالیستی و دموکراسی سوسیالیستی را پیدا کرد.

زندگی نشان داده است که چنین رهنمودهایی نه فقط در ساختن سوسیالیسم بلکه در یافتن راه‌های رسیدن بدان نیز مفید واقع می‌شوند. بطور نمونه ماهیت بسیاری از واکنش‌ها و اظهار نظرها در کشورهای آسیا و آفریقا و آمریکا و لاتین درباره قانون اساسی تازه شوروی بر این امر گواهی می‌دهد.

رجال پر جسته و مطبوعات این کشورها یاد آور میشوند که تجربه ساختن سوسیالیسم که در قانون اساسی مانعکس یافته حاوی نکات بسیار ارزنده ای برای خلقهایی است که پس از آزاد شدن از وابستگی استعماری یا انتخاب راه بعدی پیشرفت و مسائل مربوط به استحکام سازمان دولتی ملی خود روبرو هستند.

علاوه بر این اهمیت بین المللی قانون اساسی تازه اتحاد جماهیر شوروی با تاثیر انکارناپذیر آن در جریان پیکار کمونی دوسیستم جهانی هم معلوم و مشخص میگردد.

سوسیالیسم با موجودیت خود و با سرسختی خود همواره در زندگی داخلی کشورهای موصرا به داری تاثیر مثبت می بخشد و به مبارزه عادلانه نیروها محترقی یاری میرساند. قانون اساسی تازه که مجموع تجربه هشت ساله پیشرفت کشور ما در راه اکتبر را در خود جمع دارد نیروی جان به نمونه سوسیالیستی را چند برابر میسازد. این قانون اساسی راههای عملی حل شریخش و واقعات موکراتیک مسائل بنیادی پیشرفت اجتماعی بسود مردم زحماتش را بطور نمایان آشکار میکند.

حقیقتی که در باره سوسیالیسم و دموکراسی آن در قانون اساسی تجسم یافته به کمونیست های جهان در مبارزه با امپریالیسم و این دشمن مشترک طبقاتی ما و صلاح موثر ایدئولوژیکی عرضه میدارد. نمایندگان بسیاری از احزاب کمونیست و کارگری این نکته را یاد آور میشوند.

معلوم است که قانون اساسی جامعه سوسیالیستی پیشرفته بمذاق کسانیکه با سوسیالیسم مبارزه میکنند و برای جلوگیری از نیروزی نظام جدید از صرف مال و نیرو در ریخ نیورزند خوش آیند نیود.

من در گزارش خود به اجلاس هیئت شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی (۴ اکتبر سال ۱۹۷۷) در باره حملات کاملاً نمونه و ارمخالفان بورژوازی مانسبت به طرح قانون اساسی صحبت کرده ام. پس از تصویب قانون اساسی هم وضع در این مورد عوض نشده است. به همین سبب آنچه راقته ام تکرار نمیکنم. خوانندگان میتوانند با مراجعه بمستی آن گزارش که طی آن دلایل و پراهین تبلیغاتی بورژوازی بررسی شده و کیفیت حصول وریا کارانه آنها نشان داده شده و بانظریات ما درباره این مسئله معین آشنا شوند.

ما میدانیم هنوز دجهان کسانیکه هستند که به جعلیات تبلیغاتی که دولت شوروی و دموکراسی سوسیالیستی را لکه دار میکند باور دارند. من یقین دارم که آشنائی هرچه بیشتر مردم سراسرجهان با قانون اساسی تازه اتحاد شوروی و زندگی مردم در کشور ما بمکاستن اتمتد اد این قبیل افراد کمک میکند. بدین مناسبت میخوام هم سیاسی و تشکر خود را به احزاب کمونیست و کارگری بخش غیر سوسیالیستی جهان ابراز دارم. زیرا آنها اغلب در شرایط دشوار در محیط تبلیغات دامنه دار و لجام گسیخته ضد شوروی و برای کمک به تشریح واقعی جریان زندگی در کشورها و تجزیه و تحلیل عینی مسائل جامعه پیشرفته سوسیالیستی کارفرمائی انجام میدهند. هرقد مردم بیشتر از دستاورد های سوسیالیسم مطلع باشند و هرچه روشن تر مقیاس و بفرنجی مسائل را که این جامعه میبایست حل میکرد و نظر مجسم سازند همانقد طرفداران مومن و معتقد نظام اجتماعی تازه بیشتر خواهند بود و همانقد هم مواضع سیاسی و ایدئولوژیک سوسیالیسم جهانی و تمام احزاب مارکسیستی - لنینیستی کنفری رهبری کنند و در مبارزه علیه امپریالیسم و بخاطر صلح و دموکراسی و ترقی اجتماعی اند استوار تر خواهند بود.

جنبه دیگر اهمیت بین المللی قانون اساسی جدید اتحاد شوروی عبارت از این است که تمام مواد و مضمون آن در خدمت صلح و امنیت خلقها و استحکام همبستگی ضد امپریالیستی تمام نیروهای مترقی است. تمام هدفها و نیات مردم کشور ما وابسته به کار خلاق و صلح آمیز است. در اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی بر خلاف کشورهای امپریالیستی طبقه یا گروههای اجتماعی که در مسائل اقتصادی و تدارکات جنگی ذینفع باشند و وجود ندارند. مردم کشور ما یا گنجاندن فصل ویژه ای در قانون اساسی

کمد رآن خصلت صلحجویانه سیاست خارجی اتحاد شوروی تأیید و تثبیت میگردد ، بارد یگر عزم راسخ خود را در پیروی از منشی لنینی صلح ، منشی نجات بشریت از بیم و وحشت جنگ ، و محرومیت های مادی و خطر اکتیواری که مسایق تسلیحاتی همراه دارد تأکید کردند . در این فصل مواد ی گنجانده شده که با تمهیدات اصولی که اتحاد شوروی بمنزله یکی از امضا کنندگان مهم ترین قرارداد های بین المللی و از جمله سند نهائی کنفرانس هلسینکی بصدقه گرفته است توافق کامل دارد . این اقدام ، بدون تردید بتمام کوشش هایی که در جهان برای سالم ساختن هرچه بیشتر محیط بین المللی و وسط و تکامل کاهش تشنج بحمل می آید وزن و اعتبار بیشتری می بخشد .

اتحاد شوروی یکی از اجزاء متشکله سیستم جهانی سوسیالیسم است . همبستگی عمیق و پیوسته بین المللی حزب و مردم کشور ما را بانبروهای مرفقی و آزاد بیخش جهان و با جنبش جهانی کمونیستی پیوند میدهد . بهمین سبب ، کاملاً طبیعی است که در قانون اساسی خصلت طبقاتی سیاست خارجی دولت شوروی ، آرمانهای اجتماعی آن ، و علائق سیاسی و پشتیبانی سنتی آن از مبارزه خلقها در راه آزادی ملی و ترقی اجتماعی ، بروشنی انعکاس یافته است . آن مواضعی هم که حزب کمونیست اتحاد شوروی بر پایه بنیاد ل نظر و کار جمعی با سایر احزاب کمونیست مشخص و معین کرده و در اساس مشترک آنها نظیر اسناد کنفرانس برلن احزاب کمونیست و کارگری اروپا تثبیت شده ، در قانون اساسی بازتاب یافته است .

خلاصه اینکه قانون اساسی ما چیزی را در مقام قانون دولتی اتحاد شوروی قرار میدهد که مضمون واقعی سیاست خارجی کشور سوسیالیستی راتشکیل میدهد یعنی علاقه و توجه آنرا به صلح و ایجاد شرایط بین المللی که پاسخگوی مصالح مبارزه در راه آزادی ملی ، ترقی اجتماعی و سوسیالیسم و کمونیسم باشد .

در جریان تهیه و تدوین قانون اساسی ما بدین نکته توجه داشتیم که این قانون اساسی عامل مهمی برای بسط و تکامل و تعمیق دموکراسی سوسیالیستی و وسیله نیرومندی برای ساختن کمونیسم خواهد بود .

بحث و مذاکره و تصویب قانون اساسی اتحاد جماهیر شوروی به افزایش کار و فعالیت اجتماعی سیاسی مردم کشور در جهت انجام وظایف سترگی که بیست و پنجمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی بمنظور ساختمان جامعه کمونیستی معین کرده کک کرد . مردم شوروی که در اطراف حزب کمونیست لنینی متحد شده اند در انجام این وظایف نه فقط وظیفه میهنی و الای خویش ، بلکه وظیفه انترناسیونالیستی خود را در برابر طبقه کارگر جهان و تمام بشریت در مد نظر دارند .

دوران تازه تاریخ جهان

میخائیل سوسلوف

عضو شورای سیاسی کمیته مرکزی
حزب کمونیست اتحاد شوروی
دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست
اتحاد شوروی

پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر که تمام بشریت، متمدن اینک، شصتمین سالگرد آنرا جشن میگیرد رویداد عمده قرن بیستم است. این انقلاب جریان پیشرفت جهان را از بنیاد وین تغییر داد و تعویض نظام سرمایه داری با نظام کمونیستی را عملاً پی ریزی کرد و بدین ترتیب سر آغاز دوران جدید و در تاریخ جهان گردید.

افتادن حاکمیت بدست طبقه کارگرو زحمتکشان کشورها، ایجاد نخستین کشور سوسیالیستی جهان در دهه شانزدهم شکل اثبات تاریخی عمق علمی و تئوریک و گروگون سازنده تعالیم انقلابی مارکس و انگلس و لنین گردید. پیروزی اکتبر و سوسیالیسم تاریخی پس از آن با اثبات رساندن آن برای تحقق مصالح طبقاتی زحمتکشان و برای نجات آنان از استثمار و برای از بین بردن ستم ملی و عدم مساوات و برای آزاد کردن خلقها از قیودی حقوقی و قربانیان او دهشت جنک و بطور خلاصه برای بازسازی جهان راه دیگری بجز آنکه تئوری علمی کمونیست هان نشان میدهد و کشورهای سوسیالیستی و طبقه کارگر جهانی تحت رهبری احزاب مارکسیست - لنینیست آنرا می پیمایند و راه دیگری نیست و نمیتواند باشد.

۱

شصتمین سالگرد اکتبر کبیر یا بزرگترین رویداد در پیشرفت اجتماعی معاصر و ساختمان دولتی اتحاد شوروی یعنی پاتنه و پیدایش قانون اساسی جدید همزمان بود. این سند که منعکس کننده کارهای برجسته مردم شوروی و حزب کمونیست آنست، هم از لحاظ سیاسی و هم از نقطه نظر تئوریک، فوق العاده اهمیت دارد و زیرا همانطور که ر. برژنف در بیست و پنجمین کنفرانس حزب کمونیست اتحاد شوروی گفت، بهنگام تهیه قانون اساسی تازه، باین هدف توجه شده است که "نه فقط اصول کلی نظام سوسیالیستی که بیانگر ماهیت طبقاتی کشورها است، بلکه ویژگیهای اساسی جامعه سوسیالیستی پیشرفته و سازمان سیاسی آن هم به ثبت برسد." (۱) اینک، پس از بحث و مذاکره فعالانه و خلاق همگانی قانون اساسی همانند قانون اصلی زندگی جامعه سوسیالیسم پیشرفته که ساختمان آن حاصل عمده مبارزه و کار سازنده مردم شوروی در شرایط دورانی است که با انقلاب اکتبر آغاز گردید و اعتبار قانونی یافت.

۱ - ل. برژنف و باخمت مشی لنینی (زبان روسی) - جلد ۵ مسکو، دایره انتشارات سیاسی
۱۹۷۶، صفحه ۵۴۷

سوسیالیسم پیشرفته مرحله قانونمند صورت بندی (فورماسیون) کمونیستی است . این مرحله دوران تاریخی طولانی را در برمیگیرد که در جریان آن به تدریج ترین مسائل ساختمان کمونیستی حل و فصل میگردد . برخی از این مسائل بقرار زیراست : ایجاد زیربنای مادی - تکنیکی کمونیسم ، نزدیک ساختن و دنیای آن در هم آمیزی و شکل مالکیت سوسیالیستی بر وسائل تولید ، از بین بردن مرزهای طبقاتی ، زمین برداشتن اختلافهای اصلی میان شهر و روستا ، کارفکری و جسمی ، تامین و تقویر کامل اشیاء مورد نیاز و صرف مردم و تربیت و پرورش انسان نو .

فقط به پیمایه ای که وجود سوسیالیسم بوجود آورد ، باشد ، نیروهای سازنده آن بطور کامل آشکار میگردد ، تا تاثیر و اثبات عینی پیشرفت آن بانبروی هر چه بیشتر بروز میکند و قانونمند میگردد آن که پایه و اساس تکامل مستمر جامعه سوسیالیستی و تکامل پروسسه های درونی فراهم آورنده فراروئی این جامعه به جامعه کمونیستی است قویا جلو نگر می شود .

کار تشریحی زرف حزب کمونیست اتحاد شوروی و احزاب برادر سایر کشورهای سوسیالیستی امکان داد قانونمندی های اساسی ساختمان سوسیالیسم پیشرفته معلوم و مشخص گردد . این قانونمندی ها بدین قرار است : تامین سطح عالی پیشرفت نیروهای تولید ، بهره پیمایه استفاده ، ازنانه ترین دستاورد های انقلاب علمی و فنی ، بسط و تکامل هر چه بیشتر هر دو شکل مالکیت سوسیالیستی یعنی دولتی و کلخوزی تعاونی در زیربنای اقتصادی و نزدیک ساختن تدریجی آنها ، افزایش روز افزون رفاه و آسایش مردم که هدف اصلی اقتصاد سوسیالیستی است ، حفظ و تکمیل اصل سوسیالیستی تقسیم و توزیع بر پایه مقدار کار ، بمنزله شیوه اساسی تقسیم و توزیع طی مدتی طولانی ، ایجاد تغییر و تحول در ساختار اجتماعی در جهت بسط و تعمیق هر چه بیشتر نقش رهبری کنند ، طبقه کارگر ، تحکیم اتحاد آن با سایر قشرهای زحمتکش ، تقویت وحدت تمام جامعه و یکپارچگی و همگونی اجتماعی آن ، وحدت ایدئولوژیک و سیاسی فزاینده ، تمام ملت ها و خلق ها بر پایه برابری حقوق و اشتراک آرمانهای کمونیستی آنها ، پیشرفت سریع اقتصاد و فرهنگ آنها ، فراروئی دولت دیکتاتوری پرولتاریا به دولت تمام خلقی سوسیالیستی ، تعمیق و بسط و تکامل همه جانبه دموکراسی سوسیالیستی ، بالا بردن سطح معلومات و فرهنگ ، تودهای مردم ، افزایش هر چه بیشتر آگاهی سیاسی و کمال و پختگی ایدئولوژیک آنها ، شکل گرفتن جهانی بینی علمی و مارکسیستی - لنینیستی زحمتکش ، تحکیم همکاری همه جانبه با کشورهای سوسیالیستی برادر ، تشدید و تقویت نقش رهبری کنند ، حزب کمونیست در تمام عرصه های زندگی اجتماعی بمنزله شرط لازم برای پیروزی سوسیالیسم و کمونیسم .

ساختمان سوسیالیسم در اتحاد شوروی در اواخر سالهای ۳۰ بطور عمده پایان یافت . در کشوری که از لحاظ اقتصادی عقب مانده بود و توده های انبوه زحمتکش آن محروم از حقوق انسانی بودند و در فقر و فاقه بسر میبردند یعنی در روسیه تزاری ، طی بیست سال در نتیجه سعی و کوشش کارگران و دهقانانسی که اندیشه های مارکسیسم - لنینیسم را تحقق می بخشیدند ، سوسیالیسم کاملاً پیروز شد . ایجاد زیربنای مادی و تکنیکی سوسیالیسم ، موفقیت های صنعتی کردن سوسیالیستی ، با خورساندن تعاونی کردن اقتصاد دهقانی ، برقراری دوستی میان خلقها بمقیاس تمام کشور ، تحقق انقلاب فرهنگی و الفبا ، مناسبات تولیدی سرمایه داری و برقراری کامل مناسبات تولیدی سوسیالیستی اجزاء متشکله این پیروزی بود .

موفقیت های بزرگ اقتصاد سوسیالیستی که طی ۶۰ سال موجودیت کشور شوروی بدست آمده ، بر همگان روشن است . فقط میتوان یاد آورد که در دوران پس از جنگ (در مقایسه با سال ۱۹۴۷) درآمد ملی اتحاد جماهیر شوروی بیش از سیزده بار افزایش یافته ، بازدهی کار در صنایع از هفت برابر هم بالاتر

رفته و گردش خرد و کالای بازرگانی دولتی و تعاضی از پانزده برابر هم افزون تر گردیده است و تمام اینها نشاننده افزایش سریع بیهوده و بی‌هدف و بی‌مورد مردم از لحاظ مادی است.

این واقعیت نیز جایب توجه است کموفیت‌های خیلی بزرگ در پیشرفت اقتصاد کشور ما در دهه اخیر یعنی درست در شرایط سوسیالیسم پیشرفته بدست آمده است. در ضمن در اینجا صحبت بر سر شاخص‌های چشمگیر کمی رشد اقتصادی و پیدایش و وسع اقتصاد مانیست و اینجا سخن از تغییرات کیفی اصولی است که در آن پدید آمده که امکان داده اند تمام حلقه‌های تولید اجتماعی و تقسیم و تبادل را در یک مجتمع واحد اقتصاد ملی بهم پیوند داده و وسط و تکامل آنها بر پایه تفلیق و ستاردهای انقلاب علمی و فنی و برتریهای سوسیالیسم تا مین نمایم.

آن رشته‌های در کشورها سریع‌ترین آهنگ هارشد میکنند که مشخص کنند متریقی علمی و فنی در مجموعه اقتصاد ملی است. این رشته‌های صنایع بقرارزیراست: ماشین‌سازی، آلات و ابزارود ستکا سازی، تولید وسائل مورد نیاز ماشین‌های خودکار و رشته‌های الکترونیک، گاز، شیمی، پتروشیمی و میکرو بیولوژی. نو سازی کیفی پتانسیل تکنیکی اقتصاد کشور را پیمای استواران برای تحقق مشی‌ای که در بیستی پنجمین آنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی برای افزایش سریع ثمر بخشی مجموعه تولیدات اجتماعی بخصوص پ رسیدن فراهم آورد.

عالیترین هدف اقتصاد سوسیالیستی برآورد و ساختن هر چکامالترین نیازمندیهای روز افزون مادی و معنوی مردم است. افزایش مواد مصرفی و مورد لزوم مردم هم بوسیله بالا بردن مستمر تولید کالاها بصرفی و هم بوسیله افزایش مداوم درآمد مردم شوروی از طریق اضافه کردن منظم حقوق و دستمزد و بنیادهای اجتماعی مصرف و کاهش مالیاتها تا مین میشود. طی برنامه پنجساله نهم (سالهای ۱۹۷۱-۱۹۷۵) افزایش حقوق و دستمزد، کاهش مالیاتها و افزایش حقوق بازنشستگی، مستمری، کمک هزینه تحصیلی و کمک‌های مادی دیگر از بنیاد های اجتماعی درآمد ۱۱۵ میلیون نفر را بالا برد (باید در نظر گرفت که مجموع سکنه کشور ۲۵۹ میلیون نفر است). طی برنامه دهم پنجساله هم به حقوق و دستمزد معاشی و یک میلیون نفر از کارگران و کارمندان افزوده میشود.

افزایش درآمد نقدی مردم شوروی در زمینه حفظ سطح ثابت قیمت‌های دولتی خرد و فروشی مواد خوراکی و وسایل مصرفی اساسی تحقق مییابد.

موفقیت‌های یاد شده در ساختمان اقتصاد کشور و بالا بردن سطح رفاه و آسایش مردم نتیجه کوشش‌های تهرمانانه خودتودهای مردم برهبری حزب کمونیست است. سوسیالیسم بوجود آورنده نیروی نظامی سازنده مردم و پیشروی موفقیت آمیزشان بجلواناست.

تابعکارگرداری ایجاد پیمای - تکنیکی کمونیسم و پیشرفت جامعه شوروی سببی قاطع و تعیینین کننده دارد. مواضع سیاسی و مهم آن در اقتصاد سوسیالیستی و انقلابیگری آن، شکل و جمع گزائی آن و انضباط و آگاهی سیاسی آن و شرکت فعال در اداره امور کشور و امور اجتماعی تعیین کننده موقعیت برتر آن در تمام مراحل ساختمان سوسیالیستی و کمونیستی است.

علاوه بر این پیشرفت هر چه بیشتر ساختار اجتماعی جامعه شوروی درجهبندی نزدیکی و رچسه بیشتر طبقات و گروه‌های اجتماعی و تحکیم رچسه بیشتر وحدت آن نیز بر پایه رشد مداوم اقتصاد تحقق

می پذیرد. پیشرفت همگونی اجتماعی جامعه ما را خصوصیات شیوه زندگی مردم شوروی معین میکند زیرا مردم شوروی تمام جنبه‌های خوب و مثبتی را که ترقی جامعه بشری بهمراه دارد کسب کرده اند. این خصوصیات عبارتند از کار آزاد و خلاق بسود جامعه و وحدت اجتماعی - سیاسی و ایدئولوژیک مردم و روحیه جمع گزائی واقعی و رفاقت پاکیزگی اخلاقی و دوستی استوار تمام ملت‌ها و خلقهای کشور.

انترناسیونالیسم به یکی از موازین راه روش و اعتقاد عمیق مردم شوروی مبدل شده است. *
 یکی از ویژگیهای مهم جامعه و دولت سوسیالیستی این است که به تناسب پیشرفت آبهاد موزکراسی
 م بتدریج بسط یافته و عمیق تر میگردد. * نخستین کشور سوسیالیستی جهان با تابق کامل با آموزش
 مارکسیسم - لنینیسم پدید آمد. و بمنزله دولت دیکتاتوری پرولتاریا، حاکمیت سیاسی طبقه کارگر
 در اتحادیاد هفانان و دیگر زحمتکشان یعنی در اتحاد با اکثریت مطلق مردم بسط و تکمیل یافت. *
 دیکتاتوری طبقه کارگر که با انقلاب اکثریت در کشور ما برقرار گردید، گسترده ترین دموکراسی برای مردم زحمتکش
 و اکثریت اهالی بود که نظیرش تا آن زمان دیده نشده بود. * دموکراسی سوسیالیستی بهاد موزکراسی
 پرور و ارض از بیخ و بن باین جهت متمایز است که اصولی را که اعلام کرده واقعا عملی میشود. * انقلاب و سوسیالیسم
 به مردم شوروی حق کار و تامین دردوران بازنشستگی، حق استفاده از مرخصی با حقوق و کمک
 بهداشتی رایگان، حق مسکن و تحصیل و آگد ارکرد، انقلاب میان تمام ملت ها و خلق ها مساوات برقرار
 کرد و در تمام حقوق اجتماعی زنان را بر مردان برابر ساخت. * انقلاب آزادی بیان، مطبوعات و
 اجتماعات و تظاهرات را برای زحمتکشان یعنی کسانی که در گذشته از این حقوق محروم بودند، تامین
 کرد. * دموکراسی سوسیالیستی و آزادی و دموکراسی و آزادی است که بدست مردم و برای مردم بوجود
 آورده شده است. *

لنین با تعریف و توصیف دیکتاتوری پرولتاریا بمنزله شکل ویژه اتحاد طبقاتی میان پرولتاریای پیشرو
 زحمتکشان و قشرهای پیشمار غیر پرولتر زحمتکشان تاکید میکرد که این اتحاد و این نوع دولت بمنظور
 " ایجاد و استواری نهایی سوسیالیسم " (۱) برقرار میگردد. * یعنی فقط برای دوران تاریخی معینی
 که در واقع همان دوران گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم است. * حقیقتا هم تجربه کشور شوراهاتایید
 کرد که پس از الغای طبقات استثمارگر و پیروزی سوسیالیسم، در شرایط بسط و تکامل هگونی اجتماعی
 و وحدت معنوی و سیاسی جامعه و دیکتاتوری طبقه کارگر وظیفه رسالت خود را بپایان میرساند و ضرورت وجودی
 خود را از دست میدهد. *

فراروی دولت دیکتاتوری پرولتاریا به دولت تمام خلقی بدین معنی است که در جریان ساختمان
 کمونیستی پیوستن تمام قشرهای اهالی بمواضع ایدئولوژیک و سیاسی طبقه کارگر بپایان رسیده و توسعه
 پایه اجتماعی دولت شوروی که اینک بیانگر اراده و منافع کارگران و دهقانان، روشنفکران و تمام ملت ها
 و خلق های کشور ما است، جامعه عمل پوشیده است. * در شرایط موجودیت دولت تمام خلقی دایره حقوق
 و آزادیهای اجتماعی - اقتصادی سیاسی و شخصی اتباع اتحاد جماهیر شوروی نه فقط توسعه یافته، *
 بلکه تامین این حقوق از طرف دولت هم کامل تر و قاطع تر گردیده و شرایط لازم برای تحکیم هر چه بیشتر
 قانونیت سوسیالیستی و مراعات موازین قوه قضایی فراهم آمده است. *

دست آورد های اقتصادی و سیاسی و معنوی سوسیالیسم تعیین کننده مهمترین خصائص دوران
 معاصر یعنی در رانی است که با اکثریت بزرگ آواز گردیده است. *

۲

تحالیم مارکسیسم - لنینیسم درباره رسالت تاریخی و جهانی پرولتاریا بدست آورد های انقلابی
 و فعالیت ایجاد گرانه طبقه کارگر اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی که توانستند همه اقصای
 اجتماعی و گروه های زحمتکشان را در پیروسی ژرف ترین دگرگونیهای اجتماعی متحد و یکپارچه سازند، * تایید
 گردید. * تجربه اتحاد شوروی و دیگر کشورهای برادر همچنین این مطلب را تایید نمود که طبقه کارگر فقط در

صورتی میتواند نقش خود را بشا به نیروی عید و در برانداختن نظام استشاری و تحقق ساختن سوسیال-لیسم با موفقیت ایفاء کند که حزب انقلابی که به تئوری مارکسیسم - لنینیسم مجهز باشد و آگاه ترین بخش کارگران و دهقانان و روشنفکران را متحد سازد و بر پایه اصول مرکزیت دموکراتیک تشکیل شده باشد و آثار رهبری کند *

اعتدالی روزافزون نقش رهبری حزب کمونیست یکی از مهمترین قانونمند یهای رشد جامعه سوسیال-ایستی و ساختن کمونیسم است * حزب کمونیست اتحاد شوروی - حزب طبقه کارگراست که در شرایط سوسیالیسم رشد یافته به پیشاهنگ و حزب تمام مردم شوروی تبدیل شده است * اکنون صفوف این حزب شانزده میلیون عضو را که قریب هفت میلیون نفر آنها (۴۶ درصد) کارگرند و دوبرمیگرد * حزب کمونیست اتحاد شوروی بر اساس تحلیل مارکسیستی - لنینیستی دقیق پروسه های اقتصادی و اجتماعی - سیاسی وایدئولوژیک و کاربرد ماهرانه قوانین رشد اجتماعی، راه پیشرفت را در برابر کشور ما میگذشاید * نیروی عظیم سازندگی را در مردم بیدار میکند و پیشرفت هدفمند سراسر زندگی اجتماعی و محل موفقیت آمیز مسائل بفرنجی را که در جریان این پیشرفت پدید میآید تأمین میسازد * تنها زهره‌ی حزب که از عالی ترین وجهه و اعتماد کامل مردم برخوردار باشد میتواند به افزایش فراوان و شریختن نیروهای یادشده منفعی همسه جامعه بینخورد ساختن کمونیسم و بهبود مداوم شرایط مادی و فرهنگی زندگی مردم دست یافت *

در جریان بحث و بررسی طرح قانون اساسی شوروی مردم اهمیت اصولی گنجاندن ماده ویژه ای در باران بخش حزب کمونیست اتحاد شوروی در زندگی جامعه شوروی در آن را بخصوص تصریح کردند * طبق همین نظریات اکنون در قانون اساسی اتحاد شوروی مقام حزب کمونیست در سیستم سیاسی کشور را بطور کامل تعیین شده و نقش رهبر کنکند و هدایت کنند و آن بطور جامع تعریف و توصیف شده و و محتوای فعالیت آن مشخص گردیده است *

در قانون اساسی گفته شده است : " حزب کمونیست که بجا آموزش مارکسیسم - لنینیسم مجهز است و در نمای اصلی پیشرفت جامعه و خط مشی سیاست داخلی و خارجی اتحاد شوروی را تعیین میکند و فعالیتهای ایجاد گرانه عظیم مردم شوروی را رهبری مینماید و مبارزه آن در راه پیروزی کمونیسم خصلتی بیستس بر موازین علمی و برنامه مشخصی بخشد " *

یکی از ویژگیهای فعالیت حزب کمونیست در امر رهبری در شرایط معاصر عبارتست از تشدید بیشتر تأثیر و نفوذ زندگی درونی حزب در سراسر جامعه است *

حزب همچنانکه برنامه آن ایجاد میکند برای همه سازمانهای دولتی و اجتماعی که فعالیت آنها را مانند رهبری کند همآهنگ و هدایت میکند و در تدوین و کاربرد کاملترین و موثرترین اشکال و شیوههای کار با نهادهای میرساند و نمود سوسرمشق است * حزب نسبت به بالابردن سطح فعالیت های مکتبکرانه سازمانهای اجتماعی و دولتی همواره اهتمام میورزد و در تثبیت شیوه های لنینی در کار آنها که برخوردار علمی نسبت به همه مسائل و حل خلاق آنها را امید طلبد و کوشش میورزد *

حزب کمونیست در زندگی درونی خود بطور جدی مراقب رعایت اکید موازین لنینی است و اشکال و شیوه های فعالیت سازماندهی و سیاسی خود را بطور استگنا پذیر تنظیم میکند * حزب کمونیست نسبت به رعایت رهبری جمعی و تحقق پیگیر و بلا انحراف اصل مرکزیت دموکراتیک و اهتمام همرا اقیبت داعی دارد و طلب میکند که گسترش و تعمیق دموکراسی درونی حزب همواره با استحکام انضباط حزبی و بالابردن حس مسئولیت همه کمونیستها در برابر کار یکسبب آنها را جوج شده همراه باشد *

حزب کمونیست اتحاد شوروی نسبت به بهبود منظم ترکیب کیفی و استحکام ایدئولوژیک و سازمانی صفوف خود انتخاب و بکارگماردن و تربیت کادرها برای رشته های گوناگون و تحمیم انتقاد و انتقاد از خود و تکمیل ساختار سازمانهای حزبی و سازمانهای ابتدائی حزب و بسط و استحکام پیوند با توده ها و توجیه فرآوانی و بندول میدارد *

رشد و تکامل زندگی درونی حزب و بهبود رهبری سازمانی و سیاسی واید ثولولویا، و اعتدالی سطح کارائی همه حلقه‌های آن در این سمت ۱۵ عید مجریان میباید. موازین و اصول زندگی درونی حزب، برای این سال همه جانبی تکامل میباید و این امر بیشتر مناسبات اجتماعی سوسیالیستی و کلیه سیاستم سازمان سیاسی جامعه ما و یاری میرساند. حزب کمونیست اتحاد شوروی وظایف خود را در آن میبیند که آموزش لنینی در باره حزب انقلابی، طبقه کارگر را بدون انحراف، تحقیق کند و اصول لنینی را در میان حزبی روسی را که از پخته آزمایش زمان بیرون آمده و تکامل یافته و واز آنها دفاع نماید.

مارکسیسم — لنینیسم میآموزد که رهبر سوسیالیستی نظریه‌ساز اجتماعی زندگی و با وجود قدرت محرکه سوسیالیسم پیشرفته و خود انسان هم که عامل این تغییر و تحول است و تغییر میکند و از لحاظ اخلاقیات و معنویات رشد میباید. این امر از روی نمونه‌های واقعیت زندگی امروز ما و روسی ملاحظه میشد و کار آید ثولولویا، و تربیتی همه جانبه حزب در رشد معنوی انسان نقش بزرگی دارد. حزب کمونیست اتحاد شوروی مردم را با احسان برادری انترناسیونالیستی و مبین پرستی سوسیالیستی تربیت میکند و یکو شد تا آن سال از میراث نفی فرهنگی بشویتی برخورد ارشوند و فعالیت سازند آنها در راه منافع همه جامعه افزایش یابد. جامعه شوروی دارای ذخایر معنوی و اخلاقی بسیار غنی است. حزب میکوشد از این ذخایر منافع بیروزی کامل کمونیسم استفاده کند. فعالیت تئوری، حزب کمونیست اتحاد شوروی و تکامل و پیشرفت خلق تئوری مارکسیسم — لنینیسم در شک رفتن جهان بینی کمونیستی مردم شوروی و استحکام بیانی وحدت آید ثولولویا، و سیاسی جامعه سوسیالیستی نقطه‌های ایفا میکند. تئوری انقلابی برای حزب کمونیست چنانکه لنین میآموزد: "قبل از هر چیز پیش از هر چیز هنرمند میرای عمل است" (۱). توجه دائمی و جدی ترین بر آورد هانسیت به تئوری از سرشت حزب لنینی بمنزله حزب انقلابی و نواور حزبی که همیشه به پیش میرود و از راهیست، جامعه سوسیالیستی که کمونیسم رشد میباید و راه تکامل خود با مسائل بسیاری روبرو میشود که باید بطور علمی روشن گردیده و حل شوند و نیز از خصلت و وظائفی که در برابر حزب و مردم که تنها با پیروی از تئوری مارکسیسم — لنینیسم میتوان آنها را انجام داد و ناشی میگردد.

وفاداری نسبت به آموزش مارکسیسم — لنینیسم انقلابی شرط مسلم ایفای موفقیت آمیز نقش رهبری کننده و هدایت کننده حزب کمونیست اتحاد شوروی در جامعه شوروی است. حزب کمونیست اتحاد شوروی تئوری انقلابی را که در آثار ادیان مارکس و انگلس و لنین و در بسیاری از اسناد حزب ما و جنبش کمونیستی جهانی تبلور یافته گرامی میدارد.

حزب با نسبت به تئوری مشابه مجموعه ای از احکام جامد و بی روح که یکبار برای همیشه و همه موارد در زندگی تدوین شده باشند برخوردار نمیکند، بلکه برخوردار از خلق و همانند برخوردار به امروزه و ای است که سه موارده در تخییر است.

حزب کمونیست اتحاد شوروی — حزب کمونیسم علمی و حزب مارکسیسم خلق است. حزب ما تمام فعالیت خلق و سازنده انقلابی خود را بر پایه دانش و تئوری پیشرو استوار میکند. توجه و اهتمام مستمر حزب با نسبت به تربیت آید ثولولویا، و سیاسی زحمتکشان، ترویج و تبلیغ وسیع مارکسیسم — لنینیسم رشد و تکامل همه جانبه و غنای بیشتر تئوری با نتیجه گیریهای جدید که پاسخگوی شرایط و اوضاع تغییر پذیرند برپا شد و تجارب نوی که خود حزب ما و جنبش کمونیستی و کارگری بین المللی و همفکرانهای انقلابی معاصرند و داشته اند و نیز از همینجا ناشی میگردد.

مهمترین ویژگی دوران مابعد است که سراسر پیشرفت جهان تحت تاثیر قاطع سوسیالیسم موجود جریان دارد. این تاثیر مبتنی بر واقعیاتی بشروح زیر است:

— موفقیت های ساختمان سوسیالیستی و کمونیستی و ترقیات اجتماعی همه جانبه کشورهای سوسیالیستی برادر.

— بهم پیوستگی روزافزون دول سوسیالیستی و همکاری نزدیک احزاب رهبری کننده آنها و تعمیق هم پیوندی اقتصاد و سیاست خارجی هماهنگ کشورهای جامعه سوسیالیستی.

— ارج و اعتبار جهانی روزافزون کشورهای سوسیالیستی و افزایش چشمگیر نقش آنها در سیاست و اقتصاد جهانی.

تاثیر مشترک این عوامل بد و صورت در اوضاع جهان انعکاس می یابد:

نخست آنکه دستاورد های تاریخی بزرگ سوسیالیسمی که به پیروزی رسید موجود و محسوس است و علاوه بر این شرایط داخلی و خارجی هر چه مساعد تری هم برای رشد و تکامل هر چه بیشتر آنها وجود دارد. در همین حال شرایط مساعد روزافزون برای گسترش موفقیت آمیز مبارزه طبقاتی زحمتکشان در جهان سرمایه برای پیروزیهای جدید جنبش موکراتیک و جنبشهای رهاش بخش ملی و برای تحولات اجتماعی قاطع هم در پایگاههای سرمایه داری وهم در منطقه وسیعی از جهان کفرمانی پشت جبهه استعمار و ذخیره امپریالیسم را تشکیل میداد و امروزه عرصه مهترقیات اجتماعی تبدیل گشته نیز موجود است.

دوم برای ایجاد تغییرات بنیادی در سراسر سیستم مناسبات بین المللی بر پایه اصول همزیستی مسالمت آمیز کشورهای دارا عدلها میای جماعی متفاوت و برای آنکه همکاری تمام کشورها و خلقها بر اساس برابری حقوق و نافع متقابل تامین شود و همسرا از همه برای آنکه بشریت برای همیشه از خطر جنگ جهانی نجات یابد شرایط مقد مانی عینی بد پد آمده است.

تغییراتی که در هر دو این جهات صورت میگردد با هم پیوند ناگسستنی دارند. آنها نمود اریک پروسه کلی یعنی پروسه بازسازی انقلابی جهان اند که پیشرفت اجتماعی راهم بمقیاس ملی وهم بمقیاس بین المللی در بر میگردد.

چرخش سمت صلح و کاهش تشنج به توسعه و تکامل تمام مناسبات بین المللی کیفیت تازه ای بخشد خود جریان زندگی صحت استنتاجی را که حزب ما و اندیشه جمعی بین المللی کمونیست ها در این مورد به عمل آورده اند که جنگ جهانی در شرایط معاصر ناگزیر و مقد نیست تأیید میکند.

کمونیست ها و هم مردم شوروی به سهمی که میهن اکثر در امر کاهش و خامت اوضاع بین المللی ایفاء کرد بویافء میکند، بحق فخر و مباهات میکنند. از فرمان لنینی درباره صلح تا برنامه صلح مصوب بیست و چهارمین کنگره که در کنگره بیست و پنجم توسعه یافت و تکمیل شد خط مشی پیگیر و بدون انقطاع وجود دارد. اکنون اصول بنیادی سیاست خارجی صلح و ستانه شوروی در قانون اساسی اتحاد شوروی ثبت شده است.

ل. ای. برژنف و دیگر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست، صدر رهبریت رئیس شورای عالی اتحاد شوروی در تهیه و تدوین و تحقق خط مشی سیاست خارجی دولت شوروی نقش برجسته ای دارد. هدف ما از این خط مشی آنستکه تشنج زدائی به پروسه ای پایدار و بازگشت ناپذیر که همه چیز را در برگیرد و در همه جا صادق باشد، مبدل گردد.

شاهراه اصلی بسوی این هدف عبارت از آنستکه در مقطع مسابقه تسلیحاتی و آغاز به اقدامات عملی در زمینه خلع سلاح توفیق حاصل شود. امروز بشریت مسئله ای حادث و مهم تر از این مسئله ندارد.

نمی‌توان نادیده گرفت که کشتی و خامت زدائی در دریای م تلاطمی سپر میکند . در جهان سرمایه داری محافل متعددی هستند که اگر تناسب کنونی نیروها در جهان ، سیاست فعال کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی و دیگر دول صلحد وست و فشار افکار عمومی جهان مانع آنها نمیشد ، هم اکنون این کشتی را به قمر دربار روانه میکردند . در برخی ارتقا طجهان کانونهای که خطر انفجار دارند باقی است همچنان وجود دارد . محافل ارتجاعی و میلیتاریستی ارتلاش برای کشاندن جهان به دوران " جنگ سرد " دست بردار نیستند . تشدید فعالیت " قرقی های " پیمان آتلانتیک شمالی که در تلاش افزایش هزینهها مخطای کشورهای غنا تو هستند ، افزایش مداوم بودجه نظامی ایالات متحد ، امریکا ، تشدید عملی و آشکار فعالیت برای تهیه انواع جدید سلاح از انجمله سلاح هلاکتیار کامل و دوقتی مانند بمب نوترون - همه اینها خطر جدی را آغاز در جدد مسایقتسلحاتی را در بردارد . بهین جهت نیروهای صلحد وست محقانه مهمترین وظیفه خود را در آن می بینند که در آیند هم علیه خطر جنگ با جدیت مبارزه کنند .

اتحاد شوروی بر مساعی خود برای تحقق بخشیدن به برنامه مبارزه در راه صلح و همکاری بین المللی و در راه آزادی و استقلال خلقها مصوب بیست و پنجمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی میافزاید . ما تمام هم خود را برای عملی ساختن کامل توافقیهای هلسینکی ، و برای انجام موفقیت آمیز جلسه ملاقات بلگراد بکار خواهیم برد . خلقهای جهان در آیند نیز میتوانند به اتحاد شوروی بشا به تکیه گاه امر صلح و امنیت در سراسر جهان اعتماد و اطمینان داشته باشند .

در تاریخ بارها اتفاق افتاد ، است که نمایندگان نظام اجتماعی که روزوال میروند ضمن کوشش برا غنمدید موجودیت آن به لباس هواداران ترقی و آزاد خواهی درآمد ، اند ، چیزی مشابه این هم در دوران ما جریان دارد . ارتجاع جهانی که از موفقیتهای امر صلح نگران شده و در برابر توسعه نفوذ اندیشههای سوسیالیسم در شرایط و خامت زدائی به وحشت افتاد ، ، خرابکاری ایدئولوژیک و کارزار تبلیغاتی افترا آمیز علیه سوسیالیسم جهانی را تشدید میکند . در این تبلیغات دامنه دار ، سوء استفاده و سالوسانه از حقوق و آزادیهای بشری بقام اول قرار دارد .

مدافعان نظام اجتماعی که بر بنیاد استثماریرحمانه زحمتکشان و محرومیت و حقوقی میلیونها تن از افراد بشر بنا شده ، با سیستم اجتماعی که مسئول بحرانها ، تشدید مستمر گرانگی ، بیکاری و مسئول جنگهای غارتگرانه و دهها میلیون نفر کشته و معلول و تمام دهشتهای استثمار ، نژاد پرستی و فاشیسم است ، تلاش دارند خود راهوادار آزادی قلمداد کنند . دعوت به آزادی بنا م این نظام به منای دفاع از سلطه امپریالیسم و ارتجاع ، دفاع از آزادی بهره کشی انسان از انسان ، آزادی تبعیض و تنفر نژادی و اسارت محنتی زحمتکشان است . در سراسر جهان میان زحمتکشان ، میان دموکراتهای اصیل شماره مخالفان مومن این باصطلاح آزاد بیا و خورد آن نظام اجتماعی که این " آزادی ها " را بوجود میآورد و از آنها حمایت میکند ، افزود ، میشود .

انقلاب اکثریت این نوع " آزادی ها " در کشورهای پاپان داد و ما هرگز به احیا آنها را نخواهیم داد و بیخبروهای مخالف ایگان نمیدهمیم به اقدامات خرابکارانه علیه دستاوردهای زحمتکشان بپردازند . رفتارمان نسبت به یک مفت عناصر فرومایه " ناراضیان " هم که دستیاران امپریالیسم اند از همینجا ناشی میشود . خواستن آزادی عمل برای این عناصر در واقع امر خواستن آزادی برای اقدامات خرابکارانه امپریالیسم در داخل مرزها محکوم است .

حزب کمونیست اتحاد شوروی طرفدار توسعه تمامی همگانمیان خلقهاست و این تمامیها را عنصر جدائی ناپذیر سیاست و خامت زدائی میداند . ما طرفدار ایجاد وسیع اخبار و اطلاعات درست و

ارزشهای معنوی خلقها بود موهبتیم * اما مخالف آن هستیم که از این فعالیت که باید به بسط و تکامل همکاری بین المللی خدمت کند * به‌شایه وسیله‌ای برای هدایت گروهی از کشورهای درآموردن داخلی دیگران استفاده شود *

۴

وجه تمایز دوران ما * اعتدالی بیسابقه جنبش انقلابی جهانی است * رده های مختلف این جنبش در کشورهای در سطح پیشرفت متفاوت نیروهای مولد * رشد اجتماعی و اقتصادی * مختلف * ساختارهای سیاسی و سنن تاریخی گوناگون مبارزه میکنند * خصوصیات ملی و تاریخی بسیار زیاد و مختلف این کشورها در برابر حزب کمونیست مسئله انطباق خلق و مبتکرانه آموزش مارکسیسم - لنینیسم و تجزیه و تحلیل دقیق و مشخص و در نظر گرفتن تمام ویژگیهای اوضاع کشور را مطرح میکند و در راههای هدایت توده ها به سوسیالیسم و اشکال سازماندهی زحمتکشان * شیوه های مبارزه و برنامه‌های مشخص تحولات اجتماعی تفاوت‌هایی پدید می‌آورد * از جمله سخن بر سر استفاده از امکانات گذار مسالمت‌آمیزه سوسیالیسم است که در نتیجه پیروزی انقلاب کمپرو سوسیالیستی اکثریت * بوجود آمدن و ترقی شگرف سیستم جهانی سوسیالیسم * فروپاشی سیستم های استعماری * اعتدالی عمومی جنبش بین المللی کارگری و جنبش‌های بخش‌بلیسی و بحران همه‌جانبه سرمایه داری ب میزان قابل توجهی گسترش یافته است *

در عین حال زندگی نشان‌میدهد که اشکال گوناگون طرق مبارزه در راه سوسیالیسم و شیوه های انجام درگیریهای بنیادی سوسیالیستی * اصول مشترک تئوری و پراتیک مارکسیسم - لنینیسم و قانونمندی عام انقلاب سوسیالیستی و ساختمان سوسیالیسم را مبرم و قوی‌تر می‌کند * این قانونمندی پیمانه " اثبات و مقررات " انتزاعی * بلکه راهنمای عمل اندک که طبق مبانی علمی تدوین شده * در عمل مورد آزمایش قرار گرفته اند و بدیهی است که بطور خلاق باید بکاربرد * شوند * مسئله برخورد به این قانونمندیها در واقع امر مسئله برخورد به اعتبار جهانی آموزش مارکسیسم - لنینیسم و به تجارت - فراوان مبارزه طبقاتی و ساختمان سوسیالیسم است * تصادفی نیست که کمونیست‌ها که در شرایط بسیار متفاوت فعالیت میکنند * تاکید میکنند که آنها عمدتاً توجه به قانونمندیهای انقلاب سوسیالیستی و ایجاد نظام سوسیالیستی را جایز نمیدانند زیرا چنین اقدامی آنها را به سرگردانی بیهوده * در کوره راهها میکشاند *

یافتن طرق و اشکال مشخص مبارزه در راه دموکراسی و سوسیالیسم در شرایط ملی و تاریخی معین هرگز بداند معنی نیست که هر بار در هر کشور باید کار را از صفر یا از هیچ شروع کرد * مارکسیست - لنینیست ها بخوبی میدانند که شیوه خط بطلان کشیدن به درسهای تاریخ و کوشش برای آنکه بهر قیمت که شده * از " موضع مخالف " اشکال آزمون شده مبارزه کار را آغاز کردن نمیتواند راه مطمئنی برای تهیه و تدوین استراتژی و تاکتیک * سیاسی مستقل باشد * حزب کمونیست اتحاد شوروی "هوازه از بررسی دقیق و بکاربردن شریک‌های تجارب احزاب برادرش تبیینی کرده و میدهد * چنانکه امید انیم لنین ضمن بررسی تاریخ حزب بلشویک خاطر نشان کرده است که این تاریخ " با زلع خاص و بطور موفقیت آمیز " آخرین کلام " تجارب سیاسی امریکا و اروپا را فرا گرفته است " (۱) * حزب ما در حال حاضر هم با توجه فراوان تجارب احزاب برادر را بررسی میکند و آنها را در فعالیت خود در نظر میگیرد *

تاریخ گواهی میدهد که برخورد خلاق مارکسیستی - لنینیستی نسبت به تئوری و پراتیک * تغییر و تحولات اجتماعی یعنی برخوردی که با قبول سرکردگی طبقه کارگر در صورت شرکت آن در اداره دولت و رسیدن آن به حاکمیت سیاسی در اتحاد با دیگر قشرهای زحمتکشان ارتباط ناگسستی داشته باشد * برای نیروهای انقلابی موفقیت بی‌آورد * مارکس سوسیالیسم را در واقع بدین سبب توانست از پند ارگرافی

بمعلم میدل کند که آن نیروی اجتماعی را که قادر است ضرورت‌مینی تجدید ساختمان موسیالیستی جهان را تحقق بخشد کشف کرد. این نیروی طبقه‌کارگر بین المللی است. امتناع از قبول رسالت تاریخی این طبقه یعنی به قبح‌رأفتن از بار کمیسیم به پندارگرانی اجتماعی است.

سیاست اتحاد‌های وسیع اجتماعی و وحدت هم‌نیروهای چپ و دموکراتیک که احزاب برادر رکشور‌های سرمایه‌داری از آن پیروی میکنند در طرح مسئله تأمین نقش پیش‌تاز طبقه‌کارگر و حزب کمونیست آن عناصر تازه بسیاری وارد میکند. اما بطوریکه تجربنشان میدهد به پیچوجوه این مسئله را منتفی نمیکند، بلکه آنرا مهم‌تر و راهمیت‌تر میشاژد.

یکی از عهد‌ه‌ترین اصول جنبش انقلابی همیستگی انترناسیونالیستی مبارزان علیه ستم‌های اجتماعی و ملی است. موفقیت‌های برجسته نیروهای انقلابی در ورن‌معاصریدون همکاری و پشتیبانی متقابل بین المللی آنها غیر قابل تصور میبود. کنفرانس برلن احزاب کمونیست و کارگری اروپا اهمیت همیستگی انترناسیونالیستی را در ورن‌ما قویا تأکید کرد.

خصلت چند جانبه انترناسیونالیسم انقلابی معاصر، گسترش دامن‌نیروهای اجتماعی و سیاسی، و اقدامات مشترک بین المللی که برای حل مسائل بنیادی نوسازی جهان ضرور است، نمیتواند این واقعیت را از نظر هانپهان‌کند که ناقل و بیانگر عهد‌ه این انترناسیونالیسم همچنان طبقه‌کارگر و جنبش کمونیستی جهانی است. طبقه‌کارگر و جنبش جهانی کمونیستی بر حسب سوشت و ایدئولوژی خود بعنوان پیگورترین نیروی انترناسیونالیستی و معشوان مبداء متحد‌کننده در پروسه‌مکلی انقلابی معاصر عمل میکنند. انترناسیونالیسم و همیستگی و یکپارچگی و تشریک، مساعی آنها مقدم بر هر چیز بر پایه اشتراك منافع بنیادی طبقه‌کارگر بین المللی و اشتراك هدف و جهان بینی و وحدت دانش انقلابی مارکسیستی - لنینیستی میشتی است.

اکنون ارتباط متقابل دیالکتیکی ملن و انترناسیونالیستی در جنبش انقلابی انعطاف‌پذیرتر میگردد. اهمیت جهانی ملی در مجموعه پیشرفت جهانی و در فعالیت هر یک از احزاب برادر رسدون تردید بیشتر میشود. اما در عین حال نقش وحدت بین المللی هم‌نیروهای آزاد بیخش نیز اهمیت هر چه بیشتری کسب میکند. هیچگاه شرایط درونی مبارزه طبقاتی تا این حد با تناسب نیروها در عرصه جهانی، با وضوح مناسبات بین المللی و با موفقیت‌های سیاست خارجی موسیالیستی و با مبارزه جهانی در راه صلح و ترقیات اجتماعی پیوند نزدیک نداشته است.

ضرورت همیستگی و وحدت نیروهای انقلابی بین المللی را این واقعیت نیز ایجاب میکند که محافل ارتجایی و امپریالیستی اقدامات خود در مبارزه علیه موسیالیسم و دموکراسی و آزادی ملی را بطور مضطهم‌ها هنگ میکنند و زکار بردن زشت‌ترین وسائل برای صدور انقلاب هم مضایقتند ازند.

رفیق برژنف در کنفرانس برلن اظهار داشت: " در باره انترناسیونالیسم پرولتاری یعنی همیستگی طبقه‌کارگر و کمونیستهای هم‌کشورها در مبارزه در راه هدفهای مشترک و همیستگی آنها با مبارزه خلق‌ها در راه آزادی ملی و ترقیات اجتماعی و همکاری و اوطالیانه احزاب برادر ضمن رعایت اکید برابری حقوق و استقلال هر یک از آنها عقیده ما چنین است که اینگونه همیستگی رفیقانه ای که اکنون متجاوز از صد سال است کمونیست‌ها را جمع‌آر آن هستند، در ورن‌مانیز تمام اهمیت فر او ان خود را کاملاً حفظ میکند.

این همیستگی سلاح نیرومند و آمون شده و احزاب کمونیست و بطور کلی جنبش کارگری بود و هست (۱) چنانکه دیدیم رفیق برژنف در کنفرانس برلن نظر حزب مارانیز در باره ضرورت مقابله وسیع

۱ - کنفرانس احزاب کمونیست و کارگری اروپا و برلن ۳۰-۲۹ ژوئن ۱۹۷۶ "مسکو داداره انتشارات سیاسی ۱۹۷۷" صفحه ۸۳.

نظریات و تجارب احزاب برادره، بمنظور آنکه نظریات مطرح شده از جانب آنها طی مباحثه رفیقانه مورد بررسی قرار گیرد و بیان داشت که ما با آن رفقای از اعضای بسیاری از احزاب کمونیست و کارگری کاملاً موافق هستیم که طرفدار شیوه های برادرانه و محترمانه مباحثات هستند و معتقدند که این مباحثات باید به استحکام مواضع مشترک ما و منافع تئوریک و پراتیک همه جنبش کمونیستی مساعدت کند.

کمونیست های شوروی و تمامی مردم شوروی فعالیت های تبلیغاتی ایدئولوژیک و سیاسی را که بطور وسیعی از جانب احزاب برادر رمناسبت شصتین سال انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثر سا زمان داده شده باخشنودی و سپاسگزاری ارج مینهند که ما در این فعالیت یار دیگر تجلی درخشان همبستگی سنتی برادران طبقاتی خود را با مبارز مردم شوروی در راه سوسیالیسم و کمونیسم و مخاطر صلح و ترقیات اجتماعی در سراسر جهان می بینیم.

حزب کمونیست اتحاد شوروی بنویس خود بر این عقیده بود و هست که آنچه در مناسبات میان احزاب کمونیست عهد موعین کنند است و دوستی و همکاری و مبارزه مشترک در راه هدفها و منافع مشترک است. حزب ما فعالیت خود را در جنبش بین المللی کمونیستی همواره بر این اساس بنیانگذاری کرده و میکند.

پیروزی انقلاب اکبر و انقلاب های سوسیالیستی در دیگر کشورها و تشکیل سیستم جهانی سوسیالیسم و ساختمان جامعه سوسیالیستی رشد یافته در اتحاد شوروی و ساختمان موفقیت آمیز آن در کشور های جامعه کشورهای سوسیالیستی و استحکام مواضع بین المللی سوسیالیسم و تغییر تا صاب نیروها در جهان بفتح آن - همه اینها استنتاجات تئوری مارکسیستی - لنینیستی درباره ضرورت قانونمندانه تعویض اجتناب ناپذیر سرمایه داری بانظام جدید راتایید میکنند که تشدید فوق العاده همه تضادهای سرمایه داری معاصر و بحران عمومی سیستم اقتصادی و سیاسی و ایدئولوژیک آن که همچنان غیر قابل حل است و به زرفا دیگر ایدئولوژی بحران که یگانه راه خروج از آن سوسیالیسم است و نیز گواه این امر است در دورانی کبیر اکبر کبیر آغاز گردید اندیشه های مارکس و انگلس و لنین از چهار چوب تئوری بد آمدند. این اندیشه ها بکار پراتیک صدها میلیون انسان تبدیل شده اند. این اندیشه ها رهنمود فعالیت بسیار متنوع حزب ما و همچنین احزاب دیگر اند که خانواده واحد جهانی کمونیست ها را تشکیل میدهند و از تفرق اجتماعی بشریت را در شرایط سده بیستم - سده سوزازی انقلابی جهان میگشایند.

علیه ایدئولوژی تابع ساختن طبقه کارگر به

سیستم سرمایه داری

خبرنگار مجله " مسائل صلح و سوسیالیسم " در گفت و شنودی با برخی از اعضا رهبری و شخصیت های برجسته احزاب کمونیست و کارگری پرسش های رامطرح کرد و نظر آنان را درباره آن سئوالات جویا شد. پرسش ها بشرح زیر است :

مضمون فعلی سیاست و جهان بینی که در ماهیت امریمنی تابع ساختن طبقه کارگر به سیستم سرمایه داری در کشور شما است ؟ چیست و نمونه های برجسته نظریات و عقاید و شعارهای آنها کد است ؟ میزان واقعی نفوذ و تاثیر آنها در کشور شما تا چه اندازه ایست ؟ حزب شما برای مبارزه با این سیاست و جهان بینی چه تدابیری اتخاذ کرد بوجه اقداماتی میکند ؟ در این شماره مجله " مسائل بین المللی " ما پاسخ های ایرج اسکندری دبیر اول حزب توده ایران و جیمس اووست عضو بروی سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست ایالات متحد آمریکا و ژیلبرتووی پیراد پیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست کلمبیا وید روما پتا عضو کمیسیون سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست پرورا از نظر خوانندگان میگردانیم .

ایرج اسکندری

دبیر اول کمیته مرکزی حزب
توده ایران

مقدم بر هر چیز باید یاد آور شوم که سیستم سرمایه داری اساسا بر پایه تابع ساختن طبقه کارگر به نظام استثمار سرمایه داری استوار است . بنابراین این تمحیت بخودی خود نمیتواند ایدئولوژی باشد ، بلکه بنیاد آن است که نظام ایدئولوژی بورژوازی روی آن پی ریزی میشود . در ایران هم مثل همه کشورهای سرمایه داری تمحیت طبقه کارگر از سیستم سرمایه داری با استثمار این طبقه بسود سرمایه داران داخلی و خارجی مشخص میشود .

در باره نمونه های برجسته نظریات و عقاید و شعارهای گاهه فزآنها گمراه ساختن جنبش کارگری در کشور ما است ، باید بگویم که فرق اساسی با آنهاست که در سایر کشورهای سرمایه دارین شاعه داده می شود ندارند . تفاوت آنها در ساد و لوحانه بودن شعارها و استدلالهاست .

نفس و انکار مبارزه طبقاتی در جامعه ایران برای اثبات این حکم است که گویا " انقلاب شاه و مردم " به استثمار انسان از انسان پایان داده و زحمتکشان ایران از این به بعد باید در ردیف سرمایه داران نقش خود را در پیشرفت اقتصاد ملی و در راه رفاه و آسایش همگانی و ترقی اجتماعی ایفاء نمایند . میگویند این نظریه در دست رواج دادند که گویا وحدت ملی مبارزه طبقاتی را از بین میبرد و بعکس همکاری نزدیک میان کارگران و کارفرمایان بمنظور بهبود کارموسسات و پیشرفت تولید را که درست در نقطه مقابل آن قرار دارد ایجاب میکند .

رژیم از یکطرف شدیدترین تضيیقات ضد کارگری را اعمال میکند (از قبیل حضور اجباری ماسوران سازمانیت در کارخانه ها و پیگرد و اخراج کارگران و بازداشت های غیرقانونی و ضرب و جرح کارگران انتصابی و غیره) و از طرف دیگر بطور سیستماتیک هم بد هب اسلام را در مقابل اندیشه های مارکسیسم و کمونیسم میان کارگران تبلیغ مینماید . راد پو و مطبوعات و تلویزیون هر روز اخبار نادرستی درباره اوضاع کشور های سوسیالیستی پخش میکنند و روحانیونی که در خدمت دولت اند علیه " ماتریالیسم و کمونیسم آتئیستی " سخنرانی کرده و زحمتکشان را به اطاعت و رضاد مقابل " سرنوشته که خداوند در این جهان برایشان مقدر ساخته و دل بستن به سعادت و آسایش دنیا دیگر " فرامیخوانند .

رژیم ضد دموکراتیک شاه ، از سوی دیگر ، برای گمراه ساختن طبقه کارگر و واکنش در مقابل مقاصد و نیات انقلابی آن از زرادخانه سرمایه داری برخی اشکال رفورمیستی سهیم کردن کارگران در سود کارخانه ها را بعاریت گرفته است . طبق اصول " انقلاب شاه و مردم " کارگران هر یک از موسسات به نسبت کمیت و کیفیت کار اضافی که انجام میدهند حق دارند سالانه سه پانچویز از درآمد موسسه دریافت کنند . علاوه بر این بموجب فرمان شاه بخش معینی از سهام برخی از موسسات صنعتی باید بکارگران فروخته شود و کارگران میتوانند مبلغ لازم برای خرید سهام را از بانکهای کشور وام بگیرند ولی در عوض باید سهام خرید شده را تا پایان پرداخت وام در بانک گروینگ آرند . دستگاههای تبلیغاتی کشور با استناد به سهیم شدن کذایی کارگران در سود کارخانه ها و مالکیت جمعی واهی کل سهام وسیله کارگران از " الخای " سرمایه داری در نتیجه " توسعه مالکیت صنعتی " دم میزنند و محصولات خود علیه سوسیالیسم " بمنزله کالای وارداتی اخراج و غیرقابل قبول برای جامعه ایران " ادعا میبندند .

بنابراین گفته محافل رسمی سیستم اجتماعی - اقتصادی ایران معاصر گویا پدید ویژه ایست که از " سنن ملی هزار ساله " ناشی شده است . دستگاههای تبلیغاتی بطور مستور میکوشند " باثبات رسانند " که گویا مارکسیسم کهنه شده است و گویا سرمایه داری تخیر بر مایه است و پیشرفت آن پیش بینی های مارکس را رد میکند . بمنظور اشاعه رفورمیسم در میان طبقه کارگر از همه زرادخانه تبلیغات بورژوازی استفاده میشود .

برقراری رژیم ترور سیاسی خونین در ایران طبعاً مانع بررسی کامل افکار عمومی است و بنا بر این ارزیابی صحیح میزان تاثیر واقعی تبلیغات رفورمیستی در طبقه کارگر دشوار است . ولی همین واقعیت که رژیم مساعی فراوانی برای اشاعه نظریات رفورمیستی میان زحمتکشان بکار میبرد ، بما امکان میدهد در باره مقاومت طبقه کارگر در مقابل اینگونه تبلیغات قضاوت کنیم . سنن انقلابی در طبقه کارگر ایران هنوز نیرومند است . سطح نازل زندگی زحمتکشان ، گرانی فوق الحاده کالاهای ضروری و کمی دستمزدها و اخراج خود سرانه کارگران و محرومیت زحمتکشان از حقوق ابتدائی ایجاد اتحادیه های دولتی (در ایران سازمانها ی سندیکا یی دولتی وجود دارد) و بالاخره سرکوب خشن و پلیسی هرگونه اپراند رضائی و اعتصاب ، همه گمراه بر این واقعیتند که رفورمیسم در طبقه کارگر کشور مانفون زیادی ندارد . دهها اعتصاب بزرگ که طی سال گذشته بوقوع پیوسته این حقیقت را ثابت میکند . ولی به تائیری که این تبلیغات و تدابیر در طول زمان میتوانند روی زحمتکشان ایران داشته باشد نباید کم بهاداد . شود . اگر در نظر بگیریم که بخش اعظم ارتش و پلیس و کارگران مزد بگیر از اهالی روستاها هستند و بنا بر این هنوز منافع طبقاتی خود را کاسلاد رک نمیکند ، خطر این تبلیغات کاملاً آشکار میشود . رژیم در یکتائوری ایران موفق شد آریستوکراسی کارگری کم و بیش حرف شنو و مطیع که طرفدار سیاست رژیم است بوجود آورد . این قشر کوچک است و متحد و دی از لحاظ اخلاقی منفرد شده است و امام در صورتیکه از آن پشتیبانی بعمل آید قادر است تاثیر زیان بخشی روی زحمتکشان باقی گذارد .

حزب بود، ایران علیرغم فعالیت در شرایط غیرعادی و شدیدترین تضییق و فشارهایی که بر آن وارد می‌آید بطور پیگیر علیه نظریات رفورمیستی رژیم پهلوی می‌کند. فعلا این حزب با بیخ‌ترانداختن جان خود و بمنظور روشن کردن افکار زحمتکشان و وسیع آنان برای اقدامات مختلف بدفاع از منافع حیاتی‌شان، بکار در میان آنها ادامه می‌دهد. حزب ما با انتشار مقاله‌های مختلف در مطبوعات حزبی (روزنامه "مردم" و مجله "دنیا") و با ترجمه و طبع و انتشار آثار کلاسیک‌های مارکسیسم - لنینیسم و نشر جزوه‌های ویژه برای زحمتکشان ایران و در برنامه‌های رادیویی خود علیه مواضع رفورمیستی رژیم دیکتاتوری پهلوی و همچنین علیه نظریات چپ‌گرایانه‌ای که بنوبه خود طبقه کارگر ایران را گمراه می‌سازند و آنها را با عناصر شیم و ماجراجوی می‌کشاند و بشد تهباززه میکند.

چین اووست

عضو هیروی سیاسی کمیته مرکزی
حزب کمونیست ایالات متحده
امریکا

اندیشه‌های همکاری طبقاتی و با مشارکت طبقاتی در ردیف آنتی‌کمونیسم و نژاد پرستی از سؤالات عمده‌ایند که توسط حزب برای تابع ساختن طبقه کارگر به سیستم سرمایه داری است. این اندیشه‌ها در کشور ما وسیله سیاستمداران بورژوازی رفورمیست‌های مرتجع‌ی از قماش ج. موفی و عمال آنها در جنبش کارگری که وابسته به سرسبیان دموکرات‌های راست‌گرایند رواج داد می‌شود. از جمله "دلایل" طرفداران این قبیل اندیشه‌ها و دلایل زیر را میتوان بعنوان نمونه یاد آورد:

"گذشت وفد کاری برابری": هر فرد برای رهایی کشور از تنگناهای اقتصادی غیره باید برابری با دیگران گذشت وفد کاری کند. از این شعار برای جلوگیری از افزایش دستمزدها هم استفاده می‌شود (وقتی اینجمله بیکار در کشور وجود دارد و ما نباید افزایش بیش از اندازه دستمزدها را خواستار شویم). در باره این سؤال هم زیاد بحث و گفتگو می‌شود که مثلا "خطرواردات انزخارج ماراتهدید میکند" یا اینکه جلوگیری از افزایش دستمزدها میتواند "به قدرت رقابت در برابر نیروی کار ارزان در خارج یساری رساند و بدین ترتیب وارد کردن کالاها ی خارجی را بی‌صرف کند" و یا اینکه "افزایش قدرت رقابت نیازمند تشدید کارگاه‌های متحداد کارگران است تا بتوان از نیروی کار هر کارگروا متحداد کمتری کارگرمحصول بیشتری بدست آورد".

یک دلیل دیگر: "ما باید با با تورم روبرو باشیم و یا با بیکاری و هرگاه در شرایط وجود سیستم سرمایه داری آزاد رقابت آزاد بخواهد سطح تورم را کاهش دهد باید به قبول وجود بیکاری تن در دهید و اگر سعی شما در کاستن سطح بیکاری است تا وقت باید با تورم سازگارگردید". باحتی از این موضع هم نمیتوان روشن کرد که بچه سبب در ایالات متحده آمریکا، در آن واحد هم بیکاری انبوه زحمتکشان و هم تورم فوق العاده وجود دارد.

"سیستم ما سیستم درآمد و منفعت است". کار تولید بدون منفعت وجود ندارد. درآمد منطقی و عقلانی چیز خوبی است. بسیاری از کارگران و از جمله کارگرانی که در امر فریزه‌های طبقاتی اند این دلیل و منطق را با این شرط می‌پذیرند که درآمد‌ها باید حد و حد و "منطق و عقلانی" داشته باشند. این یکی از دلایل حساسی است که باید رد شود. این نظریه که درآمد‌ها باید "منطق و عقلانی" باشند به معنی واقعی کلمه این "ارزش" نسبی را در است که با واقعیت وجود بی‌چوجه جور در نمی‌آید و زیرا واقعیت

عبارتست از درآمد های اضافی که شرکت های بین المللی و انحصارهای ملی بدست می آورند * به همان نسبت که کارگران به این حقیقت پی می برند غالباً براندیشه " ضرورت درآمد ها " که مانع رشد آگاهی ضد انحصاری و ضد سرمایه داریست امکان پذیر میگردند و راه برای درک و فهم اندیشه های سوسیالیستی هموار میشود *

وسایل و امکانات ایدئولوژیک سرمایه انحصاری نیروی بسیار جدی و مهمی است و آنها مانع از پیشرفت مبارزه طبقاتی و رشد آگاهی طبقاتی میگردند * مانع آزان میشوند که کارگران بنیروی خود پی ببرند * بخود و وحدت خود باور اعتماد کنند * ضرورت داشتن موضع طبقاتی مستقل * حزب سیاسی مستقل ضد انحصاری و نقش رهبری طبقه کارگر را درک کنند *

باتوجه به اینکه کارگران از تجربه شخصی خود و تجربه سایر زحمتکشان در مبارزه در دست میگیرند * کمونیست های ایالات متحد * امریکا بمبارزات فردی و سازمان نیافته اعضای سندیکاها و اشکال ویژه جنبش که در بسیاری از سندیکاها بنظر ایجاد تحول در سیاست سندیکائی از مشارکت طبقاتی به مبارزه طبقاتی انجام میشود توجه فراوانی میدول میدارند * این جنبش تاثیر عمیقی در سندیکاها میبخشد و آنها را پسران تغییر و تحول و فعالیت و موکراتیک افکند * است * بطور مثال در انتخابات اخیر سندیکا مرفولاد مسازان نمایند * ای که اعضای ساد * سندیکائی پیشنهاد کرده بودند در شعبه اصلی که يك سوم اعضا هم تمام سندیکا را شامل میگردند از لحاظ تعداد آراش که بدست آورد * بود اول شد *

مبارزه اعضای عادی سندیکا در برخی از رهبران سندیکاها نیز موشرواقع میشود * مثلاً وین پیسنجر صدر جید هیئت رئیسه سندیکائی فلزکاران اعلام کرد که او در رهبری اجرای اجرائیه فدراسیون کار امریکا و کنگره سندیکاها تولیدی در راه صرف نظر کردن از مواضع " جنگ افزوزان " در سیاست خارجی بسود موضع گیری صلحجویانه * در راه پیروی از فعالیت شدید در سیاست داخلی برای جلب کارگران غیر متشکل به اتحاد پیمای کارگری و وضع قوانین اجتماعی مترقی مبارزه خواهد کرد *

حزب کمونیست ایالات متحد * امریکا کوشش خود را روی کارمیان کارگران صنایع سنگین که پر شمار ترین واحد طبقه کارگراست * متمرکز میسازد * به انتشار مطبوعات کمونیستی * جزوه ها * تراکت ها و روزنامه های کارگاه پیمیان کارگران صنایع سنگین و همچنین ایجاد کلوب های حزبی برای کارگاهها در موسسات گوناگون توجه فراوان میشود * حزب کمونیست ایالات متحد * امریکا جزوه های بسیاری خطاب به فولاد سازان * کارگران صنایع اتومبیل سازی و کارگران معادن و دیگر کارگران انتشار داده است * در این جزوه ها سوسیال دموکراتهای راستگرا * مشارکت طبقاتی و همچنین ماجراجوشی خرد * بورژوازی افشا * میگردند و مسائل اقتصادی نظیر تناسب میان دستمزدها * قیمت ها * درآمد ها و تورم بررسی میشود و موفقیت های اتحاد جماهیر شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی شرح داده میشود * طی تبلیغات دامنه دار اخیر برای افزایش تعداد خوانندگان روزنامه " دیلی ورلند " ۱۴۰۰ نفر بمتعدد آدبونه شدگان افزودند * گردید و فروش و انتشار آن در موسسات بسوزان قابل توجهی افزایش پیدا کرد *

ژیلبرت و ویسرا

دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست
کلمبیا

ایدئولوژی تابع ساختن طبقه کارگر به سیستم سرمایه داری در کلمبیا بشکل رفورمیسم کانز * پاترس * نالیسم و اندیشه های همکاری طبقاتی تظاهر میکند * اساسی ترین شعارش که سیاستمداران او بیدولوکها برای گمراه ساختن جنبش کارگری در کلمبیا مورد استفاده * قرار میدهند شعار " اقتصاد مورد توافق " *

صاحبکاران ، زحمتکشان و دولت است * دولت اتلافی و حزب سنی محافظه کار و لیبرال هم این شعار را عنوان کرده اند * در شرایطی که جنبش تود مهائی کمخواب ستار افزایش دستمزد بعلت بالا رفتن سطح تورم اند ، بسرعت گسترش مییابد * دولت کدی " اقتصاد مورد توافق " را برآورداخته ، شعور عملی ویژه مسائل دستمزد ها را فراهم میخواند * اما بطوریکه میدانیم نمایندگان اتحاد سرمایه داران و دموکراسی سند یگائی سنی (اتحاد زحمتکشان کلمبیا و کفدراسیون زحمتکشان کلمبیا) در ترکیب این شعور هستند و نمایندگان سازمان مستقل طبقاتی یعنی کفدراسیون سند یگائی زحمتکشان کلمبیا را در آن راه نیست * پس از زندگی های بسیار حار لایت توصیه میشود که دستمزد ها را به میزان ناچیزی افزایش دهد * ولی این افزایش حتی بانهی از بالا رفتن قیمت ها در نتیجه تورم هم برابری نمیکند و عملاً به معنی کاهش دستمزد واقعی کارگران است * اما این قبیل اقدامات بطور موقت از شدت فعالیت کارگران و مطرح ساختن خواسته های شان میگذرد *

تاثیر چنین ایدئولوژی با افسانه های رنگارنگش در باره " اقتصاد مورد توافق " هنوز زیاد است * محافل قابل توجهی از طبقه کارگر و مقدم بر همه آنها کنگرسموسسات دولتی ورشته خدمات مشغول بکارند و از حق اعتصاب محروم گردید و معیار عمیق و فشار از طرف دولت ناچارند بدان متوسل شوند * هنوز هم این افسانه ها را باور میکنند *

بنظر من پشتیبانی از تمام اشکال مبارزات عادلانه پرولتاریا و همبستگی فعالانه کمیونیست ها با خواسته های زحمتکشان و پاتذرات اقتصادی و سیاسی آنان ، مقدم بر هر چیز از موثرترین وسائل واکنش در برابر سیاست تابع ساختن طبقه کارگر به سرمایه داری است * کمیونیست های کلمبیا از خواسته های زحمتکشان و مبارزه ای که سازمانهای مرکزی سنی سند یگائی تحت فشار کارگران سازمانهای اولیه سند یگائی بناچار بدان دست میزنند پشتیبانی میکنند * در عین حال مامیسان کارگران به فعالیت های مختلف تربیتی باصبر و حوصله و بر پایه اصول مارکسیسم - لنینیسم و تجربه جنبش جهانی کارگری ادامه میدهند * در کلمبیا این وظیفه با اشکال گوناگون بانجام میرسد و حزب ما اهمیت آنرا هر چه بیشتر تأیید میکند *

پدرو ماتیا

عضو کمیسیون سیاسی کمیته مرکزی
حزب کمیونیست پورو

مضمون ایدئولوژی تابع ساختن طبقه کارگر به سیستم سرمایه داری در کشور ما در وجهت آشکار میگردد *

اولی عبارت از تلاش بنظرممانعت از این است که طبقه کارگر آگاهی طبقاتی خود را استوار سازد * زیرا چنین آگاهی بگوی امکان میدهد ضمن مبارزه در راه چشم انداز تاریخی ویژه خویش نقش سیاسی مستقلی ایفا کند * میگویند که گویا پرولتاریا هنوز نه از لحاظ کیفی و نه از لحاظ کمی تکامل نیافته * گویا نقش رهبری در حال حاضر در آینه باید از آن محافل سرمایه داران (آنها را " نیروی زنده " جامعه مینامند) و همچنین از آن برخی از کاتگوری های قشرهای میانه باشد * زیرا گویا آنها در سطح عالی تحصیلی و حرفه ای و فنی هستند و دستگاه اداری دولتی را در اختیار خود دارند * اینها در لائل کاذب پی هستند * سطح متوسط پیشرفت از مشخصات سرمایه داری وابسته در کشور ما است * واحد های نیرومندی از طبقه کارگر در کشور ما وجود دارد که در اتحادیه های صنفی بیشمار متشکل شده اند (تعداد شان بیش از چهار هزار است) * در کشور ما بیش از صد کفدراسیون سند یگائی ملی و چهار مرکز سند یگائی موجود است *

نیروی جاذبه این سازمانها در آن بخش از دهقانان و قشرهای میانکده از سیاست اتحاد با طبقه کارگر-پشتیبانی میکنند و متوجه واقع شد که در نتیجه فعالیت حزب ما و همچنین در جریان دگرگونی‌های سالهای ۱۹۶۸-۱۹۷۵ تقاید ضد امپریالیستی و اندیشه‌های سوسیالیستی در طبقه کارگر مقیاس گسترده‌ای انتشار پیدا کرد. این دگرگونی‌ها توده‌های زحمتکشان را بر مرکز فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی و سیاسی کشاند. زیرا اتحاد و معینی به تقسیم درآمد موسسات و اداره امور آنها دست یافتند و توانند از اهمیت در استفاده از آنچه در مالکیت این موسسات است سهم شدند. در عین حال تضاد این پروسه در این است که دموکراتهای انقلابی پرو میکوشند وسیله این تدابیر طبقات را با هم سازش و آشتی دهند و پیامهای "وحدت ملی" را پی ریزی کنند.

دوم اینکه ایدئولوژی تابع ساختن طبقه کارگر به سیستم سرمایه داری حتی به آداب و رسوم و شیوه زندگی و مذهب و چیزهای دیگری است که نتیجه سیاست موجود حاکم بر کشور میباشند و این مناسبات را در نقطه مقابل ارزش‌های عالیت‌رسانانی قرار میدهند. یکی از شرایط مقداتی ویژه این ایدئولوژی "تمدن غرب و مسیحی" است که گویا باید از آنها دفاع کرد. در عرصه سیاسی به ملت‌گرایی و منطقه‌گرایی ("ایند و امریکانسم" و "ترسریسم" (۱) و نظایر آنها) روی می‌آورند تا کشور را از پیشرفت جهانی و تأثیرات آن جدا کنند. ساخته و بداند ویژگی خاصی بخشد. این امر امکان میدهد این یا آن گرایش را بمنزله "بیگانه و خارجی" و "بنا به تقلید از خارجیان" قلمداد کنند. نظریات دیگری مانند کشورهای "فقیر و غنی" و "صنعتی و عقب ماند و صنعتی" هم رواج دارد و بالاخره ما با تلاش آنها برای بسی اعتناش به قوانین عام پیشرفت اجتماعی و مضمون واقعی دوران ما روبرو هستیم و این امر منشاء سردرگسی ایدئولوژیکی است که ایدئولوگ‌های امپریالیسم هم آنرا تشدید میکنند.

ایدئولوژی تابع ساختن طبقه کارگر به سیستم سرمایه داری در بخش مهمی از قشرهای اهالی نفوذ و تأثیر دارد ولی در جنبه کارگری بتدریج تضعیف میگردد. در کشور ما به آگاهی طبقاتی کارگران بطور مستمر افزوده میشود. در حال حاضر ما در راه مین وحدت سندیکاکی فعالیت میکنیم و بیا به استوار می‌برای اتحاد کارگران و دهقانان فراهم می‌آوریم. نه فقط منطق و برهان، بلکه فاکت‌ها هم "تئوریهای" فوق-الذکر را با شکست مواجه میکنند. در کشور ما یک سلسله دگرگونی‌های ضد امپریالیستی، ضد الیگارشی و حتی ضد سرمایه داری بوقوع پیوسته است.

مبارزه علیه ایدئولوژی تابع ساختن طبقه کارگر به سیستم سرمایه داری با فعالیت حزب ما در راه تشکیل ساختن قشرهای مختلف اهالی بویژه طبقه کارگر پیوند دارد. فعالیت در سازمانهای سندیکاکی در واقع و عملاً به انتظار سریع اندیشه‌های سوسیالیستی کمک کرد و روشن است که این پدیده بخود بخود نیروبخش مبارزه علیه گرایش‌های چپ است. در عین حال تجربه مبارزه برضد اربابان و قوانین موجود در کشور بیا به و اساس آن زحمتکشان را به لزوم گسستن از ایدئولوژی بورژوازی متقاعد ساخت. اینک بهترین کارهای حزب بکارهای ایدئولوژیک گذارد میشوند. حزب همچنین در سازمانهای فرهنگی، کسورری، و صنفی و سایر سازمانها فعالیت میکند و همین جریان بدان امکان داد در قشرهای متوسط نفوذ فراوانی کسب کند. توده‌های مردم را متشکل سازد و مبارزانان یاری رساند. اینها بنوعی شرایط مساعدی برای تبلیغ و ترویج اندیشه‌های سوسیالیسم و از بین بردن نفوذ و تأثیر ایدئولوژی بورژوازی در زحمتکشان بوجود می‌آورد.

۱- از "el tercer mundo" یعنی "جهان سوم".

چرا ما با کمونیست‌ها هستیم

بد نبال سلسله انتشاراتی درباره این موضوع (۱) مجله گفت و شنود مخابراتا با کمونیست‌های هند وستان که در سازمان‌های توده ای ایالت پنجاب فعالیت میکنند بچاپ میرساند *

کارتراسینگ

من ازخانواده دهقانی فقیری هستم * برادر بزرگم کمونیست بود و من این امکان را داشتم که با فعالیت روزانه حزب انترنالدیک آشنا شوم ، بعبارت دیگرشاهد کاری باشم که برادرم ورفقایش بدستورحزب انجام میدادند * خود این فعالیت هم توجه مرا بخودش جلب کرد زیرا میدیدم ودرک میکردم که این کار بسود مردم عادی وساده انجام میشود * صفات شخصی کمونیستها هم برای من جالب بود * آنها مردم پاک وشرافتمندی بودند که مقدم برهرچیزیمانافع همگان وشه آن خویش میاندیشیدند و در فعالیت ومبارزه توده بودند * بهمین سبب است که من همیشه به کمونیستها وحزب کمونیست علاقمند بودم *

ولی من هنگامی بحضویت حزب درآمدم که در سازمان مخفی اتحادیه الکترسیتهای کامیکردم و به تجربه خود باین نکته یقین حاصل کردم که مبارزه درچهارچوب اتحادیه ها به تنهایی برای حل تمام مشکلات ما کافی نیست *

من حالا هم در سازمان سندیکائی کار میکنم * ماکارگران رادراه مبارزه بخاطربرخی ازخواستههای اقتصادیشان متحد میسازیم * مردم حالا دیگربرای مبارزه دراین راه آماده اند * ولی مایکوشیم بآنها بفهمانیم که این کافی نیست ودرضمن مردم را آماده * مبارزات سیاسی میکنیم * مادرفعالیتهای سیاسی هم شرکت میجویم * هنگامیکه ارتجاع درهند وستان به تعرض دست میزند ما عملیات سیاسی رابعقیا من ایالت سازمان میدهیم وکارگران را برای شرکت دراین عملیات بسیج میکنیم * ما برای آنها شرح میدهیم که درروزهای دشوار باید پشتیبان سندیکا بود ولی نباید خواستههای خود را به مسائل اقتصادی محدود کرد * باید جلوتررفت * فقط سوسیالیسم میتواند ما را به هدف مقصودمان برساند *

من موفق به جلب اعضای تازه به حزب شدم که همه ازکارگران رشته برق اند * زمانی بود که من تخالفرد کمونیست در سازمان سندیکائییمان بودم * حالاتعداد آنها به ۴۰۰ نفر رسیده است *

جنبش جهانی کمونیستی شعار معروف "پروترهای جهان متحد شوید!" را با داده است * این واقعیت که تمام کارگران جهان دارای منافع مشترکی هستند بمانیرو توان می بخشد * ماهمه دوش بدوش یکدیگر مبارزه میکنیم و فقط با مساعی مشترک میتوانیم موفق به حل وفصل معضلات مشترکمان بشویم * مایکوشیم تجربه احزاب کمونیست کشورهای دیگر را بگیریم وشبیه های مبارزه را از آنها میآموزیم * بحفیده ما در اوضاع واحوال سیاسی کنونی که درکشور ما پیش آمده ، این تجارب اهمیت فراوان کسب میکند و بسا واقعا کفک میرساند * بهمین سبب است که من نه فقط به عضویت درحزب کمونیست خود مان بلکه از تعلق داشتن به تمام جنبش جهانی کمونیستی فخر ومباهات میکنم *

دس راج

تصمیم پذیرفتن عضویت حزب کمونیست هنگامی کمین دراعتصابی شرکت جستمدوم که ۳۶ روز طول کشید درمن بوجود آمد * درست همان وقت من بخوبی درک کردم که فقط این حزب وانعا به امر طبقه کارگر صدیق وفادار است وبرنامه ، مبارزه درراه منافع آنرا داراست * پس از آن با بسیاری از کمونیستها ملاقات وگفتگو کردم و وارد حزب شدم *

باید بگویم که من از محیطی که دشمن کمونیستهاست برخاسته وآنها پیوسته ام * عقاید ونظریات

تمام خویشان و دوستان من ارتجاعی بود و پیترا از این خود من هم بایک سازمان ارتجاعی بطور فعال همکاری میکردم * بطوریکه ، وقتی پس از آن اعتصاب من در انکار و نظریات خود تجدید نظر کردم مناسبات خویشان و دوستان با من بی اندازه بشد * برخیها مرا احق نامیدند و عده ای بمن میخندیدند * با اینهمه اینطور تصمیم گرفتم که در عمل با آنها ثابت خواهم کرد که حق با من است * ضمن انجام کارهای حزبی با دستاورهایی روبرو شده ام که میکوشم بتدریج آنها را برطرف سازم * یکی از بزرگترین مشکلات بیسواد ی من بود * من فقط ۷ کلاس درس خوانده ام ، انگلیسی بلد نیستم و بهمن سبب هم بخودم اجازه نمیدادم انجام وظایف پرستولیت را بعهده بگیرم * رهبران حزبی آمریت سارا Amritsara خیلی بمن کمک کردند *

ما کمونیستها ضمن فعالیت در جنبش سند یکائی فقط در راه افزایش دستمزدها و اضافه حقوق و افزایش مدت مرخصی و دیگر خواستههای مبرم کارگران مبارزه نمیکنیم * هدف عده ۶ مبارزه با ایجاد تخییرات بنیادی در زندگی طبقه کارگراست * ما این مبارزه را بطور پیگیر دنبال میکنیم * تمام مردم این رامپینند * میتوانم بگویم که حال زن و بچه های من و تمام اقوام نزدیک من به حزب اظهار علاقه میکنند * در محیطی که پرورش یافته ، همواره بمن میگفتند دشمن عده ۶ ، حزب کمونیست هند وستان است ، و تمام احزاب کمونیست "عالم اتحاد شوروی" اند * پس از ورود به حزب فهمیدم که آنها همه دروغ است * دوستی و روابط ما با اتحاد شوروی و شیوه زندگی که در آنجا پدید آمده و رو بکمال میرود برای اندیشه های کمونیسم میان کارگران هند وستان و جبهه و اعتبار وجود میآورد * بسیاری از رفقای ما که اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی را دیده اند تعریف میکنند که کسب دانش و کار و حقوق باز نشستن و حقوق مهم دیگری در آنجا برای کارگران تضمین شده است * مادر زندگی روزانه خود بیش از پیش پشتیبانی جهان سوسیالیسم و جنبش کمونیستی را احساس میکنیم * اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی به پیشرفت و تکامل صنایع کشورها کمک میکنند * کمک آنها در رکنش و واحد های مختلف صنعتی ساخته میشود * تمام اینها موجب تثبیت راستاری اندیشه هائی است که مورد دفاع حزب ما است ، و در همین حال به افزایش نفوذ کمونیست ها میان توده های آری میسراند *

مو هیندر پریک

تمام اعضای خانواده من پدر و مادر ، خواهران و اقوام نزدیک همه عضو حزب اند * من از همان دوران کودکی چیزهای زیادی درباره لنین و اتحاد شوروی شنیدم * درباره آنها شعر و آواز می خواندند * معلوم است که من همیشه به کمونیستها تمایل داشتم ، ولی از اینکه من مثل یک زن چگکونه میتوانم در جنبش کمونیستی شرکت کنم و چگکونه به امر مشترک میتوانم برسانم تصور روشنی نداشتم * ملاقات با زنی که از فعالین حزب بود مراد عزم خود در انتخاب راهی که برگزیدم استوار ساخت * موسیقی را خوب میدانست ، (و من هم موسیقی علاقه داشتم و میخواستم به تحصیل تمام ادامه بدهم) ولی دانشه * مخلوقات و مطالب مورد علاقه وی بسیار وسیع بود * او در حزب کار بزرگی انجام میداد و در عین حال می توانست ماهیت و مقصود از این فعالیت را هم تشریح نماید * پس از ورود به حزب من بطور فعال در جنبش زنان بکار پرداختم *

تا اندازه ای که من بر اساس تجربه شخصی خود میتوانم فضا و تکم و وقتی انسان کمونیست می شود قادر بیدرک عمیق مسائل دوران معاصر میگردد * در عین حال وقتی زن در حزبی کار میکند مسئولیت بزرگی هم در مقابل کسانی که با اعتماد میکنند و هم در مقابل حزب احساس مینماید * در هند و ستار که افراد ساده ای از کمونیستها پشتیبانی میکنند از ماتو قعات زیادی دارند ، و علاوه بر این میخوانند ما را افرادی نمونه و نوعی سرمشق زندگی ببینند * سنتهای دیرینه ما چنین است که درباره انسانها مقدم بر هر چیز بر اساس زندگی روزانیشان قضا و ت میکنند * البته ، در زندگی کشور ما

تخییراتی روی میدهد و شعور و آگاهی مردم هم از برخی جهات عوض میشود * ولی من مانند گذشته باین عقیده ام که کمونیست باید د رزنگی شخصی ساده و متواضع باشد و در مناسبات با مردم و برخورد به حل مسائل گوناگون هم سادگی و تواضع را پیشه خود سازد * در این امر او باید نمونه برای دیگران باشد * نام کمونیست نیازمند صفات شخصی اخلاقی عالی است *

انسان از این لحاظ هم احساس مسئولیت میکند که جنبش کمونیستی يك جنبش بین المللی است * در ضمن مادر سازمان های زنان و اتحادیه هائی هم که عضو سازمانهای بین المللی اند فعالیت میکنند * ما هر روز با طرز کار آنها و آنها با کار ما آشنا میشوند * ما میدانیم * جهان امروز چنین است که آنچه در هر يك از گوشه های آن روی میدهد در زندگی سیاسی هند و ستان تأثیر میکند و در عین حال آنچه ما انجام میدهم باین یا آن شکل در رویداد های جهان و بسط و تکامل جنبش جهانی کمونیستی مؤثر است * وقتی انسان چنین ارتباطی را احساس میکند ، میکوشد با تمام قوا فعالیت نماید *

تنها شق ممکن در قبال فاشیسم

مبارزات خلق های امریکای لاتین که با قاطعیت و شدت در مقابل ارتجاع داخلی و بین المللی مقاومت نشان میدهند نقش هر چه آشکارتری در جنبش ضد امپریالیستی معاصر ایفا میکنند. در منتخبی از مقاله ها و به اجنبه هایی که در این شماره درج می گردد در هر بران احزاب برادر کشورهای برزیل و نیکاراگوا در باره ویژگیها و معضلات مرحله کنونی مبارزه نیروهای مترقی کشورهای خود در راه استقلال و دموکراسی و ترقی اجتماعی صحبت میکنند. در مقاله نویسنده مسائل اجتماعی اتحاد شوروی برخی از شیوه هایی که امپریالیسم ایالات متحده امریکا برای اشاعه افکار و نظریات خود در کشورهای امریکای لاتین بکار میبرد مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار میگیرد.

خوزه سوارش

عضو مشاور کمیسیون اجرائی

کمیته مرکزی حزب کمونیست

برزیل

تجزیه و تحلیل اوضاع واقعی که مردم برزیل طی نود یا بیست و چهارده سال در آن بسر می برند مویذ آنستکه بدون مبارزه در راه دموکراسی و سوسیالیسم نمیتواند راهگشای گسترش کامل ابتکارات، توده های انبوه در مبارزه رهائی بخش و اعتدالی سطح اقتصاد ملی متوافق با منافع خلق و دفاع از استقلال ملی باشد و بی آزادی ملی نمیتوان دست یافت.

از سوی دیگر این بررسی نشان میدهد که ارتجاع تنها به کمک اعمال شدیدترین شیوه های جبر و ستم که هدفش جلوگیری از مبارزه توده ها است، میتواند کشور را در وضع وابستگی اقتصادی نگه دارد. بهمین علت است که رژیم دیکتاتوری نظامی از همان آغاز مجبور شد در کشور حکومت نظامی اعلام کند. هدف از این اقدام آنستکه پروسه پیدایش و پیشرفت سرمایه داری دولتی - انحصاری وابسته در برزیل تسهیل شود و برنامه ای که هدفش تسریع رشد اقتصادی، تمرکز سرمایه بقیاس وسیع و تولید کالاها صادراتی و ثابت نگه داشتن دستمزدها و زحمتکشان به بهانه مبارزه با تورم و همچنین اجرای نقشه های تجار و کارخانه و توسعه طلبانه است و تحقق پذیرد. در روز پس از کودتا (۱) نظامیانی که حکومت را بدست گرفته بودند پرچم "دفاع از قانون اساسی، هنگامه وقوه قضائی را" لگد مال کردند و در سر اسر کشور به تضحیات

۱. در آوریل سال ۱۹۶۴ جناح راست نظامیان که از توسعه جنبش مردم به هراس افتاده بود و با حمایت محافل امپریالیستی با توسل به کودتا دولت بورژوا - دموکراتیک، گولارت را سرنگون کرد. هیئت تحریریه.

شدید متوسل شدند * ولی در نتیجه روبروشدن با مقاومت مردم و وجود تضاد های درونی شدید یکسره
 بمبارزه بی امان برای رسیدن به قدرتمندتر شدن و بود * آنها ناگزیر بودند پیش از برقرار ساختن نا شسیم
 راه طولانی مانورهای مختلف را طی کنند * به معرض عقوبت نشینی بپردازند و در عین استفاده از قانون
 اساسی قوانین و لواحق تکمیلی دیگری را هم بحرحله اجراء آورند * با همه اینها در نتیجه تصادف شدن
 با مقاومت جدی در سر راه خود * این نیروها تا به امروز هم موفق نشده اند فاشیسم را بصورت قانونی
 بگری بنشانند * آنها خود و ناگزیر بودند که خشن ترین دیکتاتورهای اروپا بایکدی موکراسی ظاهری را پیش دهند *
 مثلاً در سال ۱۹۶۲ قبل از اینکه قانون اساسی سال ۱۹۴۶ را که از جانب مجلس موسسان بتصویب
 رسیده بود * لگد مال کنند * همین نیروها مجبور شدند قانون اساسی تازه ای بتصویب رسانند که
 حقوق معینی را تضمین میکرد * در سال ۱۹۶۹ هم بلافاصله پس از تصویب سند شماره ۵ که جانشین
 قانون اساسی جدید گردید و به دیکتاتور قدرت مطلق تفویض نمود و نقش کنگره و قوه قضائی را بهیچ وجه
 محدود کرد * همین وضع روی داد *

نظام دیکتاتوری که با چنین ابزار نیرومند حاکمیت مجهز شده بود طی سالهای ۱۹۷۴-۱۹۶۸
 موفق شد برنامه های رشد اقتصادی با شاخص اضافه رشد یازده درصد در سال را تحمیل کند * این امر
 مطلقاً به برکت شرایط مساعد بازار جهانی برای برزیل امکان پذیر گردید * زیرا در آن دوره برای کالاهای
 صادراتی سنتی برزیل سطح قیمت ها بالا بود و این خود برای بازرگانی امکانات فراوانی پدید میآورد *
 در نتیجه گدشتهای بزرگ در برابر انحصارات برای سرانیز شدن سرمایه بصورت وام و سرمایه گذاری شرایط
 مساعدی فراهم آمد و همچنین خرید مقدار زیادی نفت با قیمت مناسب امکان پذیر گردید * اما برای رسیدن
 به چنین شاخص هایی وجود شرایط مناسب و مساعدی در درون کشور نیز ضروری بود که عبارتست از :
 استثمار شدید زحمتگشان * کاهش دستمزدهای واقعی از طریق ثابت نگه داشتن منظم آن و تشدید جریان
 تولید * آهنگ های سریع رشد اقتصادی که بشما " معجزه اقتصاد برزیل " جلوه داده میشد
 و نیکسون رئیس جمهوری پیشین ایالات متحده امریکا کوشش میکرد آنرا بشما " الگوی رشد و ترقی برای همه
 کشورهای امریکای لاتین ارائه کند در حقیقت به چنین بهائی بدست آمده بود *
 چنین سمبکیری اقتصادی و مالی بمنظور تسریع رشد سرمایه داری بر پایه استفاده از تکنولوژی
 مدرن همچنین مستلزم توسعه بازار داخلی به مقیاس وسیعی بود * اما برای انجام این کار اصلاحات
 ساختاری عمیقی لازم بود * ولی کودتا درست بدین منظور انجام گردید که از اجرای این قبیل اصلاحات
 فوری و فوری جلوگیری کند * درست بهمین علت تکنوکراتهای دولتی بجای در نظر گرفتن مصالح ملی به
 آنچه از طرف انحصارات بزرگ بین المللی تحمیل شده بود توجه داشتند و آنها تولید کالا برای صادر
 کردن بود * بمبارت دیگر مجتمع صنعتی معاصر در شمال تشدید وابستگی کشور به انحصارات بین المللی
 ایجاد گردید * بهمین جهت عدم موفقیت این " الگو " طی مدت کم و بیش کوتاهی قابل پیش بینی
 بود *

در آغاز سال ۱۹۷۴ دیکتاتور دیگری یعنی ارنستو گایلز به حاکمیت رسید * تعداد زیادی از تکنوکرات
 کراتهای شناخته شده از جمله وزیر برنامه ریزی کابینه رئیس جمهور پیشین با هیئت کارشناسان اقتصاد پیش
 کمبود اعتماد کامل صندوق بین المللی پول هستند * در کابینه دولت وی شرکت جستند * از این روستا گ
 نیست که گایلز وزارت برنامه ریزی را منحل نکرد * بلکه کوشید همان مشغول گشته را دنبال کند و در عین
 حال به اقتضای آنچه در عمل پیش میآید در آن اصلاحاتی بعمل آورد *

هدف برنامه ملی عمران و آبادی جدید یعنی برنامه دوم کوشش برای خروج ازین بستی بود
 که دولت جدید در نتیجه میراث نامطلوب اسلاف خود که سمبکیری آنها در درجه اول متوجه بازار خارجی

و واردات ماشین آلات و مواد خام بود بدان دچار گردیده بود. در برنامه جدید بدین توجه به ضرورت تأدیبه وامپای کلان خارجی توسعه بازاری داخلی در درجه اول اهمیت قرار داشت و میبایست با تنگ کردن عرضه به بازار خارجی مقام عمده را احراز کند.

اما در این عطف توجه فوق العاده به بازار داخلی اتخاذ تدابیر اجتماعی - اقتصادی لازم و همیتی که اجرای این وظیفه را امکان پذیر سازد پیش بینی نشده بود. از جمله چنین تدابیری قبل از همه میبایست لغو سیاست ثابت نگه داشتن دستمزدها و اجرای اصلاحات ارضی را یکالی باشد که زمینداری بزرگ "لاتیفوند" و همه بازمانده های نیمه فئودالی از آن جمله مالکیت کوچک راملخی سازد. تحقق چنین اقداماتی در عین حال بمعنی الغای مالکیت خصوصی بزرگ زمین و واگذاری زمین به مردم است. این اراضی اکنون در دست انحصارات بزرگ و مقدم بر همه در دست انحصارات امریکائی است. این تدابیر میتواندست به سیاست فلاکتبار حمایت از تمرکز زمین داری بزرگ که طی سالها اعمال شده و برای همیشه خاتمه دهد. اجرای این تدابیر میتواندست به سیاستی که با منافع انحصارات بزرگ امریکالیستی توافق دارد ضرب مصملکی وارد سازد و منزله صرف نظر کردن از هدهد فحاشی بود که گوریلهای غاصب حاکمیت دنبال میکنند.

فقدان پیگیری در برنامه جدید کاملاً روشن بود. این برنامه بر مدهای بطور کلی سهم قصد را دنبال میکرد. تعریف واردات و توسعه بازاری داخلی تا مقیاس "صرف همگانی" و اجرای سیاست صادراتی بعنوان مکمل توسعه بازاری داخلی. به اصطلاح سیاست تصویب واردات که هدف آن محدود کردن قابل ملاحظه بخشی از سرمایه های وارداتی و مواد خام بود بنوعی خود با منافع گروههای انحصارات بزرگ خارجی در تضاد بود.

نظام دیکتاتوری بالاخره با شکست کاملی مواجه شد که برای رژیم پس آمد های جدید روبرو داشت. این شکست با وضوح تمام بوجود بحران جدی اقتصادی و مالی و اجتماعی گواهی میداد که به تصامی شئون زندگی کشور سرایت کرده بود. پس آمدهای بحران در زمینه سیاسی نیز بلافاصله تأثیرات خود را نشان داد. نارضای توده های مردم به چنان مقیاسی رسید که دولت در انتخابات عمومی نوامبر سال ۱۹۷۴ با بزرگترین شکست ۵۱ پس از برقرار رژیم دیکتاتوری مواجه شد. انتخابات بلوغ و کمال سیاسی خلق برزیل را آشکار ساخت. پرولتاریا و دانشجویان و روشنفکران کاتولیکها همصبرهای عمده کشور و از آن جمله بخش قابل ملاحظه ای از کارفرمایان به نامزدهای یگانه حزب اپوزیسیون مجساز یعنی جنبه دموکراتیک برزیل که تقریباً بشما به جبهه وسیع مخالفین رژیم عمل میکرد و رأی دادند. نیروهای ویژه اعمال تغییرات رژیم در سراسر کشور با بزرگترین اقدامات سرریستی پس از سال ۱۹۶۴ به این اقدام کمبکوم کنند سیاست متضاد با مصالح عالیله ملت از طرف توده های انبوه مردم بود پاسخ گفتند. ضربه اصلی به حزب کمونیست و کمیته مرکزی آن وارد آمد. با وجود این رژیم دیکتاتوری مجبور شد عقب نشینی کند و عملاً به شکست خود اعتراف نماید. در پایان سال ۱۹۷۵ دولت ناگزیر شد در برنامه مالی - اقتصادی خود تجدید نظر کند. واقعیت آنرا بچهره کرد که ۱۸۰ درجه موضع خود را تغییر دهد. در نتیجه تغییراتی که در خط مشی سیاست اقتصادی و مالی داده شد. توجه کارشناسان اقتصادی روی این مطلب متمرکز شده که "کند کردن" اقتصاد نام گرفت و مشخص رشد کمتری - نزدیک به پنج درصد - در سال در آن پیش بینی شده بود. این تغییرات همچنین موجب دور شدن از سیاستی گردید که وظیفه عمده آن توسعه بازاری داخلی بود.

از آنجا که انجام تصدات مربوط به پرداخت وام های خارجی ضروری بود و دولت از ترمیم به جستجوی اعتبارهای تازه شد. این امر موجب گردید که وامپای خارجی که مقدار آن در حال حاضر

تقریباً به سی میلیارد دلار میرسد افزایش یابد. پس آمد چنین سیاستی افزایش تورم بود که به پنجاه درصد رسید و بنوبه خود باعث گرانی و افزایش هزینه زندگی گردید. پرولتاریا درقبال این اوضاع با تحت فشار قرار دادن شدید دولت و اکسپشنشانند او و خواستار تنظیم دستمزدها گردید و دولت را مجبور کرد برای تضعیف سیاست "ضد تورمی" خود تدابیری اتخاذ کند و متعادل و بی افزایش دستمزدها موافقت نماید.

عدم موفقیت تدابیر جدید دولت بحران اقتصادی و اجتماعی را حادث نمود. عوارض روزافزون بحران سیاسی رژیم دیکتاتوری را هرچه بیشتر منفرد میسازد. با وجود تضییقات فراوان و بیقیاس و وسیع و محدودیت فعالیت، اپوزیسیون و درانتخابات شهرداری در سال ۱۹۷۶ جنبش دموکراتیک برزیل تقریباً در همه مراکز صنعتی و ویژه در سه ایالت که مهمترین ایالات کشور هستند، برنا بزه های دولتی پیروز گردید. در اواخر سال ۱۹۷۶ متجاوزان هزارتن از نمایندگان روشنفکران نامه ای برای دولت ارسال داشتند و طی آن علیه سانسوری که در سراسر کشور اعمال میشود اعتراض نمودند. در آغاز سال ۱۹۷۷ سند جدیدی که از جانب تفرانس ملی روحانیون مسیحی تهیه شده بود و انتشار یافت. در این سند مسئله دولت مورد تحلیل قرار گرفته بود و رژیم فاشیستی موجود در کشور محکوم شده بود.

همه این عوامل موجب نگرانی روزافزون دولت است. دولت برای ایجاد تفرقه میان نیروهای اپوزیسیون و تصویب رساندن تدابیر ارتجاعی در کنگره که مقصود از آنها جلوگیری از شکست قطعی در انتخابات عمومی است که برای سال ۱۹۷۸ در نظر گرفته شده و دست به تلاشهایی زده است. پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست برزیل که در ماه مارس سال ۱۹۷۷ تشکیل شد در مورد این نوع مانورهای دیکتاتوری با این نتیجه رسید که کشور در وضعی است که وراثت آنرا نمیتوان نادیده گرفت. همانطور که در پلنوم خاطرنشان شد در همه زمینه های زندگی ملی مظاهر شکست های آشکار سیاست اقتصادی و اجتماعی که رژیم فاشیستی بر کشور تحمیل کرده و روغن زنی است. در رژیم دیکتاتوری شکاف های پدیدار میشود و بهمین علت بی ثباتی گزند پذیرتر و در عین حال خطرناک تر میشود. فاکتورهای بسیاری در دست است که نشان میدهد به تعداد کسانی که به تدابیر اتخاذ شده از جانب رژیم باورند از تعداد میگردد. تعداد افرادی هم که به توانائی آن برای جلوگیری از تورم، افزایش و اسبابی کشور و بالا رفتن قیمت ها، جلوگیری از رشوه خواران و دیگر پدیده های منفی که وضع زندگی اکثریت قریب به اتفاق اهالی را وخیم تر میکند اعتقاد دارند روز بروز بیشتر میشود.

ولی این عوامل که گواهد پدید آمدن نخستین نشانه های تضعیف موقعیت رژیم است همچنان آن نیست که رژیم دیکتاتوری دیگر بمزوال نزدیک شده است. رژیم هنوز به حد کافی برای حملات متقابل نیرو دارد و این حملات متقابل میتواند فوق العاده شدید باشند. "ناراضی فزاینده توده های انبوه و اختلافی جنبش اپوزیسیون ملی بر ضد فاشیسم متحد و شدن هر چه بیشتر پایه و ستون سیاست رژیم در کشور وضعی را بوجود می آورد که بسوی بحران سیاسی پیش میرود. بهمین علت خروج از حصران پیروی از سیاست مشترک قاطعی نسبت به استقرار نظام دموکراتیک در برزیل، یعنی نسبت به آنچه که باید هدف نیروهای اپوزیسیون باشد و در برابر آنها قرار میدهند (۱).

رویدادهای بعدی درستی استنتاجات کمیته مرکزی حزب کمونیست برزیل را تایید کردند. دولت در پاسخ به امتناع کنگره از تصویب یک رشته تدابیر ارتجاعی علیه قوه قضائی و در زمینه محدود کردن حقوق فوق العاده خود کنگره و تغییر در خصلت انتخابات سال ۱۹۷۸ در آغاز آوریل سال جاری کنگره را تعطیل

مردم علیه دیکتاتوری

ریکارد وگارسیا

عضو کمیته ایالتی حزب
سوسیالیست نیکاراگوئه

— خبرنگار مجله مسائل صلح و سوسیالیسم — بیش از چهل سال است که در نیکاراگوئه دیکتاتوری سلسله سومو سا حاکمیت را دردست دارد. بعقیده حزب سوسیالیست نیکاراگوئه، که حزب کمونیست های آنکهوراست چه چیزی به حفظ این رژیم ضد خلقی کمک میکند؟

— ریکارد وگارسیا — دیکتاتوری سومو سا در واقع هم یکی از مزدورترین و فاسدترین رژیم ها در امریکای لاتین است. برخی از واقعیات تاریخ کشورمان رایا د آوری میکس، در فوریه سال ۱۹۳۴ ژنرال آنا ستالیوس سومو سا فرمانده گارد ملی که با سفارت امریکا همدست بود نقشه قتل خائنانه اوگوستوس ساراساند نیو قهرمان ملی نیکاراگوئه را طرح ریزی کرد. میدانیم که از سال ۱۹۲۷ برهبری اوگوستوساند نیو بسورد چریکی علیه نیروهای اشغالگر امریکاد ر کشور جریان داشت. پس از این توطئه بود که دیکتاتوری خانواده سامو سا برقرار شد و اعضای این خانواده تا امروز هم حکومت نیکاراگوئه را دردست دارند.

دیکتاتوری به نیکاراگوئه بخشش ملک، پهنار و رخود نگامیکند. در تمام رشته های اقتصاد با انحصارها امریکائی در غارت ثروت های طبیعی کشور ما استثمار زحمتکشان نیکاراگوئه همدست و شریک است. طلای نیکاراگوئه، صنعت چوب، موز، قهوه، پنبه، و برنج — تمام اینها درآید عظیمی عاید دیکتاتوری واریابان امریکائی آن میکند. کارگران و دهقانان که تمام ثروت های کشور کار آنها است به شرایط مسکنت باری محکوم شده اند و از ابتدائی ترین حقوق محروم اند. به آنها هم از طرف دولت، وهم از طرف سرمایه داران و مالکها باشکال مختلف ظلم میشود.

ایجاد و تحلیم و تربیت نیروهای مسلح نیکاراگوئه یکمکه ایالات متحد و امریکای امپریالیسم امکان میدهد که نه فقط رژیم سومو سا را حفظ کند بلکه هزینه بروز گرایش های مترق در کشورهای امریکائی مرکزی و حوضه دریای کارائیب را تهدید نماید.

دیکتاتوری از مردم و توده های زحمتکش شهروند جدا و منفرد شده است. تنها چیزی که رژیم ضد خلقی را در رأس حاکمیت نگه داشته حمایت امپریالیسم امریکاست.

— خبرنگار مجله مسائل صلح و سوسیالیسم — در این شرایط اشکال مبارزه کمونیست های نیکاراگوئه و تمانیروهای مترق کشور علیه حکومت استبدادی کداضف؟

ر. گارسیا — اشکال مبارزه ای که حزب ما مورد استفاده قرار میدهد مطابق با شرایط مشخص کشور است. اینکه قشرهای تازه اجتماعی بمبارزه علیه دیکتاتوری می پیوندند. جنبش کارگری پیشاپیش این مبارزه قرار دارد. این جنبش با وجود عواقب خطرناکی که آزادی و زندگی شرکت کنندگان در آنرا تهدید میکند و فعالیت و اقدامات خود را تشدید مینماید. گفتار سیون عموس کار (که مستقل است) و مرکز

سند یکنانی که تحت نفوذ کمیونسیت ها قرارداد طی سالهای ۱۹۷۳-۱۹۷۴ اختصاصیهای عظیم زحمتکش را سازمان دادند که مواضع رژیم را بطور جدی متزلزل ساخت و امکاناتی را که طبقه کارگر با قوه داراست آشکار کرد .

حزب ما سازمان رزمنده ای مانند سند یکنای صنایع ساختمانی را بوجود آورد و در بخش های مختلف شهرها اهالی را بمبارزه علیه صاحب خانه های که با پشتیبانی دولت مستاجرین را بیبرخانه استثمار میکنند بسیج کرد . نهضت دانشه داری در شهرها ایجاد گردید که در آینده با امکان میدهند میان اهالی بکار و فعالیت سیاسی بهبود ازیم ، مردم را آگاه سازیم و به پیوستن آنها بمبارزه علیه امپریالیسم و دیکتاتوری کینک کنیم .

برغم تلاش حکومت استبدادی برای سرکوب جنبش دهقانی در روستاها هم تغییرات جدی روی داده است . ارتش در سال ۱۹۶۷ بیش از دویست سازمان دهقانی را در مناطق کوهستانی کشور نابود ساخت . تعداد زیاد یازده هقنان و از جمله زنان و کودکان کشته شدند . با اینهمه مبارزه در راه دست آوردن زمین و طلبه بازمانده های فئودالی ، خود سری دیکتاتوری و انحصارهای امریکائی که در اقتصاد روستائی ریشه دوانیده اند ادامه دارد .

با وجود اینکه حزب ما از آغاز تا سیس آن در سال ۱۹۳۹ در شرایط غیرعادی فعالیت میکند و به خشونت آمیزترین وجهی مورد پیگرد و تخریب و فشار قرار دارد ، ما امکاناتی برای استفاده از شیوه های عملی مبارزه پیدا میکنیم و این شیوه های مبارزه را با مقدمه های کارخفی تلفیق مینمائیم .

برای نمونه میتوان فعالیت اتحاد آزادی دموکراتیک نیکاراگوئه را شاهد آورد . این جنبه بدر نتیجه کوشش های فراوان حزب مادر تمام سطح و در تمام عرصه های زندگی اجتماعی ایجاد گردید . مادر چهار چوب آن میتوانیم بنام خود فعالیت کنیم . به بیان دیگر ما بنابه حزب مارکسیستی - لنینیستی نیروی رهبری کننده و جنبش هستیم که تمام نیروهای مترقی کشور آن شرکت میبرزند . این نیروها عبارتند از : احزاب سیاسی گوناگون ، محافل مذهبی و همچنین اتحادیه های صنایع زحمتکشان . این امر با امکان میدهد که به ارتباط نزدیکتری با مردم دست یابیم .

در باره انواع دیگر فعالیت های جنبی باید بگویم شرح و توصیف آنها بسیار مشکل است . گاهی این فعالیت در کارهای بسیار ساده و صبورانه ، ولی ضروری خلاصه میشود و در برخی از موارد هم جنبه بسیار بغرنجی پیدا میکند . بهر حال این قبیل فعالیت ها پایه ای برای اقدامات جدی تر مردم است و با آنکه با کارعانی مربوط میشود .

— خبرنگار مجله صلح و سوسیالیسم — رفیق گارسیا ، آیا میتوانید درباره برنامه و وظائف اساسی

مبارزه نیروهای مترقی و دموکراتیک توضیحی بد دهید ؟

ر — گارسیا — برنامه اتحاد آزادی دموکراتیک هدفهای زیرین را دنبال میکند :

- ۱ — سرنگون ساختن رژیم دیکتاتوری ؛
 - ۲ — آزادی مردم از وابستگی اقتصادی ، سیاسی و نظامی ایالات متحده امریکا ؛
 - ۳ — انجام اصلاحات ارضی را دیکتاتورهای بنظر مخالفان مانده های فئودالیسم ؛
 - ۴ — انجام اصلاحات بنیادی در سیستم آموزش و پرورش بنظر مخالفان بدون سطح آن تاحد پیشرفت معاصر ؛
 - ۵ — جلب زنان به زندگی اجتماعی و واگذاری حقوق برابر مردان بآنها ؛
 - ۶ — برقراری مناسبات با تمام کشورهای صراف نظر از نظام اجتماعی آنها .
- شی بعدی اتحاد آزادی دموکراتیک وابسته بصوقمیت طبقه کارگر در این جنبه خواهد بود .

در باره حزب پیشرو طبقه کارگر نیکاراگوئه باید گفت که این حزب به نقش تاریخی که باید ایفا کند آگاهی دارد .

یکی از وظایف کنونی مبارزه با عبارت از جلب عناصر متردد خرد و بورژوازی ، منفرد ساختن ارتجاعی ترین محافل و تشدید فعالیت جنبش دهقانی است .

— خبرنگار مجله مسائل صلح و سوسیالیسم — امپریالیسم تحمیل نظام اجتماعی شمیله آنچه سوموسا در نیکاراگوئه برقرار ساخته به تمام کشورهای این منطقه را ضامن سلطه خود بر امریکای مرکزی میدانند . کمونیست ها نیکاراگوئه پس آید های بسط دموکراسی در این کشور را برای اوضاع سراسر امریکای مرکزی چگونه تصور میکنند ؟

ر . گارسیا — امپریالیسم بمنظور ادامه ستیزی خود وفارت و چپاول ابدی خلقهای امریکای لاتین تعدادی سازمانهای گوش بفرمان بوجود آورده است . سازمان کشورهای امریکای و سازمان کشورهای امریکای مرکزی در زمینه از این قبیل سازمان ها است .

خلقهای کشورهای ما بخوبی میدانند که این سازمانها قادر نیستند هیچ سود و امتیازی نصیب آنها کنند یا شرایط زندگی آنها را بهبود بخشند و از توسعه طلبی امپریالیسم جلوگیری کنند . این سازمان ها در رقابتها هیچ ارجح و اختیاری ندارند . به همین سبب است که پس از ورشکستگی واقعی سازمان کشورهای امریکای مرکزی امپریالیسم سازمانهای کاملاً نظامی را بر دیگر سازمانها ترجیح داد و به شورای دفاعی امریکای مرکزی توجه بیشتری نمود . این سازمان تحت کنترل ایالات متحده امریکا قرار دارد ، فعالیت ارتش های اکثر کشورهای امریکای مرکزی را هم آهنگ میسازد . دیکتاتوری سوموسا که پشاه ژاندارم منطقه به امپریالیسم خدمت میکند با سرمایه انحصاری امریکاد ر غارت و چپاول تمام خلقهای امریکای مرکزی شریک و همدست است . امپریالیسم برای تسهیل این غارتگری سازمان بازرگانی — اقتصادی هم بوجود آورد که بازار مشترک امریکای مرکزی نامیده میشود و از آن فقط انحصارهای بین المللی والیگاری محلی منتفع میگردد . این سازمان غارت و چپاول وحشیانه ثروت های طبیعی و تشدید استثمار خلقهای کشورهای مارا تسهیل میکند .

گسترش دموکراسی در جامعه نیکاراگوئه ناگزیر به واکنش زنجیری در سراسر منطقه منجر خواهد شد و به آزادی تمام کشورهای امریکای مرکزی و حوضه دریای کارائیب از تشدید استثمار رژیم های نظیر — دیکتاتوری سوموسا و افلاص و ورشکستگی رژیم های ضد خلقی و دیکتاتوری در سلوادور و گواتمالا کمک خواهد کرد .

چنین درونمای محافل امپریالیستی ایالات متحده امریکارانگران میکند . آنها از بهم ازد ست دادن مواضع خود در امریکای مرکزی از دیکتاتوری خونینی که بر کشور ما حاکم است علیرغم دعاوی سالوسانه و شکنجند ایراد بر طرفداری از آزادی های و دفاع از حقوق بشر ، شدیداً اشتهیانی میکنند . خلق ما برغم تضییق و فشار امپریالیسم و شکنجه و پیگرد ، مبارزه خود را در راه آزادی و استقلال تشدید میکند . کشور ما در واقع در حالت جنگ بدون وقفه ای بسر میبرد که دیکتاتوری علیه مردم اعلام کرده است . مطالبات ، راه پیوسته ترین تحت سانسور شدید قرار دارند . زندانها پر از میهن پرستان است . حزب ما با وجود اینکه در شرایط بسیار دشواری قرار دارد توانست پروتلاریا را رهبری کند و مردم را به مبارزه علیه استبداد برانگیزد . کمونیست ها که اغلب جان خود را در مبارزه برای رسیدن به آزادی های مردم فدا میکنند تماماً پیروی خود را وقف نبرد در راه آزادی ملی و صلح ، دموکراسی و ترقی اجتماعی کرده اند .

امریکای لاتین بطور سنتی نوعی آزمایشگاه تهیبه اشکال و شیوه ها و شگرد های تبلیغاتی ایالات متحده آمریکا برای کشورهای در حال رشد بود و است . پس از پیروزی انقلاب کوبا و پیدایش وضع تازه کثیفی در این قاره امپریالیسم امریکایلیغاتی خود را در جهت مرزهای جنوبی خود تشدید کرد ووظائف جدی تحقق هدفهای استراتژیک خود در امریکای لاتین را بدستگارتبلیغاتی خویش واگذاشت . گسترش دامنه مبارزه ضد امپریالیستی و دموکراتیک و انقلابی و توسعه زمینه اجتماعی آن امکانات ایالات متحده آمریکا را در تحقق نقشه های خود در کشورهای امریکای لاتین پیشروهای سنتی " چماق بزرگ " و " دیپلماسی توپ و تفنگ " و آنها را بدون بیم و هراس از مجازات و محدود میسازد . در عین حال تغییر ناپذیری هدفهای امپریالیسم در این منطقه جهان محافل حاکمه ایالات متحده آمریکا را به توسعه و تکمیل زرادخانه تبلیغاتی خویش تشدید آن با وسایل دقیق تر و ظرفیت تر " جنگ روانی " و امیدارد و از این وسائل بنویسه خود انحصارها و ادراکات و واژگان دیپلماتیک و نظامی و جاسوسی و خرابکاران هم استفاده میکنند .

مؤثرترین وسیله تاثیر در افکار عمومی مطبوعات بورژوازی و مقدم بر همه مطبوعات " قدرتمند و پرنفوذ " است . این مطبوعات در انحصار سرمایه ای کلان است که وابسته به ایالات متحده آمریکا است . مضمون روزنامه های پرتیراژ امریکای لاتین که از لحاظ مالی از همه پر قدرتر و از لحاظ تاثیر سیاسی از همه متنفذتر اند با الگوی تبلیغاتی امپریالیستی تطابق دارد و بازتاب آنست . همه موضوعاتی در درجه اول توجه میشود که مقصود از آنها منحرف ساختن توجه خوانندگان از مسائل بنیادی زندگی واقعی خواهد در داخل کشور و خواه در سراسر جهان است .

نشریات باصطلاح تجاری ایالات متحده آمریکا و مقدم بر همه نوع اسپانیایی مجله " ریدرز ایدجست " و همچنین مجلات بشماره صدها و خرد کشورهای امریکای لاتین و در ردیف روزنامه های یومیه و بخش مهم سیستم تاثیر و نفوذ تبلیغاتی امپریالیسم را تشکیل میدهند . موضوع اصلی این نشریات تلاش برای پیوند دادن خوانندگان از لحاظ ایدئولوژی به سیستم اجتماعی موجود و خنثی ساختن احساس اعتراض و تلقیح لزوم ابراز فردگرایی " اند پرورد و الیسم " بورژوازی تادرجه افراط است . از شیوه یکسان و همانند و انمود کردن تمام افکار یعنی سعی در همگون ساختن قالب های تبلیغاتی امپریالیسم با افکار عمومی و بنظر تحبیل سمت های نادرست و قلابی اجتماعی بپردازد و بعضیله شیوه اصلی و عمد استفاده میشود . مارکس و انگلس هم بموقع خود ماهیت شیوه یکسان و انمود کردن عقاید و خواسته ها را تعریف و تشریح کردند . آنها نوشتند طبقه حاکم " . . . ناچار است منافع خود را مانند منافع مشترک تمام اعضای جامعه و انمود سازد و یعنی اگر بطور مجرد به بیان مطلب بپردازیم ناچار است به افکار خود شکل همگانی بدهد و آنها را بمنزله یگانه افکار محقول و واجد اهمیت همگانی قلمداد کند " (۱) . بدین ترتیب تبلیغاتی امپریالیستی میکوشد اشتراك نظر راهی و تخیالی با تمام مردم را بوجود آورد و اندیشه های را که به آنها تلقین میگردد . یگانه اندیشه عقلانی و دارای اهمیت برای همگان " و انمود سازد .

نقش برنامه های رادیو و تلویزیون از لحاظ تاثیر آنها در افکار عمومی در امریکای لاتین روز افزون است . برای بخش مهمی از مردم رادیو سهل الوصول ترین و منظم ترین و گاهی هم یگانه منبع کمیته بر است . تبلیغاتی امپریالیستی از مجاری مختلف انتشار داد میشود . مقدم بر همه برنامه های رادیویی " صدای امریکا " است . ج . کاتر رئیس جمهوری امریکانندی پس از روی کار آمدن در مارس سال ۱۹۷۷ گزارشی درباره برنامه های رادیویی برای کشورهای خارجه بشکله تسلیم کرد . او در این گزارش برخی از کشورهای امریکای لاتین را در شمار بگفته وی و محدودی از کشورهای حساب آورد که برای تبلیغاتی رادیویی امریکا

کاملاً مساعدند. ثانیاً یو.سی.آ. (۱) است که برای شعبه‌های خود در امریکای لاتین برنامه‌های راد یوش آماد و بیفروستد و آنها موظف اند این برنامه‌ها را وسیله فرستنده‌های محلی پخش کنند. و بالاخره همگانی و جمعی‌ترین مجرای تبلیغاتی عبارت است از مورد استفاده قرار دادن ایستگاه‌های راد یوشی بازارگانی کشورهای امریکای لاتین.

دوا تبلیغاتی امپریالیسم تلویزیون را از جمله بهترین منابع امید بخش برای تاثیر در اهل‌السی امریکای لاتین بشمار می‌آورند. بحقیده آنها تلویزیون از لحاظ سرعت پیشرفت از سایر وسایل ارتباط جمعی پیشی می‌گیرد. در سال ۱۹۶۰ در کشورهای امریکای لاتین دو میلیون و نیم تلویزیون وجود داشت ولی این رقم اوایل سال ۱۹۶۵ به ۱۸ میلیون بالغ گردید. اثر این واقعیت راد نظریه‌گیریم که بطور متوسط یک خانواده چهار نفری از یک دستگاه تلویزیون استفاده می‌کنند آنوقت معلوم میشود که در امریکای لاتین از هر سه چهار نفر یک نفر برنامه‌های تلویزیون را تماشا میکند.

تلویزیون بیش از سایر وسایل ارتباط جمعی وابسته به ایالات متحد و امریکاست. بیش از هشتاد درصد تمام برنامه‌های کشورهای امریکای لاتین در آنجا سرهم بندی میشود. سیاست امپریالیسم امریکا در رشته تلویزیون کشورهای امریکای لاتین در برقراری کنترل کامل روی مضمون برنامه‌ها خلاصه میشود و بدین منظور آخرین دستاوردهای علمی و فنی از قبیل ماهواره‌ها، تلویزیون پانابا بل و مانند اینها استفاده میکند. کشورهای امریکای لاتین از تشکیل سازمان مرکز خبری و اطلاعاتی Comeat و Intelsat اند که وسیله ایالات متحد و امریکا بوجود آورده شده است. این مرکز خبری گرفتن برنامه‌های تلویزیونی را که از ایالات متحد و امریکا پخش میشود میسر می‌سازند. سهام قاطع این مراکز خبری اطلاعاتی به انحصارهای امریکایی و مقدم بر همه به "آمریکن تلفن اند تلگراف" و "اینترنشنل تلفن اند تلگراف" و "جنرال الکتریک" تعلق دارد. ایجاد مراکز پخش برنامه در سمت معین ایالات متحد و امریکایی کشورهای امریکای لاتین در چهارچوب "عملکرد ماهواره‌ها" که در واقع معنی ایجاد سیستم تلویزیونی قاره‌ای قابل کنترل و یکسان است. یکی از نقشه‌های امپریالیسم است که هدف‌های ورود رادی را دنبال میکنند.

انگیزه پیشرفت تلویزیون مقدم بر هر چیز که بازارگانی است. در امریکای لاتین بخش مهم پول و وسائلی را که به کلام گفته شد داد میدهد و از آن‌ها نسبتاً لیبلی در عوض می‌گیرد و اوایل مظهرات هاد یوش تلویزیون می‌یابند. ۸۰ درصد تمام اخبار و اطلاعات ویژه کلام و سرمایه انحصاری و در درجه اول سرمایه انحصاری امریکایی هستند. انحصارهای ایالات متحد و امریکا با استفاده از کلاه بازارگانی این امکان مادی را دارند که سانسور شدید ولی بی سرحد و کنترل سیاسی مظهرات هاد یوش و تلویزیون را در اختیار خود بگیرند و از آن‌ها نهایتاً مطلوب و نامناسب خبری و اطلاعاتی را از بین ببرند و در نتیجه به تاثیر خود در پرورش و آماد ساختن افکار عمومی در امریکای لاتین بیفزایند.

از آن‌ها خبری ایالات متحد و امریکا از قدیمی‌ترین وسائل تاثیر یابنده فوژیک آند. در پیچیدگی‌ها از مناطق جهان از آن‌ها نفوذی که در امریکای لاتین دارند برخوردار نیستند. در این منطقه آنها هم تامین وسائل ارتباط جمعی یا اخبار و اطلاعات هم تشریح رویداد‌های امریکای لاتین برای جهان سرمایه داری را منحصراً خود کرده‌اند. منبع پخش اساسی تمام اخبار و اطلاعات خارجی در مظهرات هاد یوش قدرتمند

۱ - یو.سی.آ. یا آژانس خبرگزاری ایالات متحد و امریکا. پزیدنت کارتر در اکتبر سال ۱۹۷۷ لایحه قانونی به‌کنگره پیشنهاد کرد که طی آن خواستار تجدید سازمان ارگان‌های تبلیغاتی سیاست خارجی ایالات متحد و امریکا شده است. پیشنهاد شده است اداره دولتی تازه‌ای تأسیس گردد که یو.سی.آ. و پروری وزارت خارج مسئول امور آموزش و پرورش و فرهنگ را در خود متحد سازد.

ویرنفلد " کشورهای امریکای لاتین آژانس‌های یونایتد پرس، انترنشنل و آسوشیتد پرس است .
 ایدئولوگ های امریکاییستی چنین اظهار می‌دارند که حاصل کار آژانس‌های خبری ایالات
 متحده امریکا چنان است که گویا فقط وظیفه خبری و اطلاعاتی را انجام می‌دهد و وجه مشترکی با گرایش‌های
 طبقاتی و اغراض حزبی ندارد . ولی در پیس پرده ظاهری بیگانگی این اصول باید اخذ در سیاست تلاش
 بمنظور انطباق مضامین ارگان‌های وسائل ارتباط جمعی با هدف‌های امپریالیسم امریکانگرفته است .
 گرایش طبقاتی یونایتد پرس انترنشنل و آسوشیتد پرس در گردآوری و تفسیر فاکت‌ها خود را
 نشان می‌دهد . مطبوعات " قدرتمند " امریکای لاتین هنگام تشریح رویداد‌های بین المللی توجه
 اصلی خود را به رویداد های ایالات متحده امریکا معطوف می‌دارد . از طریق محاسبه معلوم شده است
 که روزنامه های کشورهای امریکای لاتین ۲۵ بار بیشتر از آنچه روزنامه های ایالات متحده امریکا برای اخبار
 و اطلاعات مربوط به امریکای لاتین محل اختصاص می‌دهند به اخبار و اطلاعات ویژه ایالات متحده امریکا
 جامد همد . اطلاعات آژانس‌های ایالات متحده امریکا خصلت رویداد های خارجی و ویژه آنچه را که
 در کشورهای سوسیالیستی میگذرد تحریف میکنند . حقایق مربوط به بسط و تکامل مبارزه طبقاتی و ضد امپریا
 لیستی در امریکای لاتین و اقدامات تروریستی محافظ حاکمه ارتجاعی علیه حزب کمونیست و سایر سازمان
 های مترقی با دقت و جدیت خاصی مسکوت گذارد می‌شود .
 فعالیت یو . سی . آ . که از طریق ارگان‌های اطلاعاتی و خبری محلی وابسته بخود و همچنین به
 واسطه با استفاده از زرادخانه تبلیغاتی ویژه خویش یعنی نشر مجلات و رساله‌ها در امریکای لاتین و
 سازمان دادن برنامه های رادیویی و نمایش فیلم های تلویزیونی و فیلم های مستند و ایجاد " مراکز
 فرهنگی " و کتابخانه و در افران عمومی کشورهای امریکای لاتین تاثیر می‌گذارد . همه خصلت خرابکارانه
 دارد .

امریکای لاتین یکی از مراکز اساسی فعالیت یو . سی . آ . است . سه چهارم مجموع باصطلاح
 " مراکز و ولیتی " یو . سی . آ . که از طریق آنها تبلیغات تکمیل اهالی محل انجام می‌شود و در آنجا تمرکز
 گردیده است . شعبه‌ها و پایست های بیشمار یو . سی . آ . که زیر مصونیت دیپلماتیک شعبه های خبری
 و اطلاعاتی سفارتخانه‌ها و کنسولگریها خود را پنهان کرده اند همه مراکز خرابکاری ایدئولوژیک اند .
 یو . سی . آ . در جریان فعالیت‌های خرابکارانه خویش با ادارات مرکزی اطلاعات امریکا بشدت
 همکاری میکند . بنا بر اعتراف " واشنگتن پست " حداقل ۶۹ درصد عملیات مخفی اداره مرکزی اطلاعات
 طی سالهای متعددی در عرصه فعالیت ارگان‌های ارتباط جمعی و تبلیغات انجام میگرفت . این نسوع
 فعالیت آشکار تر از هر جای دیگری در شیلی خود را نمایان ساخت . در دوران حاکمیت دولت وحدت
 خلق ادارات مرکزی اطلاعات ۱۶ میلیون دلار فقط به روزنامه " مرکوریو " اختصاص داد . بگواهی روزنامه
 " نیویورک تایمز " در حد و نهایی از بودجه ای که برای انجام اقدامات مخفیانه در شیلی اختصاص یافته
 بود برای پشتیبانی مستقیم از رجال سیاسی و روزنامه‌ها و ایستگاههای رادیو که پهنای تلویزیونی
 مورد استفاده قرار گرفت . اقدامات ادارات مرکزی اطلاعات در شیلی پس از شورش فاشیستی در برده ضمیم
 تری از اسرار نهفته است . گزارش کمیته سنای ایالات متحده امریکا ویژه بررسی فعالیت‌های جاسوسی
 که طی آن یاد آور شده اند که ادارات مرکزی اطلاعات در سانتیاگو امکان استفاده از برخی از وسایل ارتباط
 جمعی را برای خود فراهم آورد . بود و تا بتواند پشتیبانی مردم را نسبت بدولت جلب کرده و به نتایج
 بهترین جهات آن نشان بدهد . فقط بخش کوچکی از این اسرار را محکم مسازد . علاوه بر این کارمندان
 اداره مرکزی اطلاعات به خواندن رهنمای " کتاب سفید " کمک کردند . این کتاب درباره تغییر حاکمیت
 در شیلی است و هدف از آن " تریزه " ساقط کردن دولت آلفه است .

محمور سنتی تبلیغات امپریالیستی در امریکای لاتین تعریف و توصیف سیستم سیاسی در ایالات متحده امریکا است. " از این سیستم بمنزله " اغلاترین محصول " سرمایه داری جهانی و " محیسار دموکراسی اصیل " یاد میشود. " مبلغین امپریالیسم در تعریف از موازین و بنیاد های سیاسی ایالات متحده امریکا و " دموکراسی " امریکا سعی و کوشش ویژه ای نشان میدهند. اگر بخواهیم مضمون این تبلیغات را بطور فشرده و مختصر بیان کنیم باید آنرا رکلام " شیوه زندگی امریکائی " نامید. در ارتباط با اندامیبری که بمنظور بزرگداشت دو سیستمین سالگرد بنیانگذاری ایالات متحده امریکا اتخاذ شده بود این تبلیغات در امریکای لاتین به اوج خود رسیدند. در آن دوران تحریف تاریخ مناسبات ایالات متحده امریکا با امریکای لاتین بیس از هر زمان دیگری تشدید یافت. " پان امریکانیسم بمنزله یگانه جریان تاریخی که گویا در برگیرنده " مفاصل ملی و آرمانهای ایالات متحده امریکا و کشورهای امریکای لاتین بطور مساویست تبلیغ میشود. " بدین نکته توجه فراوان میدول میگردید که " رسالت " ایالات متحده امریکادر " اشاعه تمدن " در نیم کره غربی و " سنن تاریخی دوستی " ایالات متحده امریکا با خلیقه های امریکای لاتین مستدل و اثبات گردد. "

سلاح عمده ایدئولوژیک و سیاسی امپریالیسم امریکادر امریکای لاتین هم مانند سایر مناطق جهان آنتی کمونیسم است. " مبلغین آنتی کمونیسم به ریشه کن ساختن کمونیسم " از طریق اعمال زور و سباز به علیه کوبای سوسیالیستی فرامیخوانند و ترور و اعمال زور علیه جنبش های ضد امپریالیستی و انقلابی و دموکراتیک را از لحاظ ایدئولوژیک تبرئه میکنند. در ضمن مقدم بر هر چیز از شیوه های جعل و تحریف شدید اخبار و اطلاعات و تهمت و افترا بشکل وسیعی استفاده میشود. " نین یاد آور میشود که " " تاثیر پرور و زاری در کارگران هیچوقت و در هیچ جا باعث ایدئولوژیک فقط منحصر نموده است. " زمانیکه تاثیر ایدئولوژیک پرور و زاری در کارگران کاهش بی یابد، " متزلزل میشوند و تضعیف میگردد. " پرور و زاری در همه جا و برای همیشه بقومید انترنشین دروغ پردازی ها و به تهمت و افترا متوسل شده و خواهد شد " (١) " شیخ تبلیغات " وحشیانه " و " تروریستی " آنتی کمونیسم در درجه اول ارکانهای ارتباط جمعی است که تحت کنترل امپریالیسم است. "

مبلغین امپریالیسم و ارتجاع امریکای لاتین مساعی ویژه ای برای اشاعه و رواج آنتی کمونیسم بکار میبرند. " تهمت و افترا ی کهنه قدیمی درباره " خطر شوروی " که این اواخر بمقیاس وسیعتری تبلیغ می شود " در قهای کاملاً مشخصه رادیکال میکند که با مصالح ملی کشورهای ایالاتین در تضاد است. و " باتلاشهای تجار و گرانه امپریالیسم تحایق دارد. " وظیفه عمده آن متصرف ساختن توجه مردم از مبارزه علیه سیاست تجار و کارانه واقعی امپریالیسم و جلب آنها به مبارزه علیه باصطلاح " خطر شوروی است. که افسانه پیشین نیست. " امپریالیسم با دامن زدن به سوسان جاسوس انگاشتن امنهخاص و تهمت و افترا درباره " دسائس سرخ " " میکوشد فعالیت های خرابکارانه افراد و سازمانهای خرابکار خود و مقدم بر همه سازمان مرکزی اطلاعات در کشورهای امریکای لاتین را از نظر مخفی کند. "

تبلیغات امپریالیستی در تلاش آنست که نسبت به سیاست خارجی اتحاد جماهیر شوروی تخم بدبینی و عدم اعتماد در دلها بکارد و در همزیستی مسالمت آمیز که در اسود و فایده یکجانبه برای اتحاد شوروی رامی بیند " ناپایداری " و " خصالت گذرای " کاهش تشنج بین المللی را تلقین میکند و اینطور وانمود میسازد که گویا کاهش تشنج بگاه اتحاد جماهیر شوروی هر لحظه امکانپذیر است. " جنگ سرد " مبدل شود. " تبلیغات امپریالیستی بدین مناسبت میکوشد دغلکارانه سیاست اصولی اتحاد شوروی در مسئله

۵. مزبستی مسالمت: آمیز کشورهای دارای سازمان اجتماعی مختلف را در نقطه مقابل امتناع قاطع آن از قبول انطباقی اصل ۵. مزبستی مسالمت آمیز در عرصه ایدئولوژی و مبارزه طبقاتی و آزاد بیخشی قرار دهد.

در شرایطی که سیاست حقیقی اتحاد شوروی و اوضاع واقعی این کشور الگوها و قالب های سنتسی تبلیغات امپریالیستی را در هم میریزد، این تبلیغات در تلاش آنست که خود را با نخبه‌پرانی که در افکار عمومی پدید آید، سازگار سازد و منظر و تحریف پایه‌های سازمان سیاسی، دولتی و اجتماعی شوروی، تجسربه ساختمان سوسیالیسم و پارتیک، ساختمان کمونیسم در اتحاد شوروی تاکنیک خود را عوض کند. تبلیغات امپریالیستی آماده است که حتی برخی از دستاوردهای اتحاد شوروی را بپندد و ولی فقط بدان منظور که استعداد خود را در سرهم بندی کردن نتیجه گیریهای ضد، و روی بار د یگربیا زما یسد.

اگر پیش از این تبلیغات ضد شوروی بطور مستروری "وضع فلاکتبار" مردم شوروی تکیه میکرد، حالا از "بدست فراموشی سپردن" آرمانهای انقلابی از طرف مردم شوروی، در باره "تغییر ماهیت دادن" جامعه شوروی و تبدیل شدن آن به "جامعه مهنوی" د پهنزند، تبلیغات امپریالیستی بالاجاب و غنا و ویژه ای اندیشه و نظریات واهی در باره سرکوب د موکراسی و آزاد بیهای فردی در اتحاد شوروی را اشتهاء میدهد. در سرهم بندی کردن این اتهامات که از جمله در کشورهای د دارای رژیم های طرفدارفاشیسم نیز مقیاس وسیع تبلیغ میشود عمل تبلیغات صهیونیست ها و ماژوتیست ها هم بطور فعال شرکت میورزند.

فقدان منطق و استدلال در ایدئولوژی طرفداران امپریالیسم و ناتوانی آنها در طرح برنامه های مثبت و شعارهای جذاب برای توده های انبوه مردم آنها را ناگزیر میکند که مرکز ثقل فعالیت خود را از مضمون تبلیغات به رنگ و روغن زدن به اشکال و شیوه های آن منتقل سازند. امپریالیسم میکوشد، نقد آن اندیشه هائی را که بتواند توده های امریکای لاتین را جلب نماید، با ششیدگئی و تکمیل کیفی مجموعه کمونیسم تاثیر تبلیغاتی جبران کند. هر قدر بحران اساسی ایدئولوژیک تبلیغات امپریالیستی در امریکای لاتین عمیق تر است، برعلاقمتمایل ارگانهای تبلیغاتی هم بمنظور جبران فقر معنوی با انواع شیوه های تجا و زکارانه تاثیر در افکار عمومی افزود، میگردد.

یکی از سنت های مشهور فکرواندیشمترقی اجتماعی و مطبوعات د موکراتیک کشورهای امریکای لاتین نیش قلم روزنامه نگاران و نویسندگان در افشای پی آمده های هلاکت بار صد و ایدئولوژی از طرف بیگانگان و ویژه امریکای شمالی است. پایه گداران این سنتن لیدرهای مبارزات آزاد بیخشی ملی علیه یوغ استعمار بودند. موضع ضد امپریالیستی، ضد الیگارشوی و ضد خرافی و آزاد اندیشی جوشان و فعال و ارتباط نزدیک با مبارزه خلق با علیه استثمار و خودکامگی و ستم بیگانگان از خصائص خلاقیت مشهورترین روزنامه نگاران امریکای لاتین در گذشته است.

مقدم بر همه مطبوعات احزاب کمونیست کشورهای امریکای لاتین و ارث قانونی وادامه دهند سنن مطبوعات مترقی ایام گذشته اند. ارگانهای مطبوعاتی احزاب کمونیست آرانتین، و ونزوئلا، کلمبیا، کستاریکا، مکزیک، پرو و اکوادور به عوامل ذی نفوذ تاثیر در افکار عمومی مبدل شده اند. در آند ستمه از کشورهای امریکای لاتین هم که احزاب مارکسیست - لنینیست در حالت غیرعاشی بسر میبرند، حتی فوق العاد مترن تنقیق و فشارها هم قادر به خاموش کردن صدای مطبوعات کمونیستی نیست. برغم دشواری آمیزترین ترورها که زندگی خوانندگان را هم بمخاطره می افکند ارگانهای رزمند مطبوعات کمونیستی در برزیل و اوروگوئه و شیلی، گواتمالا و سایر کشورهای بطور مخفی چاپ و منتشر میگردد.

مطبوعات کمونیستی کشورهای امریکای لاتین با سرپلندی و صاف قانه نقش کنونی خود را ایفا میکنند. این نقش مانند "د م عظیم آهنگری است که در جرقه مبارزه طبقاتی و دشمن و اعتراض خلد را به آتش

سوزی همگانی میدن میکند " و این همان نقشی است که لنین در سرفاز قرن بیستم به روزنامه " ایسکرا " (جرعه م) محول کرده بود . این مطبوعات بعلت قاطعیت خود در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع صد اقت و شرافت روزنامه نگاری ، علاقه و توجه به رفاه و آسایش مردم زحمتکش و تبلیغ اندیشه های دموکراسی و ترقی اجتماعی میان خوانندگان ارج و اعتبار فراوانی بدست آورده است و مرتباً خوانندگان خود را بسا زندگی خلفهای کشورهای سوسیالیستی و موفقیت های مردم شوروی آشنا میکند .

سایر ارگانهای مطبوعاتی مرفقی و از جمله روزنامه ها و مجلات لیبرال که از نفوذ معینی میان مردم برخوردارند نیز در ردیف نشریات احزاب کمونیست و انحصار ارگانهای وسایل ارتباط جمعی طرفدار امپریالیست ها را در زمین نفوذ و تاثیر و دافکار عمومی بهم میزنند . برخی از اقدامات دولتهای بعضی از کشورهای امریکای لاتین در عرضه ایدئولوژی هم برای مقصد آمیزترین مظاهر تبلیغاتی امپریالیستی محدود و بی شمار می آید . کنفرانس چند کشور امریکای لاتین ویژه مسائل مربوط به سیاست آنها در مورد وسایل ارتباط جمعی کشورهای خود و نحوه دریای کارائیب که بابت کار یونسکو در سال ۱۹۷۶ در سن خوزه (کستاریکا) برگزار گردید از سیاست توسعه طلبی و تجار و کارانه ایدئولوژیک ایالات متحدہ امریکا در قاره ی شدت انتقاد کرد . قرار کنفرانس مبنی بر تاسیس پنگاه خبرگزاری امریکای لاتین که پایتخت مرکز خبری و اطلاعاتی کشورهای غیر متعهد همزمان بود موضع مشترک " دنیای سوم " در مسئله " استعمارزدایی اخبار و اطلاعات " را منعکس میکند .

فعالیت ارگانهای خبری کشورهای سوسیالیستی و سازمانهای اجتماعی دموکراتیک بین المللی و ارگانهای مطبوعاتی آنها به افشای تبلیغات امپریالیستی کمک میکند . رفیق برنفت در گزارش کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی به بیست و پنجمین کنگره حزب یاد آور شد که : " تغییرات مثبت در سیاست جهانی و کاهش تشنج امکانها تساعدی برای انتشار اندیشه های سوسیالیسم بمقیاس وسیع بوجود می آورد . ولی از سوی دیگر تیرید ایدئولوژیک دوسیمم هر چه شدیدتر میشود و تبلیغات امپریالیستی هم ماهرانه تر و دقیق تر میگردد .

در مبارزه میان این دو جهان بینی برای بیطرفی و سازش محلی وجود ندارد . در این جریان کشیماری فرمان سیاسی و کارت تبلیغاتی زیاد و قوری و شمر بخش و مقنع از ضروریات است و مقابله بموقع با خرابکاری های ایدئولوژیک خصمانه را ایجاب میکند " (۲) .

امکانات لازم برای تحقق وظیفه ای که بدان اشاره شد ، مقدم بر هر چیز ، در سرشت عینی جنبش کمونیستی جهانی و جامعه سوسیالیستی و در نیروی پیروزمند اندیشه ای مارکسیستی - لنینیستی و در واقعیت سیاست خارجی کشورهای سوسیالیستی که صلح خواهی و دادگری آن برای جامعه بشری به اثبات رسیده ، نهفته است .

۱ - لنین و مجموعه کامل آثار (بزبان روسی) ، جلد ۶ ، صفحه ۱۷۱ .

۲ - ل - برنفت ، باخشا مشی لنینی (بزبان روسی) جلد ۵ ، مسکو ، انتشارات سیاسی ، ۱۹۷۶ ، صفحه ۵۳۳ .

ورشکستگی رفورمیسم بورژوازی و راهی که کمونیست‌ها پیشنهاد میکنند

ریگو بسترپالاریا

معاون دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست هند و راس

یکی از مسائل عمده‌ای که در سوهین کنگره حزب کمونیست هند و راس که چندی پیش برگزار گردید مورد بررسی قرار گرفت، تهیه و تدوین تاکتیک و استراتژی حزب در شرایط تازه‌ای بود که پس از آنسکه ورشکستگی خط‌نشی بورژوازی رفورمیستی پیشرفت اجتماعی در کشور ما کاملاً آشکار شد، موجود آمد هاست رفورمیسم بورژوازی در هند و راس برای نخستین بار بمطابق نیروی سیاسی پس از کودتای چهارم دسامبر ۱۹۷۲ به صحنه آمد. دولت نیروهای مسلح که آن موقع تحت ریاست ژنرال لویس آلیانو حکومت را در دست گرفت برنامه ملی پیشرفت یا برنامه دگرگونیهای بنیادی اجتماعی (۱) را عرضه کرد که تحقق آن میتوانست پایه‌های سلطه الیگارشی رافورمیزد الیگارشی از سالهای ۷۰ قرن گذشته بشکست و ما حاکم است. خط‌نشی دولت تازه با منافع آن بخش از بورژوازی توافقی داشت که خواستار مدرن کردن ساختار اقتصادی و سیاسی جامعه از راه رفورم‌هایی است که موجب پیشرفت سرمایه داری رافراهم می‌آورد. حزب ما این بخش از بورژوازی را بورژوازی اصلاح طلب (رفورمیست) و دولت نیروهای مسلح را بمطابق دولت رفورمیستی بورژوازی می‌داند. ما آن قسمت‌هایی از برنامه دولت را پذیرفته و مورد پشتیبانی قرار داده ایم که جنبه مترقی داشتند و منعکس‌کننده نیازمندیهای واقعی مردم و منافع جنبش انقلابی هند و راس بطور کلی بودند. در عین حال حزب کمونیست هند و راس هشدار میداد که پروژه‌ای را که آغاز شده نباید غیرقابل برگشت بشمار آورد و که خطر احیای حاکمیت الیگارشی بورژوازی و مالکان بزرگ هنوز از بین نرفته است و بورژوازی رفورمیست در اقدامات خویش پیگیر نیست، متعایل بسازندکاری با محافظان الرجاعی است و از تشدید فعالیت سیاسی طبقه کارگر هراسان است (۱). پنج سالی که گذشته است منسقی و مستدل بودن تذکرات ما را تا بیاید کرد؛ دولت لویس آلیانو قادر به انجام وعده‌هایی نبود که در نخستین مرحله جنبش نارگران، دهقانان، روشنفکران، دانشجویان، بخشی از بورژوازی صنعتی و بخشی از افسران جزو را رشد راپسوی وی جلب کرد.

در این باره باید شرح بیشتری بدیم.

- (۱) مهم‌ترین قسمت این برنامه اصلاحات ارضی بود که طبق آن ۱۱۰ هزار خانواده روستائی طی مدت پنج سال صاحب ۶۰۰ هزار هکتار زمینی میشدند که از آن مالکان بود و باید مصادره میشد. در برنامه راه‌های حل مسئله مسکن، پیرو بود وضع بهداشت، پیشرفت صنایع، مبارزه با بیسوادی و حفظ ثروت‌های طبیعی و جنگل‌ها هم پیش بینی شده بود.
- (۲) رجوع کنید به مقاله "پارلیا: پروژه گسترش و تعمیق دگرگونی راس" - "سؤال و جواب" شماره ۱۲ - سال ۱۹۷۴.

پلنوم پانزدهم کمیته مرکزی حزب ما (سال ۱۹۷۴) ضمن تأکید بر مضمون طبقه‌ای برنامه، این بیانیه را به عنوان جزئی از برنامه‌های که مقدم بر هر چیز با منافع بورژوازی رفورمیست تطبیق دارد، یادآور شد که هرگاه تداومی در ولت‌تیروهای مسلح در داخل کشور داشته باشد، انجام آنها مستطوب ریگ‌ریختن تحقق پذیرد، مبارزه انقلابی منبسطه کارگر، ده‌هنگامان و تمام مردم اعتدای تازه‌ای خواهد یافت. تحکیم سازمان‌های اجتماعی نظیر سندیکاها، تعاونیه‌ها و سازمان‌های روشنفکرانه و غیره و غلبه بر تفرقه و پراکندگی توده‌ها (که اقداماتشان تا آن زمان جنبه خود بخودی و سازمان نیافته داشت) هم میتوانست از نتایج چنین گام مثبتی باشد. این اقدامات در عین حال بر شدت آگاهی ضد امپریالیستی و ضد الیگارش‌ی توده‌ها، بسط آزادیهایی در مکتوبات بورژوازی و لذا به بی اعتباری احزاب سنتی سیاسی لیبرال و ملی (در افکار مردم میانجامید. به همین سبب ما در راه بسیج مردم مبارزه در راه تحقق هر چه سرپرست اصلاحات ارضی، برگرداندن اختیارات به عهده اقتصاد که در دست انحصارهای بین المللی بود به کشور، در راه برقراری نظارت شدیدتری بر ارزخارجی که در دست وهبای کمپانیهای امریکای شمالی بمصورت درآمد ربح و نظایر اینها به نشین میشود، بخاطر لغای امتیازهای اقتصادیک مشت سرمایه دار و دلال، در راه طغی ساختن احزاب سیاسی و از جمله حزب کمونیست که پشتیبان تداوم پیرودت و مخالف الیگارش‌ی و امپریالیسم اند و بالاخره در راه پیروی از خط مشی مستقلی در سیاست خارجی بشدت فعالیت میکردیم.

تا کنیک حزب ما عبارت از این است که الیگارش‌ی سنتی را منفرود سازد، مانع از آن گردد که حاکمیت دوباره بدست وی افتد و شرایطی فراهم آید تا نیروهای اجتماعی و سیاسی تازه در حل و فصل مسائلی که کشور ما با آنها مواجه است موثر واقع شوند. حزب کمونیست هند و راس‌الذولت لوپس آریلیانو خواست که علیه الیگارش‌ی و امپریالیسم تداوم بیبرج‌ی اتخاذ کند و مردم را به آمادگی و هشیاری فراخواند زیرا چپ‌گرایان افراطی بهیچوجه سلاح را زمین ننهادند. ما از ایجاد جنبه‌ها و سیخ توده‌ای به اشتراک تمام نیروهای که در تحقق و تعمیق اصلاحات اجتماعی کنونی نینفخاند پشتیبانی کردیم. حزب در عین حال مبارزه با ایدئولوژیک در تمام رشته‌های فعالیت خود را بمنظور مقابله با تبلیغات شدید راست‌گرایان افراطی و چپ‌گرایان افراطی علیه برنامه اصلاحات، تشدید کرد. آنها این برنامه را برنامه‌ای "طرفدارشوی روی" اعلام کردند که گویا مالکیت خصوصی را در عزم فرو میریزد و به هرج و مرج و آنارش‌ی منجر میگردد.

ولی بورژوازی اصلاح طلب که خیلی دیر در عرصه تاریخ هند و راس‌الذولت آمد فاقد نیروی اقتصادی بود و به همین علت نیز جسارت سیاسی کافی نداشت. این را نیز باید در نظر داشت که این بخش بورژوازی در آغاز حقیقی برنامه‌ای برای فعالیت خود نداشت. دولت لوپس آریلیانو پیش از یک سال وقت خود را صرف تهیه و تنظیم برنامه‌ها و دولت کرد. بورژوازی رفورمیست پس از آنکه بالاخره برنامه خود را اعلام کرد، قادر به انجام آن و جلب مردم بسوی خود نبود و علاوه بر این دستگاه اداری سیاسی هم برای سازمان دادن اقداماتش در پشتیبانی از برنامه‌ها، دولت در اختیار نداشت. در نتیجه این، انجام اصلاحات اجتماعی به تصمیمات فرماندهی نظامی و در درجه اول با اصطلاح شورای عالی نیروهای مسلح بستگی داشت (هریک از امپریالیست‌ها و دولت در این شو را مطرح میگردد و به رأی گذاشته میشود). بورژوازی رفورمیست جز آنکه نکرد منافع اقتصادی الیگارش‌ی مالکان را عمیقاً بخطر ناندازد. درد سنگاه‌های دولتی هم در گرونی بوجود می‌آورد، در نتیجه این هم در تحقق برنامه‌های آن اغلب عداوت خیر میشد و دستگاه کینه‌دولتی در این کار آشکارا تخریب میگردد.

دولت لوپس آریلیانو که از طرف امپریالیسم زرفشار گذاشته شده بود و از تهدیدهای محاسف نظامی و الیگارش‌ی کشورهای همسایه (تیکاراگوئه، سالوادور و کوبا) که نهمه‌تداخله نظامی به پائنه پایان دادن به "هرج و مرج" در هند و راس‌الذولت بود و در وقت افتاد بود پس و ن

قاصحیت عمل میکرد و استواری از خود نشان میداد و ناچار از وعده هائی که به مردم داده بود هر چه بیشتر وعده ول میکرد. * بوژیروازی رفرمیست هم از شد سریع جنبش خلق و خواستههای بازنگری در مسائلی مالکیت و درو ستها بهم زده بود و از این میترسید که جنبش کارگری که استحکام یافته و پیشتاز سیاسی ویژه خود را داشت بعد از حل مسئله مالکیت خصوصی رابطو رکل مطرح کند. * در نتیجه این بخش از بوژیروازی عمل برنامه خود را بد و رافکتند و درصد همکاری بالاتیفو ندمیستهای محلی و انحصاری بین المللی برآمد.

از طرف دیگر باید اعتراف کرد که جنبش دموکراتیک هم بطور کلی در نتیجه عدم کفایت سازمان یافتگی صفو (از جمله عقبه کارگرو حزب آن) قادر به رواروئی با فئسارو تعرض چپ گرایان افراطی نبود. * ماهم نتوانستیم راه و خطمشی ویژه خود را که عبارت از ایجاد دولت توده ای دموکراتیک بود بپسردم. پیشنهاد کنیم * چنین دولت می توانست دگرگوئیهای بنیادی در ساختار جامعه بوجود آورد که فوئی - الحاده برای کشور ضرورت داشت و هدف آن در درجه اول الحاق سلطه امپریالیستی و الیگارش و سپس باسانی گذار به ساختمان جامعه پیشرفته تری بود. * ارتجاع یا استفاده از این شرایط به حمله متقابل پرداخت تا در پهره سهای که در نتیجه اشتراک روزافزون توده های زحمتکش در آن به خطر جدی برای خود سیستم میدل میشد بی ثباتی و زلزله بوجود آورد. * ضرورت مهم تحویض حاکمیت محافظه لاتیفوند نیست. * گرنه "یا حاکمیت پرتحرک تریو روژی" تازه "باین شرط که مانع توسعه طلبی نو استعماری ایالات متحده آمریکا نشود در آخرین تحلیل بصورت "تجربه اجتماعی" بسیار خطرناکی در آمد. * نفوذ شدید سرمایه خارجی بمنظور سرمایه گذاری در اقتصاد کشور آغاز شد. * تحویض کارمندان فنی میهن پرست با متخصصینی که با ربابان خویش و فادار بودند و از طرح "دسارولیسیم (۱) پشتیبانی میکردند تحقیق پذیرفت. * راست گرایان اعتصاب بره انداختند. * به دسیسه و توطئه آشکار سیاسی دست زدند. * هر چه نیمه نظامی سازمان دادند که قتل رهبران کمونیست و دموکرات را بحدیه داشتند. * به ضرب و جرح کارگران و دهقانان (تالانکرا و لیاکوره) و حتی روحانیون پرداختند و بکلی اعتصاب شکن ها تعاضی های روستائی و سندیگهارا باین بهانه که آنها گویا "منبع اقدامات خرابکارانه" بوده اند مورد حمله و غارت و چپاول قرار میدادند (مانند رویدادهای ایستاس ویا سوترا فسکو). * مترجمین که بمقاومت جدی توده های زحمتکش رو بر میشدند بتعلیقات شدید ضد کمونیستی که از روشهای رایج دوران "جنگ سرد" بود متوسل میشدند. * این تبلیغات که بشکل لازم تدارک شده و بطور سخاوتمندانه ای از لحاظ مالی تامین شده بود به نوعی "جنگ صلیبی" علیه نیروهای دموکراتیک تبدیل شد. * هراتکار مترقی بمنزله خرابکاری که هدف از آن حمله به مالکیت خصوصی مقدس است ارزیابی میگردد. * هرگونه تدبیر اصلاح طلبانه ای "مردمداری ساده لوحانه" اعلام میشد و هر آنچه به برنامه ملی نیروهای مسلح مربوط بود (به ویژه اگر آنها را تدابیر مثبتی بشمار می آوردند) سو قصد علیه حقوق انسانها. * تهدید مالکیت خصوصی و "مدل طرفدار شوروی" خطرناک قلمداد میگردد. * تفرقه پراکنگی نیروهای توده ها و فقدان جبهه گسترده توده ای که نه فقط بد فاج از دست آورد های مردم برمیخاست. * بلکه سد نیرومندی در مقابل توطئه گران میبود. * عملیات کسانی را که دست اندر کار تدارک کودتای فاشیستی بودند تسهیل میکرد.

دولت لوپس آرلیانو که پشتیبانی توده های مردم همراه خود را فریب خورد. * میدانستند از دست

۱ - اصطلاح "دسارولیسیم" از کلمه اسپانیائی Desarrollo بمعنی سیاست ایالات متحده آمریکا در کشورهای وابسته است. * هدف آن حفظ نظارت و کنترل امپریالیستی در این کشورهاست. * اساس "دسارولیسیم" را آن تئوریهای ایدئولوژیکی امپریالیسم تشکیل میدهند که خواهستار چنان تغییراتی در اقتصاد کشورهای کم رشد است که شرایط مساعد تری برای رسوخ سرمایه انحصاری بوجود میآورند.

داده بود و تضاد های درونی آنرا تضعیف کرد. بود آ آوریل سال ۱۹۷۵ از کارکنانش جدا شد و دولت با اصلاح سرهنگ ها که ملگرا کاسترو در رأس آن بود زمام امور را در دست گرفت. این اقدام نخستین حلقه توطئه سیاسی بود که از طرف راستگرایان افراطی و انحصارها بمنظور تخریب د پپرو سه رفوم بورژوازی سازمان داده شده بود. ملگرا کاسترو با پیروی از خط مشی دست یافتن به باصلاح رشد اقتصادی از ایجاد درگونیهای بنیادی در ساختمان جامعه صرف نظر کرد. اصلاحات ارضی که استقرار سیستم تازه استفاده از زمین را شامل میشد بتدریج به اصلاحات در "کشاورزی" مبدل شده که عملاً چیزی بد هفانان نمیداد. تحقق برنامه هائی که دولت سابقا برای رشد و تکامل صنایع ذوب فلز، ساختمان مؤسسات شیمیائی، افزایش تولید شیشه، جام و استخراج معادن غیر فلز در نظر گرفته بود متوقف گردید. طرحهای ایجاد مجتمع های تولید انرژی از آب در الکالیون و مرکز توربینی توناسال، ساختمان کارخانه های تولید کاغذ و غیره بسو دکمپانیهای خارجی تخییر کرد. دولت مملکت کاسترو وابستگی کشور را در نتیجه سو استفاده از وام های اسارت آوری که سرمایه آمریکای شمالی میدهد تشدید کرد. هند و راس در حال حاضر بیش از هر وقت دیگری در طول تاریخ خود مفرض است. (۱)

این امر با همبالیسم امکان میدهد شرایط خود را بکشور ماتحلیل نماید و برنامه های پیشرفت آنرا در جهت دیگر بسو د انحصارهای ایالات متحده، آمریکا سو ق دهد. امریکالیسم در ردیف خواسته های دیگر خود دروی کاهش هزینه های دولت از طریق اخراج دسته جمعی کارگران و کارمندان از کار و افزایش مالیاتهای مستقیم و غیر مستقیم، برقراری حد اکثر سطح درآمد نقدی برای بنگاههای دولتی که از اعتبارات خارجی استفاده میکنند و نظایر این اقدامات اصرار میورزد. هدف و مقصود نهائی از تمام این خواسته های است و آن تا همین با زهداخت و امها و ربح مترتب بر آنها است. بدین ترتیب شرایط برای رسوخ هرچه بیشتر سرمایه آمریکای شمالی در کشور ما فراهم میگردد.

دولت کنونی تحت فشار ارتجاع خارجی و داخلی به تضییق و فشار و اقدامات فیردموکراتیک دست میزند و از شعار همواره علیه "خطر کمونیزم" و علیه "نفوذ حزب کمونیست هند و راس در ارگانهای دولتی و ارتش" همانند دستاویزی استفاده میکند. تبلیغات شدیدی که طی ماههای اخیر علیه "افسران کمونیست" آغاز شده است، جزئی از برنامه ارتجاع بمنظور ایجاد بدگمانی و سو ظن و کاشتن تخم نفاق و تحریک میان اعضای شورای عالی نیروهای مسلح، ایجاد تفرقه ویراندگی، برکنار ساختن افسران مترقی که به برنامه رفوم و فادارمانده اند و تحکیم صفوف ارتشیان مرتجع و گروههایی است که میخواهند روحیه تسلیم و رضاد برابرا لیا رشی و پنتاگون را در ارتش زنده کنند.

حزب کمونیست هند و راس بر این عقیده است که بخشی از نظامیان در آینده ممکن است به مردم بپیوندند. ولی امروز آندسته از افسران غالب آمده اند که طرفدار سیاست نو استحصاری اند که بکمک لیدرهای زرخیدی از قبیل رهبران سابق اتحادیه های بوروکرات منش و پپرو رش یافته مؤسسات امریکائی پیشرفت سندی کالیسیم آزادی اعصال میشود.

بدین ترتیب دیده میشود که بورژوازی اصلاح طلب (رفومنیست) در هند و راس متحد و دیست امکانات سیاسی خویش را نشان داد. پپرو سه گسترش دموکراسی که وسیله لیدران آن باتر س و لرسز تحقق مییافت میوقف شده است. خطر به حاکمیت رسیدن دولتی فاشیستی، نظیر آنچه در سایر کشورهای امریکای مرکزی اتفاق افتاد، پدید آمده است و تضییق و فشار ممکن است تشدید گردد. بهمین سبب است که سو مین کنگره حزب ماد رماه سال جاری تشکیل شد با این نتیجه رسید که تجدید نظر در خط مشی سیاسی کمونیستها ضرورتی فوری و فوری مبدل شده است.

(۱) در سال ۱۹۷۶ قرض دولت به ۵۳ درصد محصول سرانه ملی بالغ گردید.

دیو نیسیو راموس بهارنو د بیرکل کمیته مرکزی حزب ماد رگزارش خود به کنگره ازد و خط مشی متضاد برای آینده کشور ماسخن گفت: یکی مشی دشمنان خلق ما امپریالیسم و الیگارشئ بورژوازی و مالکان که در تلاش اند تا ساختار کنونی اقتصادی و سیاسی را حفظ کنند؛ دومی مشی توده های مردم که خواستار ایجاد تغییرات بنیادی در اقتصاد کشور و تحولات اجتماعی - سیاسی مترقی اند. برای تحقق پیگیرمشی توده های مردم انجام انقلاب ضد امپریالیستی، ضد الیگارشئ، دموکراتیک و خلقی ضروری است. (دربرنامه ای که به تصویب کنگره سوم حزب کمو نیست هند و راس رسیده هدهد فها و وظایف مشخص این انقلاب بدقت محین شده است). اپوزیوی از چنین استراتژی که برای مدت کم و پیش طولانی در نظر گرفته شده است، در عین حال معتقدیم که همین امر زیاد راه و شیوه دیگری را یافت که برای خروج از بحران سیاسی کنونی شرایط و امکان فراهم آورد و مردم را برای مبارزات تندید و ناطع آماده سازد.

کنگره سوم ماد رشرایطی که پروسه رفورسم بورژوازی به بن بست رسیده و دولت نیروهای مسلح ارج و اعتبار خود را از دست داده، انجام انتخابات همگانی دموکراتیک را پیشنهاد کرد. اشتراک توده های مردم در چنین انتخاباتی امکان میدهند تا از نیروی محافظ ارتجاعی که در تلاش برقرار ری رژیم فاشیستی اند ممانعت بعمل آید. علاوه بر این انتخابات به انجام بحث و مذاکره آزاد و دموکراتیک مسائل اجتماعی و راه برای حل و فصل آنها که از طرف طبقات مختلف اجتماعی و احزاب سیاسی و از جمله حزب کمو نیست هند و راس پیشنهاد میشود، کمک خواهد کرد.

ماد رضمن خواستار تصویب لایحه ميسو ط قانون انتخاباتیم قانونی که بر اساس آن تمام احزاب سیاسی احم از به ثبت رسیده یا به ثبت نرسیده و تمام سازمانها و همچنین کاندید های مستقل بتوانند در انتخابات شرکت کنند، ماسخو استرالگو قوانین غیر دموکراتیک و ممانعت از تسل بزور، تقلب و جعل و تحریف در جریان رای گیری هستیم.

حزب کمو نیست هند و راس در عین حال تمام کسانی راکه خواستار تجدید سازمان نیروهای دموکراتیک و توده ای اند و از جمله نمایندگان کلیسا و ارتش را به کوشش در راه ایجاد جبهه واحد، تشکیل مجلس مومسان و تهیه و تنظیم قانون اساسی (برای تثبیت دگرگو نیهای بنیادی اجتماعی و دموکراتیکی که تا کنون تحقق یافته) فرامیخواند. ما از ایجاد بلوک نیروهای اجتماعی و سیاسی که تشکیل یک دولت دموکراتیک، بر پایه اجتماعی گسترده ای را برای مردم تا مین کند پشتیبانی میکنیم. ضیفه چنین دولتی عبارت از اتخاذ تدابیر فوری برای حل و فصل مسائل بحرانی خواهد بود که کشور ما با آنسهارو پرواست؛ تحقق دگرگو نیهای بنیادی در ساختار جامعه که هنوز هم بصورت ضرورت تاریخی پیشرفت با بقوت خود باقی است، از جمله این مسائل است.

ما با عرض این مشی استراتژیک در عین حال میدانیم که ممکن است شرایط غیر منتظره ای پدید آید که تخییر و تحول تاکتیک ما را ایجاد کند. از جمله این راهم غیر ممکن نمیدانیم که فعالیت گروههای هرچ و مرج طلب راستگرا و چپ گرای افراطی آنها را بر اه ترور بکشاند. ما با ترورنه فقط باین سبب مخالفیم که اقدامات نیروهای زورگو و ستمگرا تسهیل میکند، بلکه مقدم بر هر چیزی باین دلیل که مانع اقدامات سازمان یافته توده هامیگردد و به ایجاد محیطنا مساعد برای مبارزان راه خلق کمک میکند.

تجربسه طولانی و تلخ ما گواه بر این است که تنها داشتن عزم و اراده برای تحقق آنچه مطلوب ما است به واقعیت کفایت نمیکند. به نسبت بسط و تکامل مبارزه طبقاتی همچنین می باید با در نظر داشتن وظیفه ایجاد حزب به گرد آوری نیرو پرداخت؛ آنهم حزبی که بنا بگفته لنین توانائی آرا داشته باشد که در راه جنبش قرار گیرد و با مهارت عملیات اعتراض اجتماعی را رهبری کند و مبارزه در

راه نیازمند یبهای حیاتی مبرم را به خواستهای باضمون بزرگ اجتماعی به مبارزه ای عظیم در راه دمو-
کراسی، ترقی اجتماعی، استقلال ملی و سوسیالیسم مبدل نماید.
ما کمونیستهای هند و راس همانطور که در قطعنامه "سیاسی سومین کنگره" حزب ما نشان داده
شده، از آزمایشهای جدی متحد تر بد آمدیم. ما بیش از هر زمان دیگری یقین داریم که حزب ما با اتکا به
پشتیبانی و همبستگی جنبش بین المللی کمونیستی، دیریا زود به هدفهای بزرگ و تاریخی که در مقابل
خود دارد دست خواهد یافت.

پاسخ به نامهٔ يك دوست

نامه ای بتاريخ ۱۷ اردیبهشت ۱۳۲۷ از یکی از خوانندگان نشریه ما بد فتر مجله رسید. است. نویسنده
نامه پس از قدردانی از کارهای که انجام میشود چند مسئله را هم بشرح زیر مطرح کرده است:
۱ - در متن مقاله های لغاتی برخورد میشود که فارسی نیست و خواننده ایرانی را دچار
اشکال و سردرگمی میکند.

۲ - نویسنده از ما خواسته است تاریخ اولین انتشار هر مقاله ای کتر ترجمه شده و منببع
اصلی آنرا در انتها یا ابتدا ی مقاله ذکر کنیم.
باتشکر از خواننده ارجمند مجله با اطلاع ایشان و تمام خوانندگان نیز سانبیم که مانیز حد اکثر
کوشش را بکار میبریم که تا آنجا که ممکن است از لغات و اصطلاحات فارسی استفاده کنیم و اگر
در متن مقاله ها بکلماتی برخورد میشود که فارسی نیست و صرفا باین دلیل است که یا آن
کلمه خارجی و دیگر در زبان فارسی هم معمول و متداول شده است و یا آنکه معادل فارسی
معروف آن تاکنون بوجود نیامده است. در آینده هم ما کوشش خواهیم کرد تا حد و امکان
معنی لغات مشکل و ناموس نوشته شود.

در همین حال ما خوانندگان مجله و سایر انتشارات حزب توده ایران را به مطالعه نشریه
"واژه های سیاسی و اجتماعی" از انتشارات حزب توده ایران که چند سال پیش انتشار
یافته راهنمایی میکنیم.

تاریخ انتشار و منبع مقاله هایی که در مجله "مسائل بین المللی" درج میشود و همه آنها
ترجمه از مقالات مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم" است. پشت جلد هر شماره مجله قید
شده است.

در پایان یاد آور میشویم که اگر خوانندگان این مجله سئوالاتی در حدود مضمون و مطالب
مجله ما داشته باشند وسیله نامه با ما در میان بگذارند و ما با نهایت میل بپاسخ جواب
خواهیم داد.

مسابقه تسلیحاتی بچه قیمتی تمام میشود

در این اواخر در صفحات مطبوعات و گزارش‌های مراکز پژوهشی و سازمان‌های اجتماعی اخبار نگرانی آوزیادای انتشار می‌یابد که حاکی از آن است که کشورهای امپریالیستی بدون توجه به توافق‌هایی که تاکنون در مورد محدود ساختن و قدغن کردن انواع محتملی از سیستم‌های تسلیحاتی بدست آمده به مسابقه تسلیحاتی ادامه می‌دهند. هزینه‌ای که صرف تسلیحات می‌گردد هم اکنون از رقم واقع‌انجوی ۳۵۰ میلیارد دلار تجاوز میکند.

به آتش این سیاست که با خطرناکترین پی‌آمدها برای صلح جهانی همراه است، محافل امپریالیستی ایالات متحده و آمریکا در این میزینند. تابستان سال جاری مجله‌نمایندگان کنگره آمریکا بود چه نظامی سال مالی آینده را می‌بازان (۱۱ میلیارد دلار بته ویب‌رسانید. با تریچه به بودجه و اعتباراتی که از طرف سایر داترو موسسات برای ایجاد یک سلسله سیستم‌های تازه تسلیحاتی ساختمان‌های نظامی و پژوهش‌های نظامی قبلا بته ویب‌رسید و بودجه کل ایالات متحده و آمریکا در سال مالی ۱۹۷۸ به بزرگترین رقم در طول تاریخ کشوری یعنی به ۱۱۸ میلیارد دلار بالغ می‌گردد. بجای است یادآور شویم که در سال ۱۹۴۵ بودجه نظامی ایالات متحده و آمریکا ۱۲ میلیارد دلار بود. بدین ترتیب در حال حاضر این بودجه تقریباً ده برابرشده است.

افزایش مستمر هزینه‌های نظامی از ویژگی‌های تمام کشورهای ناتواست. کشورهای سوسیالیستی هم در مقابل تدارکات نظامی محافظ امپریالیستی ایالات متحده و آمریکا و تمام کشورهای ناتوانا چارند مبالغ چشمگیری برای تقویت قدرت دفاعی خویش بصرف برسانند. علاوه بر اینها مسابقه تسلیحاتی با رسانیسی بدوین خلق‌های کشورهای در حال رشد است.

توپ بجای نان
موشک بجای مدرسه

بطوریکه از آمار و ارقام موجود برمی‌آید در دنیاى معاصر ۸۰۰ میلیون بیسواد وجود دارد. نیم میلیارد انسان در گرسنگی دائمی بسر می‌برند. در ضمن پولی که بصرف تسلیحات و نیروهای مسلح می‌رسد تقریباً دو سوم مجموع محصول ناخالص ملی کشورهای است که رویهمرفته نیکی از افراد جامعه بشری را در بر می‌گیرند و اینها فقیرترین و گرسنه‌ترین افراد روی زمین اند که هیچگونه دسترسی به مدرسه و تحصیل ندارند. کارشناسان حساب کرده اند که با هر ۱۰۰ میلیارد دلار که به صرف تسلیحات می‌رسد یعنی تقریباً با پنج ششم مبلغ رسمی اعلام شده ای که امروزه در ایالات متحده و آمریکا برای تسلیحات خرج میشود (۱) میشد:

۱. اینجاقفظ صحبت از بودجه رسمی نظامی است، ولی تجربه نشان میدهد که این بودجه هیچ‌چوچه نشان دهنده تمام مبلغی که صرف تسلیحات میشود نیست. بطور مثال معلوم شده است که هزینه لازم برای تهیه بمب‌تورپدنه از بودجه پنتاگون بلکه از بودجه اداره پژوهشها و طرح‌ریزی‌نرزی‌تایم میشده است.

(مانند نیز نویس در صفحه بعد)

- ۳۰۰ نیروگاه برق که قدرتهایک از آنها ۱۲۰ هزار کیلووات باشد ، ساخت و
 - ۳۰۰ پالایشگاه و کارخانه تولید مواد نفتی بوجود آورد که هر یک سالانه ۲۵۰ هزار تن نفت را تصفیه کرد و مورد استفاده قرار دهد و
 - ۱۰۰۰ کارخانه کود شیمیائی تأسیس نمود و
 - ۲۰۰ کارخانه تهیه کاکوچک مصنوعی که قدرتهایک از آنها ۲۵ هزار تن باشد ، ایجاد کرد و
 - ۱۶۰۰ کارخانه قند ساخت که هر ساله همانقدر قند تولید کند که در سال ۱۹۵۸ در تمام جهان تولید گردیده است .
- در جدول زیر ما چند نمونه از آنچه را که میتوان با امتناع از تولید این یا آن سلاح ایجاد کرد شرح می دهیم (رجوع کنید به جدول شماره ۱)

جدول شماره ۱

نوع سلاح	قیمت تقریبی بمیلیون دلار	هزینه های عمده آن برای تحقق هدف های عام المنفعه
بمب افکن " " "	۸۰	۱۶ بیمارستان
زیر دریائی اتئی از نوع " تری پنت "	۱۵۰۰	۴۱۶ مدرسه
موشک قاره پیما	۱۵-۲۵	۵۰۰ کلاس درس
ناو هوا پیما بر	۹۰۰	۹۰ هزار آپارتمان

مبارزان راه صلح در جمهوری فدرال آلمان در نشریات خود ارقام جالب زیر را هم می آورند :

تانک تازه " لئوپارد - ۲ " به بهای ۳۶ منزل سه اتاقه تمام میشود . یک پایگاه موشک " لانگسیر " همانقدر هزینه بر می آید که تامین مسکن و وسائل تحصیل ۳۷ هزار دانشجو در ظرف یکسال و یک دوره تعلیمات نظامی گردان تانک ، همانقدر خرج دارد که ساختمان ۲۸ باغ کودکان . کارشناسان حساب کرده اند که برای ریشه کن ساختن بیماری مالاریا در سراسر جهان ۴۵۰ میلیون دلار لازم است ولی در برخی نقاط تقریباً نیمی از مبلغی که روزانه خرج تسلیحات در جهان میشود برای انجام این کار کافی است . فقط ۸ میلیارد دلار برای تامین اهالی کشورهای در حال رشد با مواد غذایی ضروری است و این در حالی است که در این کشورها هم اکوت بخش چشمگیری از اهالی از اهالی در گر سنگی بسر میبرد . بیست و دو میلیارد دلار در سال یعنی تقریباً همانقدر که ایالات متحده آمریکا هر ساله به صرف سلاح های استراتژیک میسراند برای غلبه بر گر سنگی ، بیسواد ی و خطرناکترین بیماریها کافی است .

کارنهادن مسابقه تسلیحاتی پس از آن خلع سلاح عمومی و کاپل ، یعنی آنچه که اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی بطور پیگیر با قاطعیت خواستار آنند و فقط به معنی بهره برداری از معادل ۳۵۰ میلیارد دلار " زینه " های نظامی کوشی نیست . خلع سلاح عمومی و کامل علاوه بر اینها امکان میداد که از ذخایر عظیم ثروت های گوناگون نظامی که بهای آنها خیلی بیشتر از ۵۰۰ میلیارد دلار است (تکنیک الکترونیک ، ماشین های محاسبه ، اتومبیل ها و وسائل بارکشی ، ساختن هوا و وسایل فرودگاهها و نظایر اینها) برای مقاصد مسالمت آمیز استفاده شود .

سازند و زیر نویس از صفحه پیش

مطمینات ایالات متحده آمریکا بدین بناسبت تأیید میکنند که حجم واقعی " زینه " های نظامی از بودجه رسمی پنتاگون تقریباً ۶۰ میلیارد دلار بیشتر است .

بیش از ۲۵ میلیون انسانی که اینک در نیروهای مسلح کشورهای مختلف خدمت میکنند و همچنین ۲۵ میلیون نفر دیگری که بدین یا بدین ترتیب برای برآوردن نیازمندیهای نظامی کار میکنند میتوانند به انجمنها و کارگزاران بخش بازگردند. بالاخره این امکان بوجود میآید که موسسات نظامی و کسادهای نظامی و کارشناسانی آنها و وسائل و لوازم مدرن و معاصرشان بمسیر کارهای مسالمت آمیز اقتصاد زمین برای جلب آن ۲۵ درصد از کارهای علمی که امروز سرگرم پژوهشهای نظامی اند وید پس منظور تقریباً ۴۰ درصد تمام بودجه ای را که در جهان صرف کارهای پژوهشی میگردد بدخود اختصاص دادند و شرایط لازم فراهم میآید.

حساب شده است که طی دودهمه اخیر تقریباً ۵۵۰۰ میلیارد دلار (باد نظر گرفتن بهای ثابت دلار در سال ۱۹۷۶) بمصرف مقاصد نظامی رسیده است. برای مقایسه یادآور میشوم که مجموعه کمک اقتصادی به کشورهای درحال رشد از جاری دولتی در سال ۱۹۷۶ از ۱۰ میلیارد دلار کمتر بود. همانطور که دولت اتحاد شوروی بارها خاطرنشان کرده است هرگاه بودجه ای را که بمصرف تسلیحات میرسد در راه انجمنها زمینهای شریک خرج کنیم ممکن خواهد بود که در کوتاهترین مدت آنها اقتصاد کشورهای درحال رشد آسیا، آفریقا و امریکای لاتین را تا سطح کشورهای صنعتی پیشرفته کنونی ارتقاء بدهیم.

گرم بازار صنعتی نظامی بسود کیست!

ولی باید بگوئیم که صحبت تنها بر سرخارج مستقیم نظامی نیست. درگیریهایی نظامی که حالا دیگر مدتهاست خاتمه یافته اند تا امروز هم سربار بودجه کشورها هستند. زیرا برخی از دول ناچارند قرضه های دولتی خود روبرج آنها و حقوق بازنشستگی به افراد شرکت کنند و در جنگها و بیوه های شهید شده گان را بپردازند (۱). حتی بحساباتی که انجام شده و بطور مثال جنگ ویتنام حداقل تا نیم قرن دیگر در بودجه دولتی ایالات متحده امریکا موثر خواهد بود. برای مقایسه در زیر به درج جدولی میپردازیم که تناسب میان هزینههای مستقیم نظامی و تخمینی کلی (نهائی) ایالات متحده امریکا در در جنگ اخیر را نشان میدهد (رجوع کنید به جدول شماره ۲)

جدول شماره ۲

برخورد و درگیری نظامی	هزینه های نظامی مستقیم	هزینه های تخمینی نهائی
نخستین جنگ جهانی	۲۶ میلیارد دلار	۱۱۲ میلیارد دلار
جنگ جهانی دوم	" " ۲۲۸	" " ۶۶۴
جنگ کره	" " ۵۴	" " ۱۶۴
جنگ ویت نام	" " ۱۲۸	" " ۳۵۲

۱ - ملاحظه کنید که این محاسبات جنبش را تخمین نمیکنیم و ولی یک از ریاسا لاران بازنشسته امریکا حساب کرده است که دوازده سال پس از این حرکتی برای ژول سزار به طور متوسط ۷۵ سنت تمام میشود. بسیاری ناپلئون بناپار. در سال ۱۸۰۰ بهای یک سرباز کشته شده دشمن دیگر به سه هزار دلار سرباز میزد. در نخستین جنگ جهانی ایالات متحده امریکا برای نابود ساختن هر سرباز خصم ۲۱ هزار دلار در جنگ جهانی دوم ۲۰۰ هزار دلار خرج کرده است.

هزینه ساختمان و تولید سلاح هم بطورید اوم روبه افزایش است، و زیرسلاح های محاصر بسا سرع، فوق العاده زیادى از لحاظ فنى عقب میماند. حد متوسط دوام يك هواپيماى جنگى ساموشك خالاز ٥ تا ٧ سال بیشتر نیست، و زئوع تازه سلاح بفرنج ترورگان تراسلاح، ماقبل آنست. ما بسذکر چند نمونه میبیرد ازیمن: قیمت هواپيماى شكارى امریکای درسالهای جنگ جهانی دوم تقریباً ٥٣ هزار دلار بود و ولی درسال ١٩٧٢ هواپيماى شكارى جدید ١٨ میلیون دلار تا همیشه هواپيماى بمب افکن درسالهای ١٩٤٥-١٩٤٥ و ٢١٨ هزار دلار ارزش داشت ولی درسال ١٩٧٢ بهسای آن به ٣٠ میلیون دلار رسید. بمب افکن جدید "ب-١" ٨٠ میلیون دلار و "بوئینگ ٧٠٧" که باوساکن ویژه ای مانند هواپيماى سوپراستراتیک بارادار مجهز است، ویژه فرماندهی است، ١٨٠ میلیون دلار قیمت دارد.

پیشرفت تکامل انول جدید سلاح های کشتار جمعی که اینک بمب نوترون وموشک بالدارى که چندین میلیون دلار صرف تهیه آنها میشود، آخرین نقطه اعتلای آنهاست جنگه، رابطه رقا طح به گوسید یا محافه جانیات، باز اهالی پشت جبهه مبدل میسازد. چه کسانی در چنین پیشرفت وتکا، ایذینفع اند؟ بیش از نیمی از تولید سلاح در جهان سرمایه داری در اختیار گروه کوچکی است که جمهرها ٢٠-٣٠ شرکت، انحصاری را در بر میگیرد. میزان درآمد وسود موسساتی که سلاح تولید میکنند بیش از موسسات دیگر است. در ایالات متحده امریکا این نوع موسسات در درجه اول عبارتند از موسسات عظیمی نظیر "لوکهد" "جنرال الکتریک"، "بوئینگ"، "ماکدونل-دوگلاس"، و در جمهوری فدرال آلمان "مراشمیت بلکوف بلوم"، "زمیس" و "تلفونکن". میزان درآمد موسسات بزرگ، ایالات متحده امریکاکه محمولات غیرنظامی تولید میکنند، درسال ١٩٧٣ نزدیک به ١٠ درصد بود، در حالیکه سود کمپانی هائی که کارشان تولید اسلحه است از ٥٦ درصد هم بیشتر بود. درسال ١٩٧٢ یعنی زمانی که مخارج ایالات متحده امریکا از ١٠٠ میلیارد دلار بیشتر نبود، سود کلی مجتمع صنایع نظامی ٤٨٥٥ میلیارد دلار بود. عملاً از هر دو دلاری که مالیات دهندگان امریکائی برای نیروهای مسلح پرداخت کرده اند، يك دلار شایسته و قهباى گردانندگان مجتمع های صنعتی - نظامی سرازیر شده است.

در واقع بهمین علت هم مجتمع صنعتی - نظامی اینک نقش سردمدار اصلی افزایش تشنج بیسن - المللی را ایفا میکند. ارتش کاملی از مبلغین و وکلای مدافع و ژنرالها و دانشندان در اختیار دارد که ضرورت مسایقه تسلیحاتی را "بشایسته میسرسانند" و مانع پیشرفت مذاکرات خلع سلاح اند. تبلیغات گسترده ضد کمونیستی را دامن میزنند و تلاش دارند به مردم عادی در جهان سرمایه داری بیم وهراس از "تهدیدات و خطری" که گویا از جانب اتحاد جماهیر شوروی وسایر کشورهای سوسیالیستی متوجه آنهاست تلقین کنند و القاء شبهه نمایند که این علل آنها را بصرف پول مالیات دهندگان برای تولید سلاح های هرچه گرانتر و حیاتیتر، با برتر "وامیدارد".

يك زنجیر دیگر امپریالیستی

صد و اسلحه نیز یکی از صنایع جدی سود انحصارها است. اگر درسال ١٩٦٣ حجم کلی صدور اسلحه برای سود جوئی ٤ میلیارد دلار بود درسال ١٩٧٣ ٨٧٤ میلیارد دلار بود درسال ١٩٧٥ فقط مجتمع صنعتی - نظامی ایالات متحده امریکا ٩٣٣ میلیارد دلار اسلحه به خارج صادر کرده است. ایالات متحده امریکا بزرگترین صادرکننده اسلحه است، و به بیش از ٧٠ کشور جهان اسلحه صادر میکند. اعتبارات نظامی بخش اعظم بودجه ای را تشکیل میدهد که امریکا طبق برنامه "کک" بکشورهای دیگر اختصاص داده است. دردوران اخیر خسار و نزديك به صرف کننده اساسی سلاحهای امریکائی

مبدل شده است و در ضمن بخش قابل ملاحظه ای از این سلاحها به اسرائیل داده میشود و بطور مثال در سالهای ۱۹۷۴-۱۹۷۶ پهای اسلحه ای که امریکاه اسرائیل داد و بیزان زیاد ی پیش از چهار میلیارد دلار بوده است و انحصارهای امریکائی سفارشات هم از کشورهای خلیج فارس دریافت داشته اند که میلیارد ها دلار تا همیشه بود و در سال ۱۹۷۴ بیش از نیمی از سلاحهای صادراتی امریکا به این کشورها فروخته شده است و پس از امریکا و فرانسه و انگلستان از بزرگترین صادرکنندگان تسلیحات اند و کسرن های آلمان غربی هم در سالهای اخیر در این رشته بیزان زیاد ی بر فعالیت خود افزودند و انحصارهای جمهوری فدرال آلمان علاوه بر صد و مستقیم اسلحه در آرژانتین و سنگاپور و تایلند و اندونزی و غنا و سودان کارخانههای اسلحه سازی ایجاد میکنند و اسرائیل هم سلاحهای خود را بکشورهای دیگر صادر میکند و طبق اخبار مطبوعات صد و اسلحه از اسرائیل به حدودی رسیده است که آنرا در ردیف کشورهای نظیر جمهوری فدرال آلمان و بریتانیای کبیر قرار میدهند و مشتری عمدتاً صنایع اسلحه سازی اسرائیل رژیمهای نژاد پرست جمهوری آفریقای جنوبی ورودی است و

تحویلی روز افزون سلاح به بسیاری از کشورهای در حال رشد و مقدّم بوده به کشورهای که دارای رژیم های ارتجاعی اند و دامن زدن بماتش اختلافات و تشدید مسایقتسلیحاتی در این بخش از جهان دردست امپریالیست ها وسیله ای برای وابسته ساختن کشورهای در حال رشد به کشورهای نواستعماری و امپریالیستی است و

مصارف مسایقتسلیحاتی طی ۲۰ سال اخیر در کشورهای در حال رشد به ۴۲۴ میلیارد دلار رسیده و دینار سرعتر از زیربنای اقتصاد ای این کشورها رشد میکند و سهم کشورهای در حال رشد در مصرف هزینه در راه مقاصد نظامی ۱۴ درصد است و این هزینه برای آنها یاری طاقت فرماست و مانع عظیمی در سر راه پیشرفت اقتصاد و فرهنگ آنها و تحقق برنامه های عظیم اجتماعی یعنی تمام آنچه چیزهایی است که اهالی این کشورها بدان نیازمندند و

برغم اظهارات عوامل غربیانه و تبلیغاتی و مسایقتسلیحاتی نفع مادی برای کشورهای در برزند و بطور مثال زحمتکشان کشورهای پیشرفته صنعتی و طرفداران صلح در جمهوری فدرال آلمان بارها تاکید کرده اند که تا آغاز مسابقه شدیدی تسلیحاتی عملاً در جمهوری فدرال آلمان بیکاری وجود نداشت و یک گروه تحقیقاتی از دانشجویان میشیگان چندی پیش یکمک دانشمندان مشهور اقتصاد دان به ایسین نتیجه رسید که هر یک میلیارد دلار که صرف هزینه های مسابقه تسلیحاتی میگردد فقط سی و پنج هزار فرصت کار بوجود میآورد در حالیکه اگر این مبلغ در رشته های غیر نظامی مصرف میشد یکمک آن انجام اقدامات زیر امکان پذیر میگردد و :

— ۱۵۰ هزار فرصت کار برای کارگران غیر متخصص و یا

— ۱۰۰ هزار فرصت کار برای معلمین و یا

— ۷۶ هزار فرصت کار برای ایجاد شبکه های خدمات اجتماعی شهری و یا

— ۵۰ هزار فرصت کار برای ساختمان مدارس و

هزینه های هنگفت غیر تولیدی که دولت های کشورهای سرمایه داری بصرف تسلیحات میبرسانند به افزایش وام های کشورهای انجامد و یکی از مهمترین علل ترومی است که اینک در بسیاری از کشورهای سرمایه داری به ۱۲ تا ۱۵ درصد در سال میرسد و بالا رفتن قیمت ها و بحران شهرها و بیهوشی و آموزش و پرورش هم به هزینه های نظامی وابسته است و تمام این ها بار سنگینی بر دوش نود و نه های

زحمتکش است .

بهمین سبب صدای کسانی که دولت‌ها را به برداشتن گامهای مشخص در راستای وحدت و ساختن تسلیحات و تحقق خلع سلاح فراموش خوانند هرچه رساتر و بلندتر می‌شود ، موضع پیگیر اتحاد شوروی و کشورهای جامه سوسیالیستی طرفداران هرچه بیشتری پیدا میکند . این موضع همانطور که رفیق برژسفسکی د پیرکل حزب کمونیست اتحاد شوروی و صد رهبریت رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی گفت عبارتست از اینکه " . . . هیچ کانون خطر جنگی وجود ندارد که اتحاد شوروی درازمین بردن آن از راه مسالمت آمیز نینفع نباشد ، هیچ نوع سلاحی و مقدم بر همه سلاح کشتاردهنده جمعی نیست که اتحاد شوروی آماد وحدت و ساختن و باغدغن کردن آن برپایه تفاهم متقابل و طبق توافق با دیگرکشورها نباشد تا بدینوسیله بعد ابدی از زمین برداشته شود " (۱) .

این آمار و ارقام در بروروی آمار و اطلاعات مجله برپایه انتشارات روزنامه ها و مجلات مختلف تهیه شده است . بدینقرار :

" Unsere Zeit " و " Marxistische Blätter "

(جمهوری فدرال آلمان)

" Labour Today " (ایالات متحده آمریکا)

" New Scientist " (انگلستان)

" 100+1 zahranični zajímavost " (جمهوری سوسیالیستی چکوسلواکی)

و گوریر یونسکو .

مجله «مسائل بین‌المللی» که هر دو ماه یکبار انتشار می‌یابد، به تشریح مسائل تئوریک و سیاسی جنبش جهانی کمونیستی و کارگری اختصاص دارد.

مؤدراجات این مجله از میان مقالات مجله «مسائل صلح و سوسیالیسم» که تشریح تئوریک و اطلاعاتی احزاب کمونیست و کارگری و منعکس‌کننده نظریات و اندیشه‌های آنانست، انتخاب و ترجمه می‌شود.

در این شماره منتخبی از مقالات شماره‌های ۱۱ و ۱۲ (نوامبر - دسامبر) سال ۱۹۷۷ مجله «مسائل صلح و سوسیالیسم» بچاپ رسیده است.

**PROBLEMS OF
PEACE AND SOCIALISM**

Theoretical and Information Journal of Communist
and Workers' Parties throughout the world

1977 No. 11 12

هیئت تحریریه و شورای تحریریه مجله
 «مسائل صلح و سوسیالیسم» از نمایندگان احزاب
 کمونیست و کارگری کشورهای زیر ترکیب میشود:
 اتحاد شوروی، اتریش، اردن، آرژانتین، اسپانیا،
 اسرائیل، جمهوری افریقای جنوبی، الجزیره،
 جمهوری دموکراتیک آلمان، جمهوری فدرال
 آلمان، اندونزی، ایالات متحده امریکا، ایتالیا،
 ایران، برزیل، بریتانیای کبیر، بلغارستان،
 بلیوی، پاراگوئه، پاناما، پرتغال، چکسلواکی،
 دانمارک، رومانی، ژاپن، سنگال، سوئد، سودان،
 شیلی، عراق، فرانسه، فنلاند، فیلیپین، قبرس،
 کانادا، کلمبیا، لبنان، لوکزامبورگ،
 مجارستان، مغولستان، ونزوئلا، هندوراس،
 هندوستان، یونان .

خوانندگان عزیز!

باین نشانی با ما مکاتبه کنید:

P. B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden

شماره حساب بانکی جدید مجله

«مسائل بین المللی»: Berlin :
Deutsche
Außenhandelsbank A. G.
Konto-Nr. 9608-3131-0010